



Mojahed
دوشنبه
۲۸ فروردین
۱۳۸۵
۸ ربیع‌الاول
۱۴۲۷
April 17
2006

**خون عشاق نخفته‌ست
و نخسبد به جهان
به یاد
سالروز شهادت
د کتر کاظم رجوی
شهید بزرگ حقوق بشر**
در صفحات ۱۰ و ۱۱



**نشریه فوق‌العاده مجاهد
ویژه دیدارها و سخنرانیهای
رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت
در شورای اروپا روز پنجشنبه
۳۱ فروردین منتشر می‌شود**



2US\$ 1.5Pounds 3SFR 3C\$ 2€

واکنش جهانی نسبت به اعلام رسمی غنی‌سازی اورانیوم توسط رژیم آخوندی

سفر محمد البرادعی به تهران باشکست روبه‌رو شد و وی با دست خالی تهران را ترک کرد

– خاور سولانا، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا: اتحادیه اروپا در حال آماده‌کردن مواردی برای اعمال تحریم علیه رژیم ایران است
– آدام اری، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا: شورای امنیت بایددر واکنش به اقدام جدید رژیم ایران گام‌های بعدی را بردارد
– جک استراو وزیر خارجه انگلستان با صدور بیانیه‌یی نگرانی عمیق خود را نسبت به اعلام رسمی غنی‌سازی اورانیوم توسط رژیم ایران ابراز کرد
در صفحه ۲

دهند.
– اسکات مک کللین سخنگوی کاخ سفید: رفتار رژیم ایران و رویارویی آن با بیانیه شورای امنیت سازمان ملل متحد، تهدیدی برای این شورا است
– روزنامه فرانسوی فیگارو: دیک چینی معاون رئیس‌جمهور آمریکا تغییر رژیم ایران را بهترین راه‌حل برای پایان‌دادن به بحران هسته‌یی ایران دانست
– سفیر چین در سازمان ملل متحد: آن‌چه رژیم ایران اعلام کرد مایه نگرانی چین است

جشن میلاد پیامبر اسلام (ص) در محل اقامت رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت

به‌مناسبت میلاد فرخنده پیامبر عظیم‌الشأن اسلام محمد مصطفی (ص) مراسم گرامیداشتی در اورسوراواز با حضور خانم مریم رجوی رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت و شخصیت‌های مسلمان فرانسوی و عرب و ایرانی برگزار شد.

در این مراسم خانم مریم رجوی میلاد حضرت محمد (ص) را به عموم مسلمانان تبریک گفت و افزود: از این فرصت استفاده می‌کنم و عید پاک را نیز به مسیحیان جهان و به ویژه هموطنان مسیحی تبریک می‌گویم. خانم رجوی ضمن اشاره به پیام رحمت و یگانگی محمد مصطفی گفت: آخوندهای دینفروش حاکم بر ایران، این میلان ترور و زن‌ستیزی، پیروان محمد(ص) نیستند بلکه بدترین دشمنان او هستند. سیمای پیامبر اکرم چیزی نیست که بنیادگرایان و ملایان تهران ترسیم می‌کنند. آنها پیام محمد(ص) را وارونه کرده‌اند و با نسبت‌دادن افکار ارتجاعی و رفتار ضدانسانی خود به اسلام چهره این آیین پاک را مخدوش جلوه می‌دهند. در این مراسم برخی از شخصیت‌های شرکت‌کننده ازجمله سید احمد غزالی، نخست‌وزیر پیشین الجزایر، غالب بن شیخ اسلام‌شناس و رئیس مجمع بین‌المللی بین‌المذاهب برای صلح، توفیق سبتی رئیس شورای منطقه‌یی مسلمانان فرانسوی، شیخ خلیل مرون مدیر مسجد شهر اوری و از بنیانگذاران فدراسیون مسلمانان فرانسه، طارق آبرو مدیر مسجد شهر بردوی فرانسه، شیخ ممدو سانکوشارا مدیر مسجد ناورنی و از چهره‌های معروف گفتگوی بین ادیان در فرانسه، خانم عفیفه مطرون، فعال زنان از مراکش و دکتر کرباری رئیس انجمن دانشجویان مسلمان فرانسه، سخنرانی کردند.

موج اعتراضات علیه حکم اعدام زندانی مجاهد، ولی‌الله فیض مهدوی

بند۶ زندان گوهردشت کرج، به زندانی مجاهد ولی‌الله فیض مهدوی هشدار داده است که حق دادن اخبار مربوط به اعدام خویش را به بیرون از زندان ندارد و در این رابطه باید سکوت پیشه کند. وی تهدید کرده است در غیراین‌صورت همانند حجت زمانی حکم وی را بی‌سر و صدا به اجرا خواهند گذاشت. وضعیت جسمانی مجاهد خلق ولی‌الله فیض مهدوی به دلیل شرایط نامساعد بهداشتی و فقدان رسیدگی‌های پزشکی مناسب نیست و دچار بیماری شدید پوستی شده و یکی از کلیه‌هایش از کار افتاده است.
در صفحه ۱۶

بیانیه‌یی، ضمن محکوم‌کردن حکم جنایتکارانه اعدام ولی‌الله فیض اعلام کردند: «ما فرهنگیان و معلمان در برابر این بیدادگری سکوت نکرده و از همه مجامع حقوق‌بشری دنیا می‌خواهیم برای نجات جان این مجاهد قهرمان که اینک در زندان گوهردشت کرج در بند است اقدام سریع نمایند.از همهٔ فرهنگیان و معلمان و دانشجویان و اساتید محترم دانشگاه و دانش‌آموزان می‌خواهیم فریاد دادخواهی سر داده واین اقدام جنایتکارانه را محکوم نمایند». همزمان از داخل کشور خبرمی‌رسد که پاسدار جنایتکار محمد جارویی، رئیس

پرونده نقض حقوق‌بشر رژیم آخوندها در شورای امنیت ملل متحد و اتخاذ تدابیر جدی علیه این دیکتاتوری ضدانسانی شدند. این تظاهرات و اکسیون‌های اعتراضی ازجمله در شهرهای کلن در آلمان، بیرمنگام در انگلستان، نیویورک، لس‌آنجلس، سن خوزه و برکلی در آمریکا، اسلو و تروندهایم در نروژ، ونکوور و مونترال در کانادا و وین در اتریش بر گزار گردید.

در داخل کشور نیز حمایت‌های انجمنها و تشکلهای مردمی از زندانی مجاهد ولی‌الله فیض ادامه یافت و ازجمله فرهنگیان هوادار مجاهدین خلق ایران در تهران طی

اعتراضات جهانی علیه حکم اعدام زندانی مجاهد ولی‌الله فیض مهدوی که در پی اعلام این خبر بالاگرفت، هم‌چنان در شهرهای بزرگ جهان در اروپا و آمریکا ادامه دارد. حامیان مقاومت و ایرانیان آزاد، با شرکت در تظاهرات اعتراضی ضمن محکوم‌کردن این حکم جنایتکارانه، نسبت به تکرار فاجعه قتل‌عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ هشدار دادند و از مجامع بین‌المللی و حقوق‌بشری و ارگانهای سازمان ملل متحد خواستند تا بر روی رژیم آخوندی فشار آورند و جان زندانی مجاهد ولی‌الله فیض مهدوی را نجات‌دهند. تظاهر‌کنندگان هم چنین خواستار بررسی

در صفحات دیگر

چگونگی تولید برق یا بمب اتمی و مراحل اجرایی آن در ایران

گردآورنده: احمد ایرانی

– استخراج سنگ اورانیوم از معدن ساغند یزد
– تهیه کیک زرد در کارگاه اردکان
– فراوری کیک زرد در کارگاه اصفهان
– غنی‌سازی اورانیوم در تأسیسات نطنز برای راکتور هسته‌یی برق
– تهیه پلوتونیوم
– بمب اتمی
– بمب اورانیومی
در صفحه ۶

مقالات:

– فضای حاکم بر پرونده اتمی «پاسداران» را دریابیم!۱)
یزدان حاج‌حمزه صفحه ۷

– مجاهدین خودشان، خودشان را شکنجه می‌کنند
– سوزش از شادی اشرافیان
علیمراد اشرفی

– عبور استبداد آخوندی از مرز سرخ شتاب‌گیری در مسیر سقوط
بهزاد سمدی

– مرزهای اسلام با بنیادگرایی تروریست (۱۷)
جلال گنج‌های

– تاریخ ایران زمین
عبدالعلی معصومی

– پادی از جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه
محمد بهروزی صفحه ۱۲

– مهرانیهای پنهان یک تیزرندان
کاظم مصطفوی

– وبلاگ، چنره‌یی بر روی آزادی بیان و تحریر
ح – مقدم صفحه ۱۲



سروهای سرفراز فروردین

خاطره پیشوایان رهایی خلق ، شهیدان ۳۰فروردین ۱۳۵۱ و ۱۳۵۴ گرامی باد به مناسبت سی‌وپهارمین سال شهادت اولین دسته از اعضای مرکزیت سازمان مجاهدین خلق ایران در ۳۰فروردین ۱۳۵۱

به یاد ۹ شقایق سرخ تپه‌های اوین در صفحه ۱۵

«رژیم ایران تهدید جدی منطقه‌یی و بین‌المللی»

سخنرانی در دانشگاه آلیانس در کالیفرنیا

در این جلسه که به دعوت دانشگاه الیانس و با حضور ۵۰۰ تن از استادان و دانشجویان این دانشگاه برگزار شد، پروفیسور محمدحسین تسوجی عضو شورای ملی مقاومت، به سخنرانی پرداخت. یک هیأت چهار نفره از مقاومت ایران در این جلسه شرکت داشت

در صفحه ۴

ضمیمه ادبی و فرهنگی ندا شماره ۱۸

در این شماره ندا مطالب زیر را می‌خوانید
– پرنده‌یی فاتح دله
در باره آنتوان دو سنت اگزوپری از علاءالدین توران
– ابتلال، وقاحت؟ و یا ... هنرکشی
کلاغ سیاه و جناب روباه از سنار لاقابی
– شاهنامه فردوسی از عبدالعلی معصومی
– ماثنو فالکون از پروسپر مریمه ترجمه ه – مهرنوش
– برگی از عهد عتیق و چند شعر کوتاه از رحمان کریمی

معنای «دیپلوماسی بازدارنده» رژیم

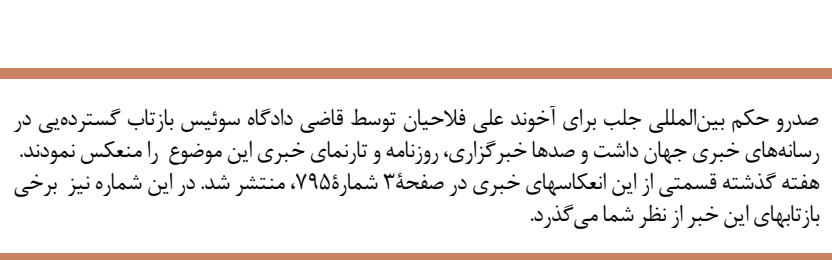


هرقدر بحران‌های درونی و بیرونی رژیم جادتر می‌شود، آخوندها طبل‌های سیاست «اعلان جنگ» را در منطقه و جهان بلندتر به‌صدا درمی‌آورند. روز ۲۲فروردین، احمدی‌نژاد در نمایشی در مشهد، تکمیل چرخه تولید سوخت اتمی و غنی‌سازی اورانیوم درسایت نطنز را اعلام کرد و علناً دستور داد که غنی‌سازی در ابعاد صنعتی گسترش یابد. در واری هریحت فنی، شکل و محتوای سیاسی این اقدام، جوابی سربالا به بیانیه شورای امنیت ملل متحد مبنی بر توقف کامل همه فعالیت‌های غنی‌سازی بود.

دو روز بعد از این تجری در زمینه اتمی، یک روزنامه حکومتی پرده را از روی اهداف رژیم در عراق کنار زد و نوشت: «عراق امروز به بستر بازی منطقه‌یی تهران تبدیل شده و کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا به خوبی این واقعیت را درک می‌کنند... نفوذ ایران در عراق خواهد توانست بار دیگر عالیه کشور را سوریه و لبنان را احیا کرده و منافع عالیه کشور را تضمین کند». روزنامه حکومتی سپس می‌نویسد: «مروزه جریان پرونده هسته‌یی کشور همراه با تحولات عراق، دوشادوش دیگر در دو طرف رودخانه جاری روابط بین‌الملل در حال حرکت است» و «بل‌زدن میان این دو مؤلفه» می‌تواند «چالش‌های مربوط به پرونده هسته‌یی کشور را با زیرکی تمام و با یک دیپلوماسی بازدارنده به حاصل جمع مثبت تبدیل کند»(۲۴فروردین).

ظاهر رویکردهای رژیم در زمینه‌های اتمی و عراق، تهاجمی و قدر‌تنمایی ولی پاتشن بستن گارد دفاعی رژیم در مرحله پایانی است. این دو مسیر سیاسی که از سرفصل اقتباس رژیم و روی کارآمدن احمدی‌نژاد

صدور حکم بازداشت آخوند فلاحيان از نگاه رسانه‌های جهان



آیت‌الله‌امام خمینی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، در جریان بازداشت توسط نیروهای امنیتی در تهران، ۱۳۵۷.

صدرو حکم بین‌المللی جلب برای آخوند علی فلاحيان توسط قاضی دادگاه سوئیس بازتاب گسترده‌یی در رسانه‌های خبری جهان داشت و صدها خبرگزاری، روزنامه و تارنمای خبری این موضوع را منعکس نمودند. هفته گذشته قسمتی از این انعکاسهای خبری در صفحهٔ ۳شمارهٔ ۷۹۵، منتشر شد. در این شماره نیز برخی بازتابهای این خبر از نظر شما می‌گذرد.

ژنو- یک روزنامه سوئیسی امروز نوشت قاضی تحقیق سوئیسی یک حکم جلب بین‌المللی علیه یک وزیر پیشین ایرانی به‌خاطر دخالتش در قتل یک رهبر اپوزیسیون صادر کرده است. لومتن دیماتش بخشی از حکم جلب صادر شده توسط ژاک آنتنن را چاپ کرده‌است که در آن این قاضی تحقیق در استان وود از مقامات فدرال سوئیس می‌خواهد که اقدام به دستگیری علی فلاحيان، وزیر تندروی پیشین اطلاعات ایران، بنمایند.

این روزنامه چاپ لوژان مقدمه این سند که «به‌کلی محرمانه» می‌باشد را چاپ نموده‌است که در ۲۰مارس به وزارت دادگستری فدرال سوئیس که مسئول انتشار بین‌المللی آن می‌باشد، ارسال شده است. در این

حکم دستگیری وزیر سابق ایرانی

روزنامه نويه زوره خبری سايوتونگ، ۲۱فروردین: قاضی استان وود، ژاک آنتنن، یک حکم جلب بین‌المللی علیه وزیر اطلاعات سابق صادر کرد.

خبر انتشار گزارای آسوشیتدپرس قرار گرفت. علی فلاحيان وزیر اطلاعات سابق ایران در سال ۱۹۸۰ دستور قتل مخالف سیاسی ایرانی دکتر کاظم رجوی را داده بود. رجوی در نزدیک محل اقامتش در ژنو به‌قتل رسانده شد.

روزنامه نويه زوره خبری سايوتونگ، ۲۱فروردین: قاضی استان وود، ژاک آنتنن، یک حکم جلب بین‌المللی علیه وزیر اطلاعات سابق صادر کرد.

روزنامه نويه زوره خبری سايوتونگ، ۲۱فروردین: قاضی استان وود، ژاک آنتنن، یک حکم جلب بین‌المللی علیه وزیر اطلاعات سابق صادر کرد.

برن - سفارت رژیم ایران حکم جلب بین‌المللی که توسط قاضی وود، ژاک آنتنن، در ارتباط با کشته شدن فعال اپوزیسیون کاظم رجوی در سال ۱۹۹۰ در شهر کوبه، صادر شده‌است، را بی‌اساس خواند. در این رابطه وزیر سابق اطلاعات علی فلاحيان تحت پیگرد قانونی است.

در باره این قضیه قاضی مسئول ژاک آنتنن اواخر ماه مارس یک حکم جلب بین‌المللی برای وزیر سابق اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی ایران صادر کرد. به‌قول این قاضی این فرد دستور اعدام کاظم رجوی را داده بود.

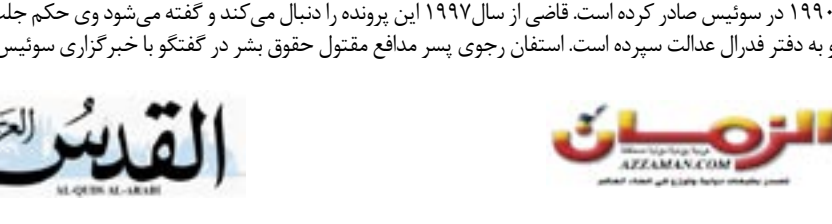
در سالهای ۱۹۹۰ دستگاه قضایی مسئول دنیای دیپلماتهای ایرانی بود که بعد از این قضیه کشور را به‌سرعت ترک کرده‌بودند، اما همیشه رژیم ایران به‌عنوان منشاء این ترور مورد سوء ظن بود.

یکشنبه در اطلاعاتیه‌یی که به خبرگزاری سوئیس داده شده، استافان رجوی فرزند فعال مقتول حقوق‌پیش ر از پيشرفت فوق‌العاده عدالت در سوئیس اظهار خرسندی کرد و قاضی استان وود را ستود.

برن - سفارت رژیم ایران حکم جلب بین‌المللی که توسط قاضی وود، ژاک آنتنن، در ارتباط با کشته شدن فعال اپوزیسیون کاظم رجوی در سال ۱۹۹۰ در شهر کوبه، صادر شده‌است، را بی‌اساس خواند. در این رابطه وزیر سابق اطلاعات علی فلاحيان تحت پیگرد قانونی است. در باره این قضیه قاضی مسئول ژاک آنتنن اواخر ماه مارس یک حکم جلب بین‌المللی برای وزیر سابق اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی ایران صادر کرد. به‌قول این قاضی این فرد دستور اعدام کاظم رجوی را داده بود.

در سالهای ۱۹۹۰ دستگاه قضایی مسئول دنیای دیپلماتهای ایرانی بود که بعد از این قضیه کشور را به‌سرعت ترک کرده‌بودند، اما همیشه رژیم ایران به‌عنوان منشاء این ترور مورد سوء ظن بود.

یکشنبه در اطلاعاتیه‌یی که به خبرگزاری سوئیس داده شده، استافان رجوی فرزند فعال مقتول حقوق‌پیش ر از پيشرفت فوق‌العاده عدالت در سوئیس اظهار خرسندی کرد و قاضی استان وود را ستود.



روزنامه الزمان ۲۱فروردین
این روزنامه به نقل از خبرگزاری فرانسه خبر حکم دستگیری آخوند فلاحيان توسط دادگاه سوئیس را منعکس کرد و ازجمله نوشت:
از ژوئن ۱۹۹۷ قاضی رولان شاتلن اظهار‌امتنیان کرده‌بود که دستور قتل از سوی وزارت اطلاعات ایران صادر شده و اطلاعات ۱۳مظنون را در اختیار داشت. اما او علیه فلاحيان حکم جلب صادر نکرد.

سوئیس برای علی فلاحيان حکم بازداشت صادر کرد
BBC
سایت بی.بی.سی ۲۰فرودین:
ایرانی همواره دخالت در این قتل را انکار کرده‌اند. رسانه‌های سوئیس گزارش دارند که این حکم بیستم ماه مارس (اول فروردین ۸۵) گذشته صادر شده بود.

کاظم رجوی نماینده شورای مقاومت ملی از مجامع مخالف جمهوری اسلامی بود. وی که از ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۸ مقیم فرانسه بود سپس در سوئیس اقامت گزید و پناهندگی سیاسی گرفت. کاظم رجوی، اولین نماینده ایران در مقر سازمان ملل متحد در ژنو پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ بود، اما

کمی پس از انتصابش به این سمت در اعتراض به «سیاستهای سرکوبگرانه و فعالیت‌های تروریستی حاکمیت مذهبی ایران استعفا داد. پس از آن به فعالیت خود علیه اعداهای دسته‌جمعی و بازداشت‌های خودسرانه و شکنجه‌شدت بخشید.

استافان رجوی پسر آقای رجوی مستمراً مقامات ناحیه وود را زیر فشار گذاشته است تا حکم دستگیری فلاحيان را صادر کنند. ده سال پیش همان نیز حکم دستگیری مشابهی علیه علی فلاحيان صادر کرد. در ۱۹۹۶ دادگاهی در برلین شماری از رهبران و مقامات ارشد جمهوری اسلامی را متهم کرد که در قتل چهار ناراضی کرد در رستوران میکونوس در برلین دست داشته‌اند.

به جز خامنه‌ای و اکبر رفسنجانی، وزیر خارجه وقت علی اکبر ولایتی و وزیر اطلاعات وقت علی فلاحيان متهم به دست داشتن در ترورها شدند. پس از قتل آقای رجوی ۱۶۲نماینده کنگره آمریکا در نامه‌یی به مسعود رجوی، برادر وی و رهبر سازمان مجاهدین خلق ایران از شورای مقاومت و اهداف صلح‌جویانه و دموکراتیک آن حمایت کردند.



خبرگزاری هلند، ۲۰فروردین:
خبرگزاری هلند و روزنامه‌های «ال سیوپر» و «تراو» به‌نقل از آسوشیتدپرس خبر صدور حکم بازداشت برای وزیر سابق وزارت اطلاعات رژیم، علی فلاحيان، به‌جرم قتل کاظم رجوی، در سال ۱۹۹۰ در ژنو را درج کردند. در این خبر تأکید شده‌است که تاکنون ده‌ها نفر از مخالفان رژیم بنیادگرای ایران به‌دست مأموران وزارت اطلاعات، در خارج از مرزهای کشور به‌قتل رسیده‌اند.

حکم جلب فلاحيان درمطبوعات ایتالیا
swissinfo
دو‌سایت خبری Ticonline و swissinfo که سوئیسی هستند اما مطالبشان در مطبوعات ایتالیا درج می‌شود، ضمن درج خبر صدور حکم جلب فلاحيان نوشتند: این پرونده به‌اهتمام استافان رجوی پسر دکتر کاظم رجوی به جریان افتاده و منجر به صدور این حکم ازسوی قاضی سوئیس شده‌است. استافان رجوی به خبرنگاران گفت که امروز بهترین روز زندگی من است.

برن - سفارت رژیم ایران حکم جلب بین‌المللی علیه وزیر اطلاعات سابق ایران صادر کرد. طبق خبری در اختیار خبرگزاری آسوشیتدپرس قرار گرفت. علی فلاحيان وزیر اطلاعات سابق ایران در سال ۱۹۸۰ دستور قتل مخالف سیاسی ایرانی دکتر کاظم رجوی را داده بود. رجوی در نزدیک محل اقامتش در ژنو به‌قتل رسانده شد.

حکم جلب بین‌المللی علیه فلاحيان وزیر اطلاعات سابق رژیم ایران به‌اتهام دست‌داشتن در ترور دکتر کاظم رجوی
روزنامه الشرق الاوسط ۲۱فروردین:
دستگاه قضایی سوئیس یک حکم جلب بین‌المللی علیه علی فلاحيان وزیر پیشین اطلاعات ایران مظنون به قتل مخالف ایرانی کاظم رجوی در آوریل ۱۹۹۰ در سوئیس صادر کرده است. قاضی از سال۱۹۹۷ این پرونده را دنبال می‌کند و گفته می‌شود وی حکم جلب بین‌المللی را در ۲۰ مارس امضا کرده و به دفتر فدرال عدالت سپرده است. استافان رجوی پسر مدافع مقتول حقوق بشر در گفتگو با خبرگزاری سوئیس این خبر را تصدیق کرد.



روزنامه‌القدس العربی ۲۱فروردین
این روزنامه به نقل از خبرگزاری فرانسه خبر حکم دستگیری آخوند علی فلاحيان توسط دادگاه سوئیس را منعکس نمود و نوشت:

...دستگاه قضایی سوئیس به دیپلمات‌های ایرانی که بلافاصله پس از ترور کشور را ترک کرده‌بودند، مظنون شد.

سوئیس برای علی فلاحيان حکم بازداشت صادر کرد
BBC
سایت بی.بی.سی ۲۰فرودین:
ایرانی همواره دخالت در این قتل را انکار کرده‌اند. رسانه‌های سوئیس گزارش دارند که این حکم بیستم ماه مارس (اول فروردین ۸۵) گذشته صادر شده بود.

کاظم رجوی نماینده شورای مقاومت ملی از مجامع مخالف جمهوری اسلامی بود. وی که از ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۸ مقیم فرانسه بود سپس در سوئیس اقامت گزید و پناهندگی سیاسی گرفت. کاظم رجوی، اولین نماینده ایران در مقر سازمان ملل متحد در ژنو پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ بود، اما

کمی پس از انتصابش به این سمت در اعتراض به «سیاستهای سرکوبگرانه و فعالیت‌های تروریستی حاکمیت مذهبی ایران استعفا داد. پس از آن به فعالیت خود علیه اعداهای دسته‌جمعی و بازداشت‌های خودسرانه و شکنجه‌شدت بخشید.

استافان رجوی پسر آقای رجوی مستمراً مقامات ناحیه وود را زیر فشار گذاشته است تا حکم دستگیری فلاحيان را صادر کنند. ده سال پیش همان نیز حکم دستگیری مشابهی علیه علی فلاحيان صادر کرد. در ۱۹۹۶ دادگاهی در برلین شماری از رهبران و مقامات ارشد جمهوری اسلامی را متهم کرد که در قتل چهار ناراضی کرد در رستوران میکونوس در برلین دست داشته‌اند.

به جز خامنه‌ای و اکبر رفسنجانی، وزیر خارجه وقت علی اکبر ولایتی و وزیر اطلاعات وقت علی فلاحيان متهم به دست داشتن در ترورها شدند. پس از قتل آقای رجوی ۱۶۲نماینده کنگره آمریکا در نامه‌یی به مسعود رجوی، برادر وی و رهبر سازمان مجاهدین خلق ایران از شورای مقاومت و اهداف صلح‌جویانه و دموکراتیک آن حمایت کردند.



حکم جلب سوئیسی علیه یک وزیر پیشین سرویسهای اطلاعاتی ایران
رویتر ۲۰فروردین:
زوریخ- بنا به نسخه‌یی از یک حکم جلب که به‌دست رویتر رسیده است، سوئیس یک حکم جلب بین‌المللی برای وزیر پیشین اطلاعات ایران در ارتباط با قتل یک مخالف ایرانی صادر کرده است. این حکم که توسط قاضی تحقیق استان وود در سوئیس صادرشده است، علی فلاحيان را متهم به صدور و دستور قتل کاظم رجوی می‌کند که یک مقام ارشد شورای ملی مقاومت ایران در ۱۹۹۰ در سوئیس بوده است.

این سند که توسط مخالفان ایرانی در تبعید ارائه شده‌است می‌گوید: علی فلاحيان در زمان طراحی و انجام ترور کاظم رجوی وزیر اطلاعات و امنیت ایران بود. او در سال ۱۹۸۲ یا ۱۹۸۳ تصمیم گیری و فرمان اعدام کاظم رجوی را صادر نمود.

رویتر ۲۰فروردین:
زوریخ- بنا به نسخه‌یی از یک حکم جلب که به‌دست رویتر رسیده است، سوئیس یک حکم جلب بین‌المللی برای وزیر پیشین اطلاعات ایران در ارتباط با قتل یک مخالف ایرانی صادر کرده است. این حکم که توسط قاضی تحقیق استان وود در سوئیس صادرشده است، علی فلاحيان را متهم به صدور و دستور قتل کاظم رجوی می‌کند که یک مقام ارشد شورای ملی مقاومت ایران در ۱۹۹۰ در سوئیس بوده است.

این سند که توسط مخالفان ایرانی در تبعید ارائه شده‌است می‌گوید: علی فلاحيان در زمان طراحی و انجام ترور کاظم رجوی وزیر اطلاعات و امنیت ایران بود. او در سال ۱۹۸۲ یا ۱۹۸۳ تصمیم گیری و فرمان اعدام کاظم رجوی را صادر نمود.

فلاحيان دستور ترور مسعود رجوی را نیز صادر کرده بود
راديو فرانسه ۱۹ فروردین:
شورای ملی مقاومت ایران، امروز با انتشار اطلاعیه‌یی در پاریس، گزارش داد که حکم جلب بین‌المللی علی فلاحيان وزیر سابق اطلاعات جمهوری اسلامی در دوران ریاست هاشمی رفسنجانی، توسط یک قاضی سوئیسی به نام ژاک آنتنن صادر شده است. بنا بر این گزارش، قاضی سوئیسی به خود به همه افسران و مأمورین پلیس و نیروهای انتظامی مقرر کرده‌است، علی فلاحيان وزیر سابق اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی ایران را دستگیر و به زندان ایالت وود در لوژان انتقال دهند.

اطلاعیه قاضی سوئیسی تصریح می‌کند که قبل از ترور دکتر کاظم رجوی، فلاحيان هم‌چنین دستور ترور مسعود رجوی برادر وی را نیز صادر کرده‌بود.

سوئیس خواهان دستگیری وزیر سابق ایرانی است
خبرگزاری فرانسه، ۲۱فروردین:

لارس نوشل سخنگوی وزارت خارجه سوئیس پس از انتشار خبر صدور حکم جلب علی فلاحيان، آن‌را تأیید نمود، حکمی که توسط قاضی تحقیق استان وود، محل قتل کاظم رجوی در سال ۱۹۹۰، صادر شده است.

نوشل گفت: این قضیه کامکان موضوع روابط دو جانبه از سال ۱۹۹۰ می‌باشد.

استافان رجوی پسر مقتول پیش از این به خبرگزاری سوئیس گفت این سند به‌وسيله قاضی تحقیق استان وود، ژاک آنتنن، در ۲۰ مارس امضا و برای انتشار بین‌المللی به دادگستری سوئیس ارسال شده است.

روزنامه لومتن گزارش کرد حکم مزبور علیه علی فلاحيان وزیر پیشین اطلاعات ایران است که گفته می‌شود قتل کاظم رجوی را تصمیم و دستور داده است.

مقامات سوئیسی در آن زمان دیپلمات‌های ایرانی که بلافاصله پس از قتل رجوی کشور را ترک کرده‌بودند را مظنون می‌دانستند اما تا‌به‌حال هیچ حکم بازداشتی صادر نشده بود.

صدور حکم دستگیری فلاحيان، وزیر پیشین اطلاعات ایران، در سوئیس
DW-WORLD.DE DEUTSCHE WELLE
سایت رادیو صدای آلمان، ۲۰فروردین:

برن - مقامات دادگستری سوئیس حکم بین‌المللی دستگیری علیه وزیر سابق اطلاعات ایران، علی فلاحيان را صادر کردند. علی فلاحيان مظنون است به این‌که حدود ۱۶سال پیش دستور سوء قصد به جان کاظم رجوی، از فعالان سیاسی اپوزیسیون، را داده است.

روز یکشنبه (۹ آوریل) استافان رجوی، فرزند کاظم رجوی، در مصاحبه‌یی با روزنامه‌سویسی لومتن دیماتش تصدیق کرد که حکم دستگیری فلاحيان صادر شده است. کاظم رجوی در سال۱۹۸۱ به عنوان پناهنده سیاسی در سوئیس شناخته شد. در سال ۱۹۹۰ در ایالت وود به‌ضرب گلوله به قتل رسید. تحقیقاتی که انجام گرفتند نشان دادند که برخی سران حکومت ایران نیز در طراحی این سوء قصد دست داشتند. اما تا کنون حکمی علیه فلاحيان صادر نشده‌بود. در سال ۱۹۹۶ نیز حکم دستگیری فلاحيان در آلمان صادرشد. دادگاه آلمان علی فلاحيان را یکی از آمران قتل چهار تن از دگردانیشان ایرانی در رستوران میکونوس برلین در سال ۱۹۹۲ دانست.

شمارهٔ ۷۹۶ – دوشنبه ۲۸فروردین ۱۳۸۵

شمارهٔ ۷۹۶ – دوشنبه ۲۸فروردین ۱۳۸۵

صدور حکم بازداشت آخوند فلاحيان از نگاه رسانه‌های جهان

پس از ۱۶ سال، انتظار خانواده رجوی برای شناخته شدن قتل کاظم رجوی به عنوان ترور سیاسی برآورده شد

استافان رجوی: من با این فکر روبه‌رو بودم که پدرم به‌قتل رسیده‌است و این موضوع به‌دلایل منافع سیاسی به‌فراموشی سپرده شده است.

در سال ۱۹۹۰ کاظم رجوی مدافع پرتلاش حقوق‌بشر در تبعید، در سوئیس به‌ضرب گلوله‌های مسلسل در چند قدمی منزلش ترورشد. ۱۳نفری که در این قتل شرکت داشتند موفق به فرار شدند. یکسال بعد از قاتلین در فرانسه دستگیر شدند اما به‌نام منافع عالی حکومتی به‌جای این‌که به سوئیس مسترد شوند به ایران اخراج شدند. متعاقباً برای حفظ روابط دیپلماتیک میان سوئیس و ایران این قضیه مسکوت ماند تا این‌که این حکم جلب صادر شد، که یک نشانه علامت تعیین‌کننده محسوب می‌شود.

استافان رجوی: این بدین معنی است که این‌گونه جنایات که ممکن است در آینده نیز تکرار شوند به‌شدت مجازات خواهند شد. از این‌رو این یک پیروزی برای دموکراسی در برابر بربریت می‌باشد. به‌رسمیت شناختن این قتل به‌عنوان یک ترور سیاسی توسط عدالت سوئیس تنها چیزی بود که خانواده رجوی می‌خواست. پس از ۱۶سال انتظار بالاخره این امر محقق شد.

استافان رجوی چنین می‌گوید: این زیباترین روز زندگی من است. یک لحظه رهایی. ۱۵سال رنج و ایهام ناگهان از بین رفت.

روزنامه لومتن دیماتش نوشت قاضی استان وود، ژاک آنتنن، حکم جلب بین‌المللی علیه علی فلاحيان صادر کرده است. وزیر پیشین اطلاعات ایران بالاخره رسماً متهم به صدور فرمان قتل کاظم رجوی پدر استافان شده است.

حکم جلب ۱۶سال بعد از ترور
die tageszeitung
روزنامه تاگس سايوتونگ، ۲۱فروردین:
دادگستری استان وود یک حکم جلب بین‌المللی علیه وزیر اطلاعات سابق ایران صادر کرد. علی فلاحيان ۱۶ سال پیش قتل مخالف ایرانی دکتر کاظم رجوی در نزدیکی ژنو را دستور داده بود. استافان رجوی، پسر مخالف کشته شده، خبر منتشره در روزنامه لومتن را تصدیق کرد.

استافان رجوی: این بدین معنی است که این‌گونه جنایات که ممکن است در آینده نیز تکرار شوند به‌شدت مجازات خواهند شد. از این‌رو این یک پیروزی برای دموکراسی در برابر بربریت می‌باشد. به‌رسمیت شناختن این قتل به‌عنوان یک ترور سیاسی توسط عدالت سوئیس تنها چیزی بود که خانواده رجوی می‌خواست. پس از ۱۶سال انتظار بالاخره این امر محقق شد.

روزنامه تاگس سايوتونگ، ۲۱فروردین: دادگستری استان وود یک حکم جلب بین‌المللی علیه وزیر اطلاعات سابق ایران صادر کرد.

روزنامه تاگس سايوتونگ، ۲۱فروردین: دادگستری استان وود یک حکم جلب بین‌المللی علیه وزیر اطلاعات سابق ایران صادر کرد.

قتل کاظم رجوی پانزده سال مصونیت خفت‌بار

روزنامه تريبون دو ژنو، ۲۱فروردین:

نامه‌یی از استافان رجوی:
اولین روز بهار قاضی تحقیق استان وود ژان آنتنن حکم جلب بین‌المللی برای قاتل کاظم رجوی پدر من صادر کرد. به‌زودی در سراسر جهان ماتیتورهای پلیس صورت و نام علی فلاحيان وزیر پیشین سرویسهای اطلاعاتی رژیم اسلامی ایران را به‌نامش خواهند گذاشت.

این مایه افتخار قاضی شهر لوژان می‌باشد که حقیقت «تاریخی» یا حقیقت «قضایی» را آشتی داد. هیچ سرویس اطلاعاتی از دخالت مقامات ارشد حکومت ایران در این جنایت تردید نداشتند.

اکتون تئوکراسی رفسنجانی و جانشینانش باید در برابر دادگاههای سوئیس جواب پس‌دهد. اگرچه این حکم دیر صادر شد اما استقلال قضائیه را نشان می‌دهد. هیچ‌یک از سلسله مراتب نتوانست اخلاقی در تفکیک قوا به‌وجود آورد. این نتیجه کار چشمگیر تحقیقات پلیس استان وود می‌باشد.

کمی قبل از مرگ خمینی و فتوای قتل علیه سلمان رشدی، رژیم اسلامی شیوه مخوف سرویسهای اطلاعاتی آلمان شرقی در دهه ۵۰ را زنده کرده بود. بین ۱۹۸۴ و ۱۹۹۲ رژیم تهران بیش از ۲۵۰ تن از مخالفان سیاسی خود را در ۲۱ کشور به‌قتل رساند. در پاریس شاپور بختیار نخست‌وزیر سابق شاه به‌طرز وحشیانه‌یی سربریده شد. در ژنو سرهنگ شرافتمند مرادی طالبی در برابر همسر باردارش اعدام شد. در کوبه توسط یک گروه ۱۲نفره از مأموران سرویسهای اطلاعاتی ایران پدر مرا با مسلسل از پای دراوردند. تمامی قاتلان، پاسپورتهای در حال خدمت رسمی صادر شده از سوی وزیر فلاحيان را داشتند. دستگاه قضایی آلمان، آژانتین و سوئیس ماشین تروریسم حکومتی ایران و پایگاه استراتژیک آن در اروپا، شبکه بانکی و پوششهای دیپلماتیکش را فاش ساختند. من هیچ چیز برای تسلی دادن به مردم که در صورت خونین همسر خود را بوسیده بود ندارم. هم‌چنین هیچ چیز برای تسلی دادن به برادر و خواهر کوچک‌ترم که جوانیشان ناگهان در ۲۴ آوریل ۱۹۹۰ از بین رفت ندارم. به‌مدت ۱۵سال ما در سایهٔ تروریسم ایران و ممنونیت شرم‌آور قضایی آن زندگی کردیم. بایستی اعتراف کنم که این سالها بسیار تلخ گذشت. اما اکنون این حکم پاداشی به رنج و ابتلاء گذشته ما می‌باشد. اما بیش از هر چیز نشانه پیروزی اشکار دموکراسی است.

در حالی که احمدی‌نژاد دولت اسرائیل را «فد» می‌داند که باید از روی نقشه پاک شود و قتل‌عام یهودیان را یک افسانه می‌داند، قبل از این که مالاها با سلاح هسته‌یی فاجعه بیافریند، ما باید از تاریخ درس بگیریم. بین ماهیت نازیسم، استالینسیم و رنجبادگرایی اسلامی ایران شباهت زیادی دارند. این سه نوع استبداد مطلقه و اکتش خشن در برابر نظم نوین دموکراتیک و آزادی طلبانه می‌باشد. آنها به‌شیوه خشونت‌آمیز بر توده‌ها مسلط شده و شیوه‌های نابود کننده‌یی را که مقایر با جهانشمول بودن ایده انسانیت تدوین شده در دوران نور می‌باشد را به‌کار می‌فرند.

پدر من در شهر مقدس کربلا آمده‌است. من می‌دانم اکنون به ما لیخند می‌زند. عدالت اجرا شده است.

روزنامه الشرق الاوسط ۲۱فروردین: دستگاه قضایی سوئیس یک حکم جلب بین‌المللی علیه وزیر پیشین اطلاعات ایران مظنون به قتل مخالف ایرانی کاظم رجوی در آوریل ۱۹۹۰ در سوئیس صادر کرده است.

سوئیس برای علی فلاحيان حکم بازداشت صادر کرد
BBC
سایت بی.بی.سی ۲۰فرودین:
ایرانی همواره دخالت در این قتل را انکار کرده‌اند. رسانه‌های سوئیس گزارش دارند که این حکم بیستم ماه مارس (اول فروردین ۸۵) گذشته صادر شده بود.

کاظم رجوی نماینده شورای مقاومت ملی از مجامع مخالف جمهوری اسلامی بود. وی که از ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۸ مقیم فرانسه بود سپس در سوئیس اقامت گزید و پناهندگی سیاسی گرفت. کاظم رجوی، اولین نماینده ایران در مقر سازمان ملل متحد در ژنو پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ بود، اما کمی پس از انتصابش به این سمت در اعتراض به «سیاستهای سرکوبگرانه و فعالیت‌های تروریستی حاکمیت مذهبی ایران استعفا داد. پس از آن به فعالیت خود علیه اعداهای دسته‌جمعی و بازداشت‌های خودسرانه و شکنجه‌شدت بخشید.

استافان رجوی پسر آقای رجوی مستمراً مقامات ناحیه وود را زیر فشار گذاشته است تا حکم دستگیری فلاحيان را صادر کنند. ده سال پیش همان نیز حکم دستگیری مشابهی علیه علی فلاحيان صادر کرد. در ۱۹۹۶ دادگاهی در برلین شماری از رهبران و مقامات ارشد جمهوری اسلامی را متهم کرد که در قتل چهار ناراضی کرد در رستوران میکونوس در برلین دست داشته‌اند.

به جز خامنه‌ای و اکبر رفسنجانی، وزیر خارجه وقت علی اکبر ولایتی و وزیر اطلاعات وقت علی فلاحيان متهم به دست داشتن در ترورها شدند. پس از قتل آقای رجوی ۱۶۲نماینده کنگره آمریکا در نامه‌یی به مسعود رجوی، برادر وی و رهبر سازمان مجاهدین خلق ایران از شورای مقاومت و اهداف صلح‌جویانه و دموکراتیک آن حمایت کردند.

سوئیس برای علی فلاحيان حکم بازداشت صادر کرد
BBC
سایت بی.بی.سی ۲۰فرودین:
ایرانی همواره دخالت در این قتل را انکار کرده‌اند. رسانه‌های سوئیس گزارش دارند که این حکم بیستم ماه مارس (اول فروردین ۸۵) گذشته صادر شده بود.

کاظم رجوی نماینده شورای مقاومت ملی از مجامع مخالف جمهوری اسلامی بود. وی که از ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۸ مقیم فرانسه بود سپس در سوئیس اقامت گزید و پناهندگی سیاسی گرفت. کاظم رجوی، اولین نماینده ایران در مقر سازمان ملل متحد در ژنو پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ بود، اما کمی پس از انتصابش به این سمت در اعتراض به «سیاستهای سرکوبگرانه و فعالیت‌های تروریستی حاکمیت مذهبی ایران استعفا داد. پس از آن به فعالیت خود علیه اعداهای دسته‌جمعی و بازداشت‌های خودسرانه و شکنجه‌شدت بخشید.

استافان رجوی پسر آقای رجوی مستمراً مقامات ناحیه وود را زیر فشار گذاشته است تا حکم دستگیری فلاحيان را صادر کنند. ده سال پیش همان نیز حکم دستگیری مشابهی علیه علی فلاحيان صادر کرد. در ۱۹۹۶ دادگاهی در برلین شماری از رهبران و مقامات ارشد جمهوری اسلامی را متهم کرد که در قتل چهار ناراضی کرد در رستوران میکونوس در برلین دست داشته‌اند.

به جز خامنه‌ای و اکبر رفسنجانی، وزیر خارجه وقت علی اکبر ولایتی و وزیر اطلاعات وقت علی فلاحيان متهم به دست داشتن در ترورها شدند. پس از قتل آقای رجوی ۱۶۲نماینده کنگره آمریکا در نامه‌یی به مسعود رجوی، برادر وی و رهبر سازمان مجاهدین خلق ایران از شورای مقاومت و اهداف صلح‌جویانه و دموکراتیک آن حمایت کردند.

استافان رجوی چنین می‌گوید: این زیباترین روز زندگی من است. یک لحظه رهایی. ۱۵سال رنج و ایهام ناگهان از بین رفت.

روزنامه لومتن دیماتش نوشت قاضی استان وود، ژاک آنتنن، حکم جلب بین‌المللی علیه وزیر اطلاعات سابق ایران صادر کرد. علی فلاحيان ۱۶ سال پیش قتل مخالف ایرانی دکتر کاظم رجوی در نزدیکی ژنو را دستور داده بود. استافان رجوی، پسر مخالف کشته شده، خبر منتشره در روزنامه لومتن را تصدیق کرد.

این سند که توسط مخالفان ایرانی در تبعید ارائه شده‌است می‌گوید: علی فلاحيان در زمان طراحی و انجام ترور کاظم رجوی وزیر اطلاعات و امنیت ایران بود. او در سال ۱۹۸۲ یا ۱۹۸۳ تصمیم گیری و فرمان اعدام کاظم رجوی را صادر نمود.

رویتر ۲۰فروردین:
زوریخ- بنا به نسخه‌یی از یک حکم جلب که به‌دست رویتر رسیده است، سوئیس یک حکم جلب بین‌المللی برای وزیر پیشین اطلاعات ایران در ارتباط با قتل یک مخالف ایرانی صادر کرده است. این حکم که توسط قاضی تحقیق استان وود در سوئیس صادرشده است، علی فلاحيان را متهم به صدور و دستور قتل کاظم رجوی پدر استافان شده است.

این سند می‌گوید که متعاقباً یک گروه ۴ نفره اقدام به قتل این پروفیسور دانشگاه ژنو در اتومبیلش در نزدیکی منزلش در شهر کوبه نمودند.

حکم جلب تصریح می‌کند که قبل از ترور دکتر کاظم رجوی، فلاحيان هم‌چنین دستور ترور مسعود رجوی برادر وی را نیز صادر کرده‌بود.

اطلاعیه قاضی سوئیسی تصریح می‌کند که قبل از ترور دکتر کاظم رجوی، فلاحيان هم‌چنین دستور ترور مسعود رجوی برادر وی را نیز صادر کرده‌بود.

این سند که توسط مخالفان ایرانی در تبعید ارائه شده‌است می‌گوید: علی فلاحيان در زمان طراحی و انجام ترور کاظم رجوی وزیر اطلاعات و امنیت ایران بود. او در سال ۱۹۸۲ یا ۱۹۸۳ تصمیم گیری و فرمان اعدام کاظم رجوی را صادر نمود.

رویتر ۲۰فروردین:
زوریخ- بنا به نسخه‌یی از یک حکم جلب که به‌دست رویتر رسیده است، سوئیس یک حکم جلب بین‌المللی برای وزیر پیشین اطلاعات ایران در ارتباط با قتل یک مخالف ایرانی صادر کرده است. این حکم که توسط قاضی تحقیق استان وود در سوئیس صادرشده است، علی فلاحيان را متهم به صدور و دستور قتل کاظم رجوی پدر استافان شده است.

این سند می‌گوید که متعاقباً یک گروه ۴ نفره اقدام به قتل این پروفیسور دانشگاه ژنو در اتومبیلش در نزدیکی منزلش در شهر کوبه نمودند.

حکم جلب تصریح می‌کند که قبل از ترور دکتر کاظم رجوی، فلاحيان هم‌چنین دستور ترور مسعود رجوی برادر وی را نیز صادر کرده‌بود.

اطلاعیه قاضی سوئیسی تصریح می‌کند که قبل از ترور دکتر کاظم رجوی، فلاحيان هم‌چنین دستور ترور مسعود رجوی برادر وی را نیز صادر کرده‌بود.

این سند که توسط مخالفان ایرانی در تبعید ارائه شده‌است می‌گوید: علی فلاحيان در زمان طراحی و انجام ترور کاظم رجوی وزیر اطلاعات و امنیت ایران بود. او در سال ۱۹۸۲ یا ۱۹۸۳ تصمیم گیری و فرمان اعدام کاظم رجوی را صادر نمود.

رویتر ۲۰فروردین:
زوریخ- بنا به نسخه‌یی از یک حکم جلب که به‌دست رویتر رسیده است، سوئیس یک حکم جلب بین‌المللی برای وزیر پیشین اطلاعات ایران در ارتباط با قتل یک مخالف ایرانی صادر کرده است. این حکم که توسط قاضی تحقیق استان وود در سوئیس صادرشده است، علی فلاحيان را متهم به صدور و دستور قتل کاظم رجوی پدر استافان شده است.

این سند می‌گوید که متعاقباً یک گروه ۴ نفره اقدام به قتل این پروفیسور دانشگاه ژنو در اتومبیلش در نزدیکی منزلش در شهر کوبه نمودند.

حکم جلب تصریح می‌کند که قبل از ترور دکتر کاظم رجوی، فلاحيان هم‌چنین دستور ترور مسعود رجوی برادر وی را نیز صادر کرده‌بود.

اطلاعیه قاضی سوئیسی تصریح می‌کند که قبل از ترور دکتر کاظم رجوی، فلاحيان هم‌چنین دستور ترور مسعود رجوی برادر وی را نیز صادر کرده‌بود.

این سند که توسط مخالفان ایرانی در تبعید ارائه شده‌است می‌گوید: علی فلاحيان در زمان طراحی و انجام ترور کاظم رجوی وزیر اطلاعات و امنیت ایران بود. او در سال ۱۹۸۲ یا ۱۹۸۳ تصمیم گیری و فرمان اعدام کاظم رجوی را صادر نمود.

رویتر ۲۰فروردین:
زوریخ- بنا به نسخه‌یی از یک حکم جلب که به‌دست رویتر رسیده است، سوئیس یک حکم جلب بین‌المللی برای وزیر پیشین اطلاعات ایران در ارتباط با قتل یک مخالف ایرانی صادر کرده

به یاد مادر معصومه دولتی(ورداسبی)

سن. آموزگار

گاهی ازمَن به سخن یادکنید دردَل خاک دِلَم شادکنید
ایرج میرزا
شهید مجاهد و محقق بزرگ و دوست و برادر نازنینم ابوذر ورداسبی ۱۶ساله بود که درانجمن اسلامی جوانان زیارتش کردم. وقتی برنامه هفتگی به پایان رسید. بهزَد من آمد و گفت من یک کتابی نوشتم درباره مولا علی که مقداری از آنرا حفظ تعریف کرد.ومن مات جملاَت زیبا و حافظه قویش. این اولین دیدار گذشت و آرام آرام باپیش به انجمن باز شد. و همین شناخت از کار مذهبی و سیاسی ما باعث شدهبود که باهم دوست و یار و برادر شدیم تا آخرین لحظه‌یی که می‌خواست با جادانه فروغها یکی شود و حرف و نوشته و عملش باهم تطابق داشته باشد. رنگ کوتاهی زد و خداحافظی کرد و برای همیشه رسواگر وقیحان حاکم شد. و باعث افتخار بیشتر مادر گرامیش، مرحوم معصومه دولتی.

سن من از شهید ابوذر خیلی بیشتر بود. وقتی ۱۶سالش بود من معلم بودم و یک فعال سیاسی. و برای همین خیلی دنبال این بودم که بدانم این نابغه ازچه مادری متولد شده است که این همه دانش و آگاهی دارد و مهمتر از همه در این سن کم شدیداً ضدارتجاع و ضد زمین‌خواری و سرمایه‌داری است. وقتی شهید ابوذر به دانشگاه راهیافت اغلب می‌آمد خانه ما و گاهی تا یک هفته باهم بودیم. و به راه مبارزه ضددیکتاتوری و ضداستعماری و ضدارتجاعی ما نور می‌پاشید. شهید ابوذر چون خیلی مؤمن و صادق بود من علاقه خاصی به او داشتم و ایشان نیز. به علت همین نزدیکی فکری و مذهبی سعادت این‌را داشتم که خانواده و اغلب همراهان فکریش را زیارت کنم. به‌ویژه مرحومان مادر و پدرش را. راستش از دیدن مادرش انگیزه فراوانی گرفتم‌بودم. چون زندگی بسیار سخت و دردناکی را می‌گذراند. و باهمه بی‌چیزی از خواهر شوهر نابینای خود هم نگهداری می‌کرد و چنان دل می‌سوزاند انگار که از فرزندش پرستاری می‌کند.اولین دیدار ما با اشک و آه مادر ورداسبی توأم بود. این مادر فخرمان، عشق عظیمی به رهبران مقاومت و اشریفهای قهرمان و تک‌تک رزمندگان راه آزادی داشت و از هوش و استعدادی عجیب برخوردار بود و تا آخرین لحظهٔ عمرش حواسش سر جایش بود. چون از نزدیک زیارتش می‌کردم و اغلب تلفتی با او تماس داشتم میزان ارادتش را به تک‌تک مقاومتان می‌دانستم واعلَب حرفهایی که با من می‌زد، به دیگران نمی‌گفت – به گفتهٔ خودش- وهمیشه می‌گفت: «تو به‌جای ابوذر منی». برای همین اگر از عشق و علاقه‌اش نسبت به رهبری مقاومت و اشریفهای می‌گویم. از حرفهای خودش بامن است. اغلب وقتی به خانه‌اش می‌رفتم. درحال عبادت بود و تسبیح می‌زد. می‌گفتم، مادر چه ذکری می‌گویی؟ می‌گفت خمینی و یارانش را لعنت می‌کنم و به مجاهدین دعا می‌کنم و باران اشکش جاری می‌شد و می‌گفت می‌دانی من ابوذر را چه‌جوری بزرگ کردم؟ وقتی ابوذر

شهید مجاهد و محقق بزرگ و دوست و برادر نازنینم ابوذر ورداسبی ۱۶ساله بود که درانجمن اسلامی جوانان زیارتش کردم. وقتی برنامه هفتگی به پایان رسید. بهزَد من آمد و گفت من یک کتابی نوشتم درباره مولا علی که مقداری از آنرا حفظ تعریف کرد.ومن مات جملاَت زیبا و حافظه قویش. این اولین دیدار گذشت و آرام آرام باپیش به انجمن باز شد. و همین شناخت از کار مذهبی و سیاسی ما باعث شدهبود که باهم دوست و یار و برادر شدیم تا آخرین لحظه‌یی که می‌خواست با جادانه فروغها یکی شود و حرف و نوشته و عملش باهم تطابق داشته باشد. رنگ کوتاهی زد و خداحافظی کرد و برای همیشه رسواگر وقیحان حاکم شد. و باعث افتخار بیشتر مادر گرامیش، مرحوم معصومه دولتی.

وقتی ۱۶سالش بود من معلم بودم و یک فعال سیاسی. و برای همین خیلی دنبال این بودم که بدانم این نابغه ازچه مادری متولد شده است که این همه دانش و آگاهی دارد و مهمتر از همه در این سن کم شدیداً ضدارتجاع و ضد زمین‌خواری و سرمایه‌داری است. وقتی شهید ابوذر به دانشگاه راهیافت اغلب می‌آمد خانه ما و گاهی تا یک هفته باهم بودیم. و به راه مبارزه ضددیکتاتوری و ضداستعماری و ضدارتجاعی ما نور می‌پاشید. شهید ابوذر چون خیلی مؤمن و صادق بود من علاقه خاصی به او داشتم و ایشان نیز. به علت همین نزدیکی فکری و مذهبی سعادت این‌را داشتم که خانواده و اغلب همراهان فکریش را زیارت کنم. به‌ویژه مرحومان مادر و پدرش را. راستش از دیدن مادرش انگیزه فراوانی گرفتم‌بودم. چون زندگی بسیار سخت و دردناکی را می‌گذراند. و باهمه بی‌چیزی از خواهر شوهر نابینای خود هم نگهداری می‌کرد و چنان دل می‌سوزاند انگار که از فرزندش پرستاری می‌کند.اولین دیدار ما با اشک و آه مادر ورداسبی توأم بود. این مادر فخرمان، عشق عظیمی به رهبران مقاومت و اشریفهای قهرمان و تک‌تک رزمندگان راه آزادی داشت و از هوش و استعدادی عجیب برخوردار بود و تا آخرین لحظهٔ عمرش حواسش سر جایش بود. چون از نزدیک زیارتش می‌کردم و اغلب تلفتی با او تماس داشتم میزان ارادتش را به تک‌تک مقاومتان می‌دانستم واعلَب حرفهایی که با من می‌زد، به دیگران نمی‌گفت – به گفتهٔ خودش- وهمیشه می‌گفت: «تو به‌جای ابوذر منی». برای همین اگر از عشق و علاقه‌اش نسبت به رهبری مقاومت و اشریفهای می‌گویم. از حرفهای خودش بامن است. اغلب وقتی به خانه‌اش می‌رفتم. درحال عبادت بود و تسبیح می‌زد. می‌گفتم، مادر چه ذکری می‌گویی؟ می‌گفت خمینی و یارانش را لعنت می‌کنم و به مجاهدین دعا می‌کنم و باران اشکش جاری می‌شد و می‌گفت می‌دانی من ابوذر را چه‌جوری بزرگ کردم؟ وقتی ابوذر

روز سه‌شنبه ۲۲فروردین شبکه خبری اسکای‌نیوز مصاحبه‌یی با مسعود ضابطی در خصوص فعالیت‌های هسته‌یی رژیم ترتیب داد. در زیر خلاصه‌ای از این مصاحبه تلویزیونی آمده‌است.

مسعود ضابطی در مصاحبه با اسکای نیوز: مخفیکاری ۱۸ساله اتمی ملایان توسط مقاومت بر ملا شد

روز سه‌شنبه ۲۲فروردین شبکه خبری اسکای‌نیوز مصاحبه‌یی با مسعود ضابطی در خصوص فعالیت‌های هسته‌یی رژیم ترتیب داد. در زیر خلاصه‌ای از این مصاحبه تلویزیونی آمده‌است.

●**واشینگتن در رابطه با ادعای احمدی‌نژاد مبنی بر پیوستن ایران به جرگه کشورهای دارای تکنولوژی هسته‌یی ابراز نگرانی می‌کند. در همین رابطه گفتگویی داریم با مسعود ضابطی وکیل و از مخالفان رژیم ایران که در لندن زندگی می‌کند. آقای ضابطی چرا شما معتقدید که بازی هسته‌یی رژیم ایران موضوعی ادامه‌دار است و رژیم کوتاه‌نخواهد آمد؟**

مسعود ضابطی: واقعیت این است که در اوت سال۲۰۰۲ اپوزیسیون اصلی رژیم ایران یعنی شورای ملی مقاومت ساینهای اصلی رژیم در نطنز و اراک را افشا کرد – نطنز همان ساینی است که امروز ما در مورد آن داریم صحبت می‌کنیم جایی که غنی‌سازی اورانیوم و تولید آب سنگین پلوتونیوم در آن‌جا انجام می‌شود. بدنیاال این افشاگری بود که جامعه بین‌المللی از هیجده سال خدمه و نیرنگ رژیم ایران در ارتباط با برنامهٔ هسته‌یی‌اش مطلع شد. هیچ شکی وجود ندارد که هدف رژیم دست‌پایی به تسلیحات هسته‌یی است و از زمانی‌که که جامعه بین‌المللی از این برنامه مطلع شد، رژیم ایران با حداکثر توان در راستای دست‌یافتن به سلاح اتمی فعالیت کرده است. حالا این سؤال مطرح می‌شود که چرا آنها به‌دنبال تسلیحات اتمی هستند دلایل صرفاً به بقای رژیم برمی‌گردد چرا که واقعیت این است که ۹۵درصد مردم در داخل کشور کاملاً مخالف رژیم ایران هستند.



کوچک و شیرخوار بود. صبح زود بغلش می‌کردم و تشنه و گرسنه ابوذر را به مزرعه مردم می‌بردم و قبر مانند‌ی می‌کندم و طفل معصوم را درآن می‌گذاشتم تا خوراک شغال و دیگر حیوانات نشود و مشغول کار می‌شدم تا بتوانم لقمه نان‌ی با عرق جبین دریاورم و آبرویم را حفظ کنم. اما شاه جنایتکار پای ابوذر را برید و آنهمه شکنجه‌اش کرد و خمینی شیطان همه بچه‌های مرا به زندان انداخت و شکنجه کرد و ابوذر را کشت. فاطمه و علی و حسن و مهدی و مختار و بهمن و ذکرائله و دو تا از خواهرزاده‌های متولی را به‌شهادت رساند. ای خدا به‌حق پیامبرانت خمینی را عذاب کن و به مجاهدین پیروزی عطا کن تا مردم از دست این جنایتکاران عملمه به‌سر آسوده‌شوند. خدا یا مسعود و مریم مرا کمک کن. تا به ایران بروند و ملت را به‌خصوصی مادران فرزندان‌دست داده را خوشحال کند. . .

یکبار به مادر گفتم که آخرین حرف شهید ابوذر با تو چی بود. گفت: مادر جان اگر روزی من نبودم یادت باشد که مسعود و مریم را تنها نگذاری و این‌را بدان که هرکس با مجاهدین هست دوست و خواهر و برادر من است و هرکس غیر از این هست اَزنِمن نیست. هرچند خواهر و برادر من باشند. یکبار به من گفت که شنیدم دوست داری به ایران بروی. خندیدیم و گفتم درست است که من بیسوادم. اما مغزوم کار می‌کند. نه پسرِم خاطر جمع باش و مرا فراموش نکن و حرفهای مرا بعد از من به همه بگو. حتی در آخرین لحظه از این مادر دلسوخته پرسیده بودند می‌خواهی پس از وفاتت تو را به ایران بفرستیم؟ با خشم تمام گفت هرگز. انگار خانه این مادر بزرگوار و مقاوم مسجدی بود برای نفرین وقیحان و دجلان حاکم.

وقتی مادر از یا افتاد و دیگر نتوانست در تظاهرات علیه رژیم و گردهمایی مقاومت حضور یابد. به او رنگ زدم و گفتم می‌خواهی اعضای من میان امضاهای هواداران مقاومت باشد. چنان خوشحال شده‌بود که طبق معمول با اشک و آه فراوان، داعیی کرد و گفت اصلاً اجازه لازم نیست. همیشه این‌کار را بکن و اول همه هم نام مرا بنویس. برای هر اطلاعاتی‌یی به او اطلاع می‌دادم. چنان خوشحال می‌شد که وصف ناپذیراست.

سلام و رحمت خدا و خلق خدا به ویژه اشریفهای جهان بر او باد که با رنج زیست اما در برابر استبداد شاه‌ی و شیخی سر خنجرکرد. درود براو و همهٔ شهیدان به‌خون خفته‌اش که همه از مجاهدین بودند. ننگ و نفرت ابدی بر قاتلان فرزندان و بستگان مجاهد و اینارگرش به‌ویژه، ابوذر ورداسبی، فاطمه فرحچیان (همسر ابوذر شهید فروغ جاولیان)، فرنام (دایر) -داماد مادر شهید فروغ جاولیان)، علینژاد مهدی دایر(شهید زیرشکنجه در رژیم آخوندی)، مختار دایر(شهید فروغ جاولیان)، بهمن متولی (شهید فروغ جاولیان). ذکرائله متولی، برادران حسینی، و اکبر پسر جوانش که هسال در شکنجه‌گاه‌های خمینی بود و در اثر جراحات فراوان بیمار شد و درس جوانی به‌رحمت ایزدی پیوست و پدر ورداسبی که او هم به‌علت فشار مستمر ساواک و وزارت اطلاعات در سن جوانی به فیض دیدار شهیدان ناال آمد. با تسلیت به رهبری مقاومت و اشریفان و مادران شهدا و خانواده همیشه در رنجش. باقی بقایاتن.

وقتی ۱۶سالش بود من معلم بودم و یک فعال سیاسی. و برای همین خیلی دنبال این بودم که بدانم این نابغه ازچه مادری متولد شده است که این همه دانش و آگاهی دارد و مهمتر از همه در این سن کم شدیداً ضدارتجاع و ضد زمین‌خواری و سرمایه‌داری است. وقتی شهید ابوذر به دانشگاه راهیافت اغلب می‌آمد خانه ما و گاهی تا یک هفته باهم بودیم. و به راه مبارزه ضددیکتاتوری و ضداستعماری و ضدارتجاعی ما نور می‌پاشید. شهید ابوذر چون خیلی مؤمن و صادق بود من علاقه خاصی به او داشتم و ایشان نیز. به علت همین نزدیکی فکری و مذهبی سعادت این‌را داشتم که خانواده و اغلب همراهان فکریش را زیارت کنم. به‌ویژه مرحومان مادر و پدرش را. راستش از دیدن مادرش انگیزه فراوانی گرفتم‌بودم. چون زندگی بسیار سخت و دردناکی را می‌گذراند. و باهمه بی‌چیزی از خواهر شوهر نابینای خود هم نگهداری می‌کرد و چنان دل می‌سوزاند انگار که از فرزندش پرستاری می‌کند.اولین دیدار ما با اشک و آه مادر ورداسبی توأم بود. این مادر فخرمان، عشق عظیمی به رهبران مقاومت و اشریفهای قهرمان و تک‌تک رزمندگان راه آزادی داشت و از هوش و استعدادی عجیب برخوردار بود و تا آخرین لحظهٔ عمرش حواسش سر جایش بود. چون از نزدیک زیارتش می‌کردم و اغلب تلفتی با او تماس داشتم میزان ارادتش را به تک‌تک مقاومتان می‌دانستم واعلَب حرفهایی که با من می‌زد، به دیگران نمی‌گفت – به گفتهٔ خودش- وهمیشه می‌گفت: «تو به‌جای ابوذر منی». برای همین اگر از عشق و علاقه‌اش نسبت به رهبری مقاومت و اشریفهای می‌گویم. از حرفهای خودش بامن است. اغلب وقتی به خانه‌اش می‌رفتم. درحال عبادت بود و تسبیح می‌زد. می‌گفتم، مادر چه ذکری می‌گویی؟ می‌گفت خمینی و یارانش را لعنت می‌کنم و به مجاهدین دعا می‌کنم و باران اشکش جاری می‌شد و می‌گفت می‌دانی من ابوذر را چه‌جوری بزرگ کردم؟ وقتی ابوذر

روز سه‌شنبه ۲۲فروردین شبکه خبری اسکای‌نیوز مصاحبه‌یی با مسعود ضابطی در خصوص فعالیت‌های هسته‌یی رژیم ترتیب داد. در زیر خلاصه‌ای از این مصاحبه تلویزیونی آمده‌است.



●**این‌را که می‌گویید برنامه هسته‌یی رژیم ایران پیشرفته‌تر از آن است که ما در غرب از آن مطلع هستیم، چگونه می‌توان تفسیر کرد؟**

مسعود ضابطی: واقعیت این‌است که ظرف سه یا چهار سال گذشته، از زمانی که شورای ملی مقاومت ایران برنامه‌های هسته‌یی رژیم ایران را افشا کرد، این رژیم به این مسألهٔ اعتراف کرده است و هیچ شکی هم در آن نیست. نطنز، اراک، اصفهان و سایر ساینهایی که موقعیت آنها افشا شده‌اند، ساینهایی هستند که اکنون وجود دارند و رژیم در آنها به فعالیت مشغول است. متأسفانه اتحادیه اروپا به‌خصوص سه کشور اروپایی، فرانسه، آلمان و انگلستان یک سیاست مماشات در قبال ایران را پیش بردند. ایدهٔ آنها این بود که اگر انگیزه پشت انگیزه به ایران داده شود، در طول زمان آنها قادر خواهند بود که رژیم را قانع کنند که از برنامهٔ هسته‌یی خود منصرف شود. اما واقعیت این است که سران رژیم ایران خود اعلام کردند که ظرف سه سالی که سه کشور اروپایی سیاست مماشات با ایران را پیش می‌برند و رژیم ایران هم به دفعات متعدد از تعهداتش سر باز زد، آنها در واقع برنامه هسته‌یی خودشان را دنبال می‌کردند. چنان‌چه در ساندی تلگراف این موضوع درج شده است، رئیس هیات مذاکره رژیم در تهران با ارائه لیستی، پیشرفتهای حاصل‌شده ظرف این سه سال را فاش کرد. تنها راه چاره و در پیش رو، همانا قاطعیت و سرعت عمل در این قاطعیت است. آن‌چه که من به جامعهٔ بین‌المللی مایلم بگویم این است که از دادن ۳۰۰روز فرصت به رژیم برای متوقف کردن برنامه غنی‌سازی اورانیوم، چه چیزی حاصل می‌شود. دقیقاً در پاسخ به همین فرصت داده‌شده، رژیم ایران اولین موشک که از دید رادار پنهان بوده و کلاهک جنگی چندگانه را با خود حمل می‌کند را تسلیک کرد.



«رژیم ایران تهدید جدی منطقه‌یی و بین‌المللی»

هیأت مقاومت ایران در دانشگاه آلیانس در کالیفرنیا

روز چهارشنبه ۱۶فروردین به‌دعوت دانشگاه آلیانس واقع در شهر سان‌دیگو در ایالت کالیفرنیا، یک هیأت ۴نفره از طرف مقاومت ایران شامل خانمها هما صالحی، پروین علوی و آقایان مسعود طاهری و پروفسور محمدحسین تسوچی از اعضای شورای ملی مقاومت شرکت کردند. در این جلسه که بالغ بر ۵۰۰ن از اساتید و دانشجویان دانشگاه حضور داشتند. آقای محمد حسین تسوچی

سخنانی تحت عنوان «رژیم ایران تهدید جدی منطقه‌یی و بین‌المللی» ایراد کرد. در ابتدای سخنرانی، تاریخچهٔ گونااهی از انقلاب ضدسلطنتی ارائه داده شد و سپس اقدامات تروریستی رژیم در خارج از کشور عراق و سرکوب و اعدام وحشیانه در داخل کشور به‌تفصیل توضیح داده‌شد. در بخش بعدی سخنرانی تهدیدات برنامه‌های اتمی رژیم و فعالیت‌های تروریستی و بینادگرانه رژیم آخوندی در عراق و تابلوهای موجود

به یاد مادر معصومه دولتی(ورداسبی)

سن. آموزگار

روز پنجشنبه ۲۴فروردین گورستان غربی شهر کلن شاهد خاکسپاری یکی از یاوران قدیمی مقاومت و مجاهدین بود، مادر مجاهد معصومه دولتی مادر جوادانه فروغ آزادی، اندیشمند بزرگ، ابوذر ورداسبی، کسی که از عمق وجودش به مجاهدین عشق می‌ورزید و هیچ‌گاه آنان را تنها نگذاشت و سربلند و مغرور به خمینی صفتان نه گفت. در این مراسم، علاوه بر خانواده ورداسبی، تعدادی از اعضای خانواده‌های شهیدان و صدها تن از ایرانیان آزاده و هواداران مقاومت از راههای دور و نزدیک برای ادای احترام به پیکر این مادر صور خود را به این محل رسانده‌بودند. در ابتدای مراسم در سالن اجتماعات گردهمایی باشکوهی برگزار شد و در آن پیامهای خانواده ورداسبی و نیز پیام رئیس‌جمهور پرگزیدهٔ مقاومت ایران به‌مناسبت ضایعهٔ فقدان این مادر گرامی قرائت‌گردید.

در خلال این برنامه شاعر گرامی آقای رحمان کریمی دشعری را در رثای مادر خواند که در زیر از نظر خوانندگان می‌گذرد.

پس از گردهمایی، پیکر مادر از محل سالن به سمت محل خاکسپاری منتقل گردید و پس از اجرای مراسم تدفین، مزار مادر توسط یارانش گلباران شد.

وقتی ۱۶سالش بود من معلم بودم و یک فعال سیاسی. و برای همین خیلی دنبال این بودم که بدانم این نابغه ازچه مادری متولد شده است که این همه دانش و آگاهی دارد و مهمتر از همه در این سن کم شدیداً ضدارتجاع و ضد زمین‌خواری و سرمایه‌داری است. وقتی شهید ابوذر به دانشگاه راهیافت اغلب می‌آمد خانه ما و گاهی تا یک هفته باهم بودیم. و به راه مبارزه ضددیکتاتوری و ضداستعماری و ضدارتجاعی ما نور می‌پاشید. شهید ابوذر چون خیلی مؤمن و صادق بود من علاقه خاصی به او داشتم و ایشان نیز. به علت همین نزدیکی فکری و مذهبی سعادت این‌را داشتم که خانواده و اغلب همراهان فکریش را زیارت کنم. به‌ویژه مرحومان مادر و پدرش را. راستش از دیدن مادرش انگیزه فراوانی گرفتم‌بودم. چون زندگی بسیار سخت و دردناکی را می‌گذراند. و باهمه بی‌چیزی از خواهر شوهر نابینای خود هم نگهداری می‌کرد و چنان دل می‌سوزاند انگار که از فرزندش پرستاری می‌کند.اولین دیدار ما با اشک و آه مادر ورداسبی توأم بود. این مادر فخرمان، عشق عظیمی به رهبران مقاومت و اشریفهای قهرمان و تک‌تک رزمندگان راه آزادی داشت و از هوش و استعدادی عجیب برخوردار بود و تا آخرین لحظهٔ عمرش حواسش سر جایش بود. چون از نزدیک زیارتش می‌کردم و اغلب تلفتی با او تماس داشتم میزان ارادتش را به تک‌تک مقاومتان می‌دانستم واعلَب حرفهایی که با من می‌زد، به دیگران نمی‌گفت – به گفتهٔ خودش- وهمیشه می‌گفت: «تو به‌جای ابوذر منی». برای همین اگر از عشق و علاقه‌اش نسبت به رهبری مقاومت و اشریفهای می‌گویم. از حرفهای خودش بامن است. اغلب وقتی به خانه‌اش می‌رفتم. درحال عبادت بود و تسبیح می‌زد. می‌گفتم، مادر چه ذکری می‌گویی؟ می‌گفت خمینی و یارانش را لعنت می‌کنم و به مجاهدین دعا می‌کنم و باران اشکش جاری می‌شد و می‌گفت می‌دانی من ابوذر را چه‌جوری بزرگ کردم؟ وقتی ابوذر

برای مادر مجاهد ورداسبی	
<i>می‌بینمت مادر ورداسبی</i>	
<i>نشسته بر چرخ افلاک درانتظارِی طولانی</i>	
<i>چونان که می‌نشستی در میدانهای نیمه‌جان جهان</i>	
<i>به انتظار و همیشه در فریاد.</i>	
<i>در نی‌نی نگاه تو می‌خواندم حدیث تلخ روزگاران را.</i>	
<i>آن دو چشم بر غرور تو یاد باد مادر</i>	
<i>که آتشخور پرندگان سالیهای بی‌آبی بود</i>	
<i>و بردلت، آن شیر در قفس</i>	
<i>جای بسی زخم ناکسان.</i>	

<i>ای مادر پلنگان بیشه‌زار عشق!</i>	
<i>کنام امن تو را به‌آتش کشیدند صیادان بی‌نسب</i>	
<i>غرور، غرور، غرور</i>	
<i>از آن نویلنگانی که در لهیب آن بیداد سوختند</i>	
<i>شگفتا، شگفتا</i>	

وقتی ۱۶سالش بود من معلم بودم و یک فعال سیاسی. و برای همین خیلی دنبال این بودم که بدانم این نابغه ازچه مادری متولد شده است که این همه دانش و آگاهی دارد و مهمتر از همه در این سن کم شدیداً ضدارتجاع و ضد زمین‌خواری و سرمایه‌داری است. وقتی شهید ابوذر به دانشگاه راهیافت اغلب می‌آمد خانه ما و گاهی تا یک هفته باهم بودیم. و به راه مبارزه ضددیکتاتوری و ضداستعماری و ضدارتجاعی ما نور می‌پاشید. شهید ابوذر چون خیلی مؤمن و صادق بود من علاقه خاصی به او داشتم و ایشان نیز. به علت همین نزدیکی فکری و مذهبی سعادت این‌را داشتم که خانواده و اغلب همراهان فکریش را زیارت کنم. به‌ویژه مرحومان مادر و پدرش را. راستش از دیدن مادرش انگیزه فراوانی گرفتم‌بودم. چون زندگی بسیار سخت و دردناکی را می‌گذراند. و باهمه بی‌چیزی از خواهر شوهر نابینای خود هم نگهداری می‌کرد و چنان دل می‌سوزاند انگار که از فرزندش پرستاری می‌کند.اولین دیدار ما با اشک و آه مادر ورداسبی توأم بود. این مادر فخرمان، عشق عظیمی به رهبران مقاومت و اشریفهای قهرمان و تک‌تک رزمندگان راه آزادی داشت و از هوش و استعدادی عجیب برخوردار بود و تا آخرین لحظهٔ عمرش حواسش سر جایش بود. چون از نزدیک زیارتش می‌کردم و اغلب تلفتی با او تماس داشتم میزان ارادتش را به تک‌تک مقاومتان می‌دانستم واعلَب حرفهایی که با من می‌زد، به دیگران نمی‌گفت – به گفتهٔ خودش- وهمیشه می‌گفت: «تو به‌جای ابوذر منی». برای همین اگر از عشق و علاقه‌اش نسبت به رهبری مقاومت و اشریفهای می‌گویم. از حرفهای خودش بامن است. اغلب وقتی به خانه‌اش می‌رفتم. درحال عبادت بود و تسبیح می‌زد. می‌گفتم، مادر چه ذکری می‌گویی؟ می‌گفت خمینی و یارانش را لعنت می‌کنم و به مجاهدین دعا می‌کنم و باران اشکش جاری می‌شد و می‌گفت می‌دانی من ابوذر را چه‌جوری بزرگ کردم؟ وقتی ابوذر

روز سه‌شنبه ۲۲فروردین شبکه خبری اسکای‌نیوز مصاحبه‌یی با مسعود ضابطی در خصوص فعالیت‌های هسته‌یی رژیم ترتیب داد. در زیر خلاصه‌ای از این مصاحبه تلویزیونی آمده‌است.

علیرضا جعفرزاده در گفتگو با فاکس نیوز : اکنون زمان حمایت جامعه جهانی از راه‌حل سوم برای سرنگونی حکومت آخوندها است

شبکه تلویزیونی فاکس نیوز، برنامه دی ساید، ۲۴ فروردین: مجری: احمدی‌نژاد می‌گوید اکنون با ایران باید به مثابه یک قدرت اتمی رفتار شود و رژیمش در مورد غنی‌سازی اورانیوم با هیچ کس وارد مذاکره نخواهد شد. این خبر زمانی منتشر شد که رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای بررسی برنامه اتمی ایران در تهران به‌سر می‌برد. در همین خصوص نظر علیرضا جعفرزاده، را جویا شدیم. آقای جعفرزاده، مقامات راجع به راه‌حل دیپلماتیک صحبت می‌کنند، آیا با فردی مثل احمدی‌نژاد این راه عملی است؟

علیرضا جعفرزاده: فکر می‌کنم چیزی که دیروز ایران اعلام کرد مبنی بر غنی‌سازی اورانیوم آن‌هم در زمانی که مشخصاً شورای امنیت سازمان ملل متحد از آنها خواسته بود که تمامی فعالیت‌های غنی‌سازی خود را ظرف ۳۰روز متوقف کنند، یک نشانه آشکار از مخالفت رژیم با جامعه بین‌المللی است. آنها برای این سیرپیچی برنامه‌ریزی کرده‌بودند و به این ترتیب به‌غیر من دیپلوماسی مرده است چون از زمانی که احمدی‌نژاد به ریاست‌جمهوری رسیده‌است، طرح‌های خود را در سه محور به پیش می‌برد. اول شتاب دادن به برنامه سلاح‌های اتمی ایران. دوم، زیر کنترل گرفتن این برنامه‌ها توسط سپاه پاسداران و سوم، مخفی‌کاری و زیرزمینی کردن پروژه‌های اتمی، تا برای رویارویی‌های آتی با جامعه بین‌المللی آماده شوند.

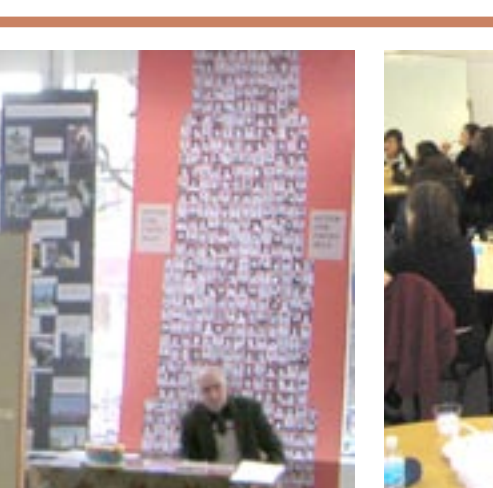
یکی از حاضران در استودیو: چه دلیلی برای باور کردن ادعای رژیم

روزنامه واشینگتن تایمز، ۲۵فروردین: روزنامه واشینگتن تایمز در شماره روز ۲۵فروردین در مقاله‌یی با عنوان «یک کم نزدیکتر» به بررسی بحران اتمی رژیم پرداخته است در قسمتی از این مقاله چنین می‌خوانیم: درست چند روز بعد از شایعات قوی در مورد احتمال حمله پیشگیرانه آمریکا با حمله اسرائیل به تاسیسات هسته‌یی ایران که مانند یک آتش پررزو و قوی در اطراف جاده کمربندی واشنگتن وزیده بود، رژیم ایران اعلام کرد که برنامه هسته‌یی خود را پیش‌برده است. . .

جامعه بین‌المللی باید به پاشنه آشیل رژیم ضربه بزند و آن حمایت از اپوزیسیون ایران است

روزنامه واشینگتن تایمز، ۲۵فروردین: روزنامه واشینگتن تایمز در شماره روز ۲۵فروردین در مقاله‌یی با عنوان «یک کم نزدیکتر» به بررسی بحران اتمی رژیم پرداخته است در قسمتی از این مقاله چنین می‌خوانیم:

درست چند روز بعد از شایعات قوی در مورد احتمال حمله پیشگیرانه آمریکا با حمله اسرائیل به تاسیسات هسته‌یی ایران که مانند یک آتش پررزو و قوی در اطراف جاده کمربندی واشنگتن وزیده بود، رژیم ایران اعلام کرد که برنامه هسته‌یی خود را پیش‌برده است. . .



برای تغییر رژیم و به‌طور خاص راحل سوم ارائه شده توسط خانم مریم رجوی رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت به بحث گذاشته شد. قسمتهایی از این سخنرانی با پخش اسلاید و تصاویر سرکوب و اعدام زنان و.. همراه بود، که شرکت‌کنندگان را به‌شدت تحت تأثیر قرارداد.

این جلسه با استقبال حضاران روبه‌رو شد و اکثر آنان خواستار همکاری بیشتر شدند. عموم مدعوین بر ضرورت مقابله با رژیم تأکید کرده و خواستار برخورد جدیتر جامعه بین‌المللی با رژیم ایران شدند.

سخنانی تحت عنوان «رژیم ایران تهدید جدی منطقه‌یی و بین‌المللی» ایراد کرد. در ابتدای سخنرانی، تاریخچهٔ گونااهی از انقلاب ضدسلطنتی ارائه داده شد و سپس اقدامات تروریستی رژیم در خارج از کشور عراق و سرکوب و اعدام وحشیانه در داخل کشور به‌تفصیل توضیح داده‌شد. در بخش بعدی سخنرانی تهدیدات برنامه‌های اتمی رژیم و فعالیت‌های تروریستی و بینادگرانه رژیم آخوندی در عراق و تابلوهای موجود

وقتی ۱۶سالش بود من معلم بودم و یک فعال سیاسی. و برای همین خیلی دنبال این بودم که بدانم این نابغه ازچه مادری متولد شده است که این همه دانش و آگاهی دارد و مهمتر از همه در این سن کم شدیداً ضدارتجاع و ضد زمین‌خواری و سرمایه‌داری است. وقتی شهید ابوذر به دانشگاه راهیافت اغلب می‌آمد خانه ما و گاهی تا یک هفته باهم بودیم. و به راه مبارزه ضددیکتاتوری و ضداستعماری و ضدارتجاعی ما نور می‌پاشید. شهید ابوذر چون خیلی مؤمن و صادق بود من علاقه خاصی به او داشتم و ایشان نیز. به علت همین نزدیکی فکری و مذهبی سعادت این‌را داشتم که خانواده و اغلب همراهان فکریش را زیارت کنم. به‌ویژه مرحومان مادر و پدرش را. راستش از دیدن مادرش انگیزه فراوانی گرفتم‌بودم. چون زندگی بسیار سخت و دردناکی را می‌گذراند. و باهمه بی‌چیزی از خواهر شوهر نابینای خود هم نگهداری می‌کرد و چنان دل می‌سوزاند انگار که از فرزندش پرستاری می‌کند.اولین دیدار ما با اشک و آه مادر ورداسبی توأم بود. این مادر فخرمان، عشق عظیمی به رهبران مقاومت و اشریفهای قهرمان و تک‌تک رزمندگان راه آزادی داشت و از هوش و استعدادی عجیب برخوردار بود و تا آخرین لحظهٔ عمرش حواسش سر جایش بود. چون از نزدیک زیارتش می‌کردم و اغلب تلفتی با او تماس داشتم میزان ارادتش را به تک‌تک مقاومتان می‌دانستم واعلَب حرفهایی که با من می‌زد، به دیگران نمی‌گفت – به گفتهٔ خودش- وهمیشه می‌گفت: «تو به‌جای ابوذر منی». برای همین اگر از عشق و علاقه‌اش نسبت به رهبری مقاومت و اشریفهای می‌گویم. از حرفهای خودش بامن است. اغلب وقتی به خانه‌اش می‌رفتم. درحال عبادت بود و تسبیح می‌زد. می‌گفتم، مادر چه ذکری می‌گویی؟ می‌گفت خمینی و یارانش را لعنت می‌کنم و به مجاهدین دعا می‌کنم و باران اشکش جاری می‌شد و می‌گفت می‌دانی من ابوذر را چه‌جوری بزرگ کردم؟ وقتی ابوذر



باشد تا آرزوهای مادر ورداسبی برای آزادی میهن و به‌روزی مردم در فدای سرنگونی رژیم ضدبشری آخوندی و آزادی ملت ایران تحقق یابد و عواطف سرشار انسانی او را در لیخند کودکائی که دیگر مجبور به تحمل رنج فقر و بی‌عدالتی بر شاه‌های خود نخواهند بود بازباییم. گرامی باد خاطرهٔ مادر ورداسبی، درود بر فرزند اندیشمند و مجاهدش جوادانه فروغ آزادی ابوذر ورداسبی.

وقتی ۱۶سالش بود من معلم بودم و یک فعال سیاسی. و برای همین خیلی دنبال این بودم که بدانم این نابغه ازچه مادری متولد شده است که این همه دانش و آگاهی دارد و مهمتر از همه در این سن کم شدیداً ضدارتجاع و ضد زمین‌خواری و سرمایه‌داری است. وقتی شهید ابوذر به دانشگاه راهیافت اغلب می‌آمد خانه ما و گاهی تا یک هفته باهم بودیم. و به راه مبارزه ضددیکتاتوری و ضداستعماری و ضدارتجاعی ما نور می‌پاشید. شهید ابوذر چون خیلی مؤمن و صادق بود من علاقه خاصی به او داشتم و ایشان نیز. به علت همین نزدیکی فکری و مذهبی سعادت این‌را داشتم که خانواده و اغلب همراهان فکریش را زیارت کنم. به‌ویژه مرحومان مادر و پدرش را. راستش از دیدن مادرش انگیزه فراوانی گرفتم‌بودم. چون زندگی بسیار سخت و دردناکی را می‌گذراند. و باهمه بی‌چیزی از خواهر شوهر نابینای خود هم نگهداری می‌کرد و چنان دل می‌سوزاند انگار که از فرزندش پرستاری می‌کند.اولین دیدار ما با اشک و آه مادر ورداسبی توأم بود. این مادر فخرمان، عشق عظیمی به رهبران مقاومت و اشریفهای قهرمان و تک‌تک رزمندگان راه آزادی داشت و از هوش و استعدادی عجیب برخوردار بود و تا آخرین لحظهٔ عمرش حواسش سر جایش بود. چون از نزدیک زیارتش می‌کردم و اغلب تلفتی با او تماس داشتم میزان ارادتش را به تک‌تک مقاومتان می‌دانستم واعلَب حرفهایی که با من می‌زد، به دیگران نمی‌گفت – به گفتهٔ خودش- وهمیشه می‌گفت: «تو به‌جای ابوذر منی». برای همین اگر از عشق و علاقه‌اش نسبت به رهبری مقاومت و اشریفهای می‌گویم. از حرفهای خودش بامن است. اغلب وقتی به خانه‌اش می‌رفتم. درحال عبادت بود و تسبیح می‌زد. می‌گفتم، مادر چه ذکری می‌گویی؟ می‌گفت خمینی و یارانش را لعنت می‌کنم و به مجاهدین دعا می‌کنم و باران اشکش جاری می‌شد و می‌گفت می‌دانی من ابوذر را چه‌جوری بزرگ کردم؟ وقتی ابوذر

برای مادر مجاهد ورداسبی	
<i>می‌بینمت مادر ورداسبی</i>	
<i>نشسته بر چرخ افلاک درانتظارِی طولانی</i>	
<i>چونان که می‌نشستی در میدانهای نیمه‌جان جهان</i>	
<i>به انتظار و همیشه در فریاد.</i>	
<i>در نی‌نی نگاه تو می‌خواندم حدیث تلخ روزگاران را.</i>	
<i>آن دو چشم بر غرور تو یاد باد مادر</i>	
<i>که آتشخور پرندگان سالیهای بی‌آبی بود</i>	
<i>و بردلت، آن شیر در قفس</i>	
<i>جای بسی زخم ناکسان.</i>	

وقتی ۱۶سالش بود من معلم بودم و یک فعال سیاسی. و برای همین خیلی دنبال این بودم که بدانم این نابغه ازچه مادری متولد شده است که این همه دانش و آگاهی دارد و مهمتر از همه در این سن کم شدیداً ضدارتجاع و ضد زمین‌خواری و سرمایه‌داری است. وقتی شهید ابوذر به دانشگاه راهیافت اغلب می‌آمد خانه ما و گاهی تا یک هفته باهم بودیم. و به راه مبارزه ضددیکتاتوری و ضداستعماری و ضدارتجاعی ما نور می‌پاشید. شهید ابوذر چون خیلی مؤمن و صادق بود من علاقه خاصی به او داشتم و ایشان نیز. به علت همین نزدیکی فکری و مذهبی سعادت این‌را داشتم که خانواده و اغلب همراهان فکریش را زیارت کنم. به‌ویژه مرحومان مادر و پدرش را. راستش از دیدن مادرش انگیزه فراوانی گرفتم‌بودم. چون زندگی بسیار سخت و دردناکی را می‌گذراند. و باهمه بی‌چیزی از خواهر شوهر نابینای خود هم نگهداری می‌کرد و چنان دل می‌سوزاند انگار که از فرزندش پرستاری می‌کند.اولین دیدار ما با اشک و آه مادر ورداسبی توأم بود. این مادر فخرمان، عشق عظیمی به رهبران مقاومت و اشریفهای قهرمان و تک‌تک رزمندگان راه آزادی داشت و از هوش و استعدادی عجیب برخوردار بود و تا آخرین لحظهٔ عمرش حواسش سر جایش بود. چون از نزدیک زیارتش می‌کردم و اغلب تلفتی با او تماس داشتم میزان ارادتش را به تک‌تک مقاومتان می‌دانستم واعلَب حرفهایی که با من می‌زد، به دیگران نمی‌گفت – به گفتهٔ خودش- وهمیشه می‌گفت: «تو به‌جای ابوذر منی». برای همین اگر از عشق و علاقه‌اش نسبت به رهبری مقاومت و اشریفهای می‌گویم. از حرفهای خودش بامن است. اغلب وقتی به خانه‌اش می‌رفتم. درحال عبادت بود و تسبیح می‌زد. می‌گفتم، مادر چه ذکری می‌گویی؟ می‌گفت خمینی و یارانش را لعنت می‌کنم و به مجاهدین دعا می‌کنم و باران اشکش جاری می‌شد و می‌گفت می‌دانی من ابوذر را چه‌جوری بزرگ کردم؟ وقتی ابوذر

روز سه‌شنبه ۲۲فروردین ۱۳۸۵

علیرضا جعفرزاده در گفتگو با فاکس نیوز: اکنون زمان حمایت جامعه جهانی از راه‌حل سوم برای سرنگونی حکومت آخوندها است

شبکه تلویزیونی فاکس نیوز، برنامه دی ساید، ۲



در پی اعلام خبر منحل شدن کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و تشکیل شورای اسحاقی، عضو شورای ملی مقاومت در این باره مصاحبه‌یی به عمل آوریم که ذیلا از نظران می‌گذرد.

● **آقای اسحاقی، ضمن تشکر از شما، اخیراً کمیسیون حقوق بشر ملل متحد بعد از ۶۰ سال فعالیت، منحل شد و شورای حقوق بشر جای آن‌راگرفت، چه وقایعی و یا به بیان بهتر، چه مسائل مشکلاتی من منشا این تحول بودند؟**

به‌دنبال تصویب قطعنامه مورخ ۲۴ اسفند ۱۳۸۴ مجمع عمومی ملل متحد مبنی بر جایگزین کردن کمیسیون حقوق بشر با یک ارگان دیگر به نام شورای حقوق بشر، شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل در روز سوم فروردین ۱۳۸۵ تصمیم به انحلال این کمیسیون گرفت، در نتیجه، کمیسیون حقوق بشر در روز هفتم فروردین گذشته با برگزاری نشست کوتاه، انحلال خود را اعلام کرد، هر چند از نظر حقوقی این انحلال از روز ۲۶ خرداد آینده تحقق پیدا خواهد کرد، اما در عمل می‌توان تصور کرد که کمیسیون حقوق بشر دیگر وجود ندارد.

به این ترتیب، از این به بعد اصلی‌ترین ارگان بین‌المللی مأمور بررسی وضعیت و ارتقای حقوق بشر در سطح کشورهای عضو ملل متحد، شورای حقوق‌بشر خواهد بود که تحت قواعد و ضوابط جدیدی فعالیت خواهد کرد. بنابراین، می‌توان گفت که با جایگزین کردن کمیسیون توسط شورای حقوق بشر، یک برگ تاریخی ورق خورده و صفحهٔ جدیدی گشوده شده است.

اگر بخواهیم به اختصار به اصلی‌ترین دلیلی اشاره کنیم که زمینه این تحول را فراهم آورده، باید گفت که این امر حاصل نبیست بود که کمیسیون با آن روبرو شده بود و در عمل خود را در ناتوانی این ارگان برای تحقق بخشیدن به اهدافی نشان می‌داد که دلیل وجودی آن‌راتشکیل می‌دادند. می‌خواهم تأکید کنم که این بن‌بست اساساً ماهیت سیاسی داشت چرا که نتیجه و ثمرهٔ فعل و انفعالات سیاسی و بازتاب اختلافات بین‌المللی در سطح کمیسیون بویژه طی دو دههٔ اخیر بود، شرایطی که به‌قول آقای کوئی عنان، دبیر کل ملل متحد، موجب فروپاشی اعتبار این نهاد بین‌المللی را فراهم آورد و آن‌با عدم کارایی روبه‌رو ساخت.

به این ترتیب، می‌توان گفت که مسائل ارگانیک و ساختاری نقش فرعی در ایجاد این وضعیت داشتند، به بیان دیگر، طی سالیهای اخیر دولتهای عضو کمیسیون در این ارزشها از پیش برای تأمین منافع سیاسی و بیش تجاری و اقتصادی خود در مقابل تعهدات مربوط به رعایت معیارهای به‌رسمیت‌شناخته‌شدهٔ حقوق بشر و دفاع از این ارزشها در سطح بین‌المللی اولویت قائل بودند. لذا، به‌تدریج و به‌خصوص با بروز مشکلات جدی ناشی از عدم رعایت این حقوق در سطح جهانی، که مسائل و معضلات امنیتی را به‌بهره‌ام می‌آورد، فکر چاره‌اندیشی در مقابل این وضعیت شکل گرفت و به انحلال کمیسیون حقوق‌بشر و ایجاد شورا راه برد.

اضافه کنم که دیرینه‌ترین کشمکش سیاسی و کمیسیون و مقولهٔ حقوق بشر قربانی آن بوده‌اند، جنگ سرد است. در واقع، جنگ سرد از منظر حقوق بشر چیزی جز تقابل میان دو دیدگاه حامی منافع متضاد نبود. یکی دیدگاهی که اولویت را به حقوق مدنی، سیاسی می‌داد (بلوک غرب) و دیگری نظ‌رگاهی که برای گریز از تعهدات مربوط به رعایت حقوق مدنی- سیاسی، مبلغ ارتباط جهانی منافع اقتصادی را برقرار می‌نمود. به این وجود، حقوق بینداری تلقی نمی‌شدند تا این‌که با برگزاری کنفرانس جهانی حقوق بشر در سال ۱۳۴۴، برای اولین‌بار در بیانهٔ پایانی این کنفرانس از این مقولات در کنار حقوق بنیادی نام برده شد. امروزه حتی دبیرکل ملل متحد نیز به

مورد آن بسیار خوانده یا شنیده‌اید. منظرم شرایطی است که ثمرهٔ عملکرد یک نظام نژادپرست و متعرض بود که برای تضمین بقای خود از دست‌زدن به هیچ جنایتی خودداری نمی‌کرد. گزارشها و شکایاتی که در آن سالها در ارتباط با این وضعیت به کمیسیون حقوق بشر منتقل شدند، حاوی آن‌چنان مواردی بود که سرانجام، در سال ۱۳۴۴، کمیسیون را وادار نمود تا به خواست افکار عمومی تن داده، محدودیت ایجاد شده توسط شورای اقتصادی اجتماعی را نادیده بگیرد و به این شکایات رسیدگی کند. چنین شد که کمیسیون به ناچار به تدوین ضوابطی و دستورالعملی برای رسیدگی به مسائل ناشی از نژادپرستی پرداخت. در ادامه و در برخورد با موارد نقض حقوق بشر در مناطقی ازآفریقای جنوبی، کمیسیون در سال ۱۳۴۶ گروه ویژه‌ای را متشکل از کارشناسان برای بررسی این وضعیت ایجاد کرد. این روند سبب شد تا کمیسیون مباحثات علنی را در ارتباط با وضعیت حقوق بشر در پاره‌یی از کشورهای

وضوح مبلغ این نظریه است که «تضمین امنیت بدون تأمین توسعه امکان پذیر نیست و ایجاد توسعه بدون رعایت حقوق بشر میسر نخواهد بود، بنابر این، تأمین امنیت بدون پرداختن به امر توسعه و رعایت حقوق بشر غیر قابل تحقق است.»

● **با در نظر گرفتن این واقعیت، کارنامهٔ کمیسیون حقوق بشر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ به عبارت دیگر، دستاوردها و ناکامیهای آن چیست و کادر وظائف و توان تأثیر‌گذاری کمیسیون در چه حدی بود؟**

بیبیند، واقعیت این است که کارنامهٔ شصت سالهٔ کمیسیون حقوق بشر نه تنها بی‌ثمر نبوده است بلکه دستاوردهای بسیار مثبتی را نیز به‌همراه داشته است، هر چند می‌توان گفت که این دستاوردها در سطح انتظارات مشروع و پاسخگوی امیدهای تاریخی جامعهٔ بشری نبوده‌اند. برای درک این واقعیت کافی است در ذهن خود یک لحظه تصور کنیم که اگر کمیسیون حقوق بشر ایجاد نشده بود امروزه جامعهٔ بین‌المللی از نظر رعایت حقوق اولیهٔ انسانی در چه نقطه‌یی قرار داشت و با چه محرمیتهایی روبه‌رو بود. بنابراین، برای پاسخ درست و منصفانه به سؤال شما بایستی به گذشته سفر کرد و دید که کمیسیون حقوق بشر در چه شرایطی و برای تحقق چه اهدافی تشکیل شد و در عمل چه مسیری را طی نمود و چه میراثی بر جای گذاشت.

به‌یاد بیاورید اوضاع و احوال اوایل دههٔ ۱۳۲۰ و شرایطی را که در آن جامعهٔ بشری متأثر از فجایع ناشی از دو جنگ بزرگ و خامنهاسوز جهانی، مترصد و نگران تکرار جنایاتی بود که در فاصلهٔ کمتر از نیم قرن، دوبار قربانی آنها شده بود. واقعیت این است که یکی از علل عمدهٔ بروز این وقایع و جنایاتی که تاریخ و مسیر حرکت همین جامعهٔ بشری را به‌طور جدی تحت‌الشعاع قرار داده‌اند، نادیده گرفتن و تعرض و تجاوز به حقوقی بوده است که هر انسان به اعتبار حیثیت انسانی خود بایستی از آنها برخوردار باشد. لذا، در فدای جنگ دوم جهانی و به زانو درآمدن فاشیسم هیتلری، چاره‌اندیشی برای ممانعت از تکرار این فجایع آغاز شد. جهان با این واقعیت رسیده بود که بایستی برای مقابله با این خطرات و جلوگیری از تکرار این فجایع خود را سازماندهی کند. چنین بود که با امضای منشور ملل متحد در خرداد ۱۳۲۴، شرایط لازم برای این سازماندهی فراهم گردید. یکی از نهادهایی که ایجاد آنها در همین منشور ملل متحد پیش‌بینی شده بود، «شورای اقتصادی اجتماعی» ملل متحد بود، که بایستی به‌محض تشکیل، بر اساس مادهٔ ۶۸ منشور، کمیسونهایی را به‌منظور تحقق اهداف خود ایجاد می‌کرد. یکسال بعد، یعنی در سال ۱۳۲۵، شورای اقتصادی اجتماعی در اولین نشست خود که با حضور نمایندگان ۵۴ کشور عضو تشکیل گردید، از این ارزشها در سطح بین‌المللی اولویت داد. کمیسیون معروف را بنیانگذاری کرد و یکی «کمیسیون حقوق بشر» و دیگری «کمیسیون موقعیت زنان» نام گرفت. اولی در ژنو و دومی در نیویورک مستقر گردید و هر کدام متشکل از نمایندگان ۵۳ کشور عضو ملل متحد بودند.

اما، در شرایطی که کمیسیون حقوق بشر می‌باید تلاش خود را وقف تنظیم و تصویب معیارهای مرتبط با حقوق بشر، تدوین حقوق اولیهٔ انسانی و ایجاد نهاد مبنی بر رعایت آنها نماید، شورای اقتصادی اجتماعی در نشست خود در سال ۱۳۲۶، با تصویب قطعنامه‌یی اعلام داشت که «کمیسیون صلاحیت اتخاذ هیچ‌گونه اقدامی در خصوص شکایات مربوط به نقض حقوق بشر را ندارد». به این ترتیب، اصلی‌ترین ارگان بین‌المللی مأمور ارتقای حقوق بشر از رسیدگی به شکایات مبنی بر تجاوز به این حقوق در گوشه و کنار جهان و به‌خصوص در سطح کشورهای عضو ملل متحد منع می‌شد. این امر در واقع نتیجهٔ یک تعادل قوای سیاسی خاص و منعکس‌کنندهٔ ارادهٔ دولتهایی بود که به دلایل مختلف و از جمله به‌خاطر مسئولیتی که در زمینهٔ نقض حقوق بنیادی شهروندان خویش داشتند، خود را در معرض چنین شکایاتی می‌دیدند. با این وجود، در عمل و زیر فشار افکار عمومی روند امور به‌گونهٔ دیگری پیش رفت و کادر اختیارات و وظائف کمیسیون تغییرات جدی پیدا کرد.

شما حتماً اوضاع آفریقای جنوبی را به‌خصوص در سال دههٔ ۱۳۴۰ به‌یاد می‌آورید و یا در گذشته، امنیت تحت تأثیر این شرایط و دوران گذار فغلی و به‌خصوص به‌دلیل بی‌اعتباری شدنش، کمیسیون قادر نبود تا در اجلاس

امسال خود به‌طور جدی به بررسی وضعیت حقوق بشر در سطح بین‌المللی و اتخاذ تصمیم در مورد مقولاتی بپردازد که در دستور کار آن قرار داشت، حال آن‌که پاره‌یی از دولتهای عضو و بسیاری از سازمانهای بین‌المللی از جمله عفو بین‌الملل، به‌طور جدی خواهان آن بودند که کمیسیون در شصت و دومین اجلاس خود حداقل رسیدگی به پاره‌یی موضوعات از جمله تصویب بعضی پیمانهای بین‌المللی را که متن نهایی آنها آماده شده بود، در دستور کار خود قرار دهد. اما، یکبار دیگر فعل و انفعالات سیاسی باعث شدند تا کمیسیون نتواند به‌گونه‌یی مؤثر عمل کند. نتیجهٔ این شد که طبق تصمیم شورا،اقتصادی اجتماعی (یعنی ارگان مافوق کمیسیون) شصت و دومین اجلاس بسیار کوتاه برگزار شد (در حد یک نشست نیم‌روزه در بعد از ظهر هفتم فروردین گذشته) و با تصویب یک قطعنامه، رسیدگی به کلیهٔ موضوعاتی را که در دستور کار آن قرار داشتند به شورای حقوق بشر موکل نمود.

اصل مربوط به جایگزین‌کردن کمیسیون با شورای حقوق بشر، به تصویب این اجلاس رسید و تعیین کادر مبادی آن به‌عدهٔ مجمع عمومی ملل متحد و رئیس سوئدی آن واگذار گردید. به این ترتیب، پس از گفتگوهای گسترده در سطح هیاتهای نمایندگی کشورهای عضو و تبادل نظر با بسیاری سازمانهای غیردولتی دارای رتبهٔ مشورتی، سرانجام متن قطعنامه‌یی که حاوی اصول کلی و طرح مربوط به ایجاد این ارگان بود، از سوی رئیس مجمع عمومی ملل متحد برای تصویب به این مجمع ارائه شد. این در حالی بود که هنوز هم اختلاف نظرانی در این خصوص وجود داشت و بعضی از کشورهای عضو، از جمله آمریکا، ابرازاتی را در مورد این طرح مطرح می‌کردند. با این حال، به‌رغم وجود این ایرادات، طرح قطعنامهٔ پیشنهادی رئیس مجمع عمومی به رای گذاشته و در تاریخ ۲۴ اسفند گذشته، با ۱۷۰ رأی مثبت و مقابل ۳ رأی مخالف و چهار رأی ششع به تصویب رسید.

این که تا چه اندازه می‌توان امیدوار بود که شورای حقوق بشر نارساییهای نهاد قبلی یعنی کمیسیون را جبران کند، بستگی به این دارد که تا چه اندازه در تدوین برنامه و ضوابط کار خود موفق عمل کند. واقعیت این است که نهادهای سازمان ملل در نهایت متشکل از دولتها هستند و به همین دلیل هم ارادهٔ آنها برای تحقق قولها و تعهدات امری تعیین کننده است. به قول کمیسر عالی حقوق بشر، هنوز انتظارات ناشی از این تحول بر آورده نشده‌اند و راهی نسبتاً طولانی تا رسیدن به پیروزی وجود دارد. بنا بر این، بایستی هوشیار بود و از پای نشست.

● **ارگان جدید که شورای حقوق بشر نام گرفته است، چه تفاوت‌هایی با کمیسیون حقوق بشر دارد، اختیارات آن چیست و تا چه اندازه می‌توان امیدوار بود که نارساییهای نهاد قبلی را جبران کند؟**
تفاوت‌های میان شورای ایجاد شده با کمیسیون حقوق بشر سابق عمدتاً در ساختار و جایگاه حقوقی آن دو جلوه می‌کند. در قدم اول، بایستی اشاره کرد که کمیسیون حقوق بشر بوده‌اند برآورده سازد، در آن صورت می‌توان گفت که این دوران فترت پهایی است قابل فهم و قابل قبول که جامعهٔ بین‌المللی برای برآوردن این انتظارات پرداخت کرده است. در غیر این صورت متأسفانه باید پذیرفت که قربانیان نقض حقوق بشر یکبار دیگر بهای مناقشات بین‌المللی و ملاحظات سیاسی دولتهای مختلف را پرداخت کرده‌اند. نگرانی این است که هر مرحلهٔ تدوین ضوابط حاکم بر روش کار شورا به درازا بکشد. این دوران وقفه وخصوص برای ما از آن نظر ناخوشایند است که امسال همزمان با وخیمتر شدن اوضاع در ایران و تشدید نقض حقوق بشر توسط رژیم اخوندی، زمینه‌های جدی برای بررسی وضعیت در ایران وجود داشت به‌طوری که از یکطرف سازمانهای غیردولتی مدافع حقوق بشر اقدامات گسترده‌یی در راستای افشای این وضعیت به‌عمل آورده بودند و از سوی دیگر شانس این وجود داشت که کمیسیون به چاره‌اندیشی در مورد این وضعیت بپردازد.

● **ایدهٔ تشکیل شورای حقوق بشر در کجا و چگونه شکل گرفت و تا زمان تصویب توسط مجمع عمومی ملل متحد، چه روندی را طی کرد؟**
انحلال کمیسیون و ایجاد شورای حقوق بشر را بایستی در کادر مجموعهٔ فرمهایی در نظر گرفت که به ابتکار آقای کوئی عنان، دبیرکل سازمان ملل، قرار است در سطح این نهاد صورت گیرد. این نهاد در نظر ساختاری که به ابتکار آقای کوئی عنان، دبیرکل سازمان ملل، قرار است در سطح این نهاد صورت گیرد، به اجزا گذاشته شوند. فرمهایی که بی‌تردید تحولات گسترده‌یی را در سطح ملل متحد به‌دنبال خواهند داشت. اما، تا آن‌جا که به تشکیل شورای حقوق بشر برمی‌گردد، بایستی اشاره کنم که ایدهٔ ایجاد چنین نهادهای متعلق به یک استاد سرشناس حقوق بین‌الملل بهنام پرفسور والتر کالن از سوئیس است که متخصص حقوق بشر در دوسلد است. وی در نظریه‌یی که در سال ۱۳۸۴، تحت عنوان «به‌سوی تشکیل شورای حقوق بشر، چشم‌اندازها و گزینشها» منتشر کرد، برای اولین‌بار از ایجاد نهادی صحبت نمود که از موقعیتی مستحکمتر و اختیاراتی بیشتر برخوردار بوده و از نظر ساختاری بتواند خود را از نقایض مربوط به کمیسیون خلاص کند. به این ترتیب، وی سه وضعیت را از نظر ترکیب اعضای شورا در نظر گرفت، یکی ترکیبی محدود که متشکل از ۱۵ تا ۲۵ کشور باشد (فرم محدود)، دیگری فرم متوسط یعنی متشکل از ۴۰ تا ۵۰ کشور و سوم فرم گسترده و دربرگیرندهٔ تمامی اعضای ملل متحد. خود وی از جمله طرفداران فرم متوسط بود هر چند همزمان اما، در خصوص مأموریتها، وظائف و اختیارات شورا و ضوابط حاکم بر کار آن، تا آن‌جا که به متن قطعنامهٔ مجمع عمومی برمی‌گردد، به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:
- نظارت بر رعایت و دفاع از تمامی حقوق بشر و آزادهایی بنیادی بدون تبعیض و با رعایت نهایت عدالت و انصاف.
- بررسی موارد نقض و به‌خصوص موارد مشهود و سیستماتیک حقوق بشر و ارائهٔ توصیه‌هایی در این مورد.
- هماهنگی لازم بین کلیهٔ سیستمهای سازمان ملل در جهت نشر ارزشهای حقوق بشر در سطح این سیستمها.
- پایبندی به اصل جهانشمول بودن حقوق بشر، رعایت بی‌طرفی، یعنی‌بودن و غیرگزینشی عمل کردن در بررسی وضعیتها و هم‌چنین برقراری دیالوگ و همکاری سازنده در سطح بین‌المللی به‌گونه‌یی که به ارتقا و دفاع از تمامی حقوق بشر (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، از جمله حق توسعه) کمک نماید.

- ارتقای تعلیم و تربیت در زمینهٔ حقوق بشر و ارائهٔ خدمات مشورتی و کمکهای

فنی و تحکیم توانمندنیا در هماهنگی با دولتهای ذیربط.
- ارائهٔ توصیه‌هایی به مجمع عمومی ملل متحد به‌منظور ادامه دادن به توسعهٔ حقوق بین‌الملل در زمینهٔ حقوق بشر.
- تشویق دولتها به رعایت کامل تعهدات پذیرفته شده در زمینهٔ حقوق بشر به‌منظور تحقق اهداف تعیین شده و هم‌چنین رعایت تکالیف مربوط به ارتقا و دفاع از حقوق بشر که ثمرهٔ نشستهای برگزار شده در سطح سازمان ملل هستند.

- بررسی دوره‌یی رعایت حقوق بشر توسط هر یک از دولتها در سطح جهانی، بر مبنای اطلاعات عینی و معتبر دریافتی و با در نظر گرفتن تعهدات و تکالیف آنها در زمینهٔ حقوق بشر به‌گونه‌یی که متضمن وجود این ایرادات، طرح قطعنامهٔ پیشنهادی آن با تمامی دولتها باشد.

- دیالوگ و همکاری برای پیشگیری از نقض حقوق بشر و اقدام آنی در صورت وجود فوریتر.

- به‌عهده گرفتن نقش و مسئولیتهای کمیسیون حقوق بشر در قبال فعالیتهای کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل، آن‌طور که در قطعنامهٔ شمارهٔ ۴۸/۱۴۱ مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ مجمع عمومی مقرر شده است.

- همیاری و همکاری تنگاتنگ با دولتها، سازمانهای منطقه‌یی، سازمانهای ملی مدافع حقوق بشر و جوامع مدنی در حوزهٔ حقوق بشر.

- ارائهٔ توصیه‌هایی در زمینهٔ ارتقا و دفاع از حقوق بشر.
- ارائهٔ یک گزارش سالانه به مجمع عمومی.
همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، این موارد اساساً در برگزیدهٔ خطوط کلی هستند که بایستی در دستور روز شورا و حول محورها و موضوعات کاری مشخص تدقیق شوند. این امری است که به‌عهدهٔ خود شورا باشد.
دولتهای عضوی است که برای اولین‌بار در تاریخ نودهم اردیبهشت آینده توسط مجمع عمومی ملل متحد انتخاب خواهند شد تا اولین نشست شورا را در روز ۲۹ خرداد آینده برگزار کنند.

خانم لوئیز آروبر، کمیسرعالی حقوق بشر، از ابرز امیدواری کرده است که شورا بتواند به سرعت پیامی قوی در زمینهٔ برنامهٔ کار محورها و موضوعات کاری مشخص تدقیق شوند. این امری است که به‌عهدهٔ خود شورا باشد.
دولتهای عضوی است که برای اولین‌بار در تاریخ نودهم اردیبهشت آینده توسط مجمع عمومی ملل متحد انتخاب خواهند شد تا اولین نشست شورا را در روز ۲۹ خرداد آینده برگزار کنند.

یو هیچ‌منیم معتقد است که شورا می‌تواند جلالتی علنی را برای طرح سؤال از دولتهای مربوط به نقض حقوق بشر در کشور متوعشان پیش‌بینی نماید. اینها البته ایده‌هایی است که بایستی منتظر ماند و دید که تا کجا عملی خواهند شد.
این‌که تا چه اندازه می‌توان امیدوار بود که شورای حقوق بشر نارساییهای نهاد قبلی یعنی کمیسیون را جبران کند، بستگی به این دارد که تا چه اندازه در تدوین برنامه و ضوابط کار خود موفق عمل کند. واقعیت این است که نهادهای سازمان ملل در نهایت متشکل از دولتها هستند و به همین دلیل هم ارادهٔ آنها برای تحقق قولها و تعهدات امری تعیین کننده است. به قول کمیسرعالی حقوق بشر، هنوز انتظارات ناشی از این تحول برآورده نشده‌اند و راهی نسبتاً طولانی تا رسیدن به پیروزی وجود و در صورتی که یک سوم از اعضای آن درخواست کنند می‌تواند صلاحیت قنالعاده نیز برگزار کند. در کمیسیون حقوق بشر، اعضای دائمی شورای امنیت عملاً به‌طور دائم عضو بودند، اما در شورای حقوق بشر، هیچ کشوری نتواند تئودت بیش از دو دورهٔ سه سالهٔ متوالی یعنی مجموعاً شش سال متوالی عضو باشد و در این حالت بایستی حداقل برای یک دوره کار برود.

● **شما به اختلافاتی اشاره کردید که بر سر ترکیب و اختیارات این شورا میان کشورهای مختلف وجود داشت. این اختلافات از چه قبیل بود و ماهیت آنها را چگونه تحلیل می‌کنید؟**
این اختلافات اساساً ماهیت سیاسی داشتند. به‌عنوان نمونه بعضی کشورها خواهان این بودند که تعداد اعضای شورا محدودتر شده و شرایط انتخاب‌شدن سخت‌تر شوند، به این ترتیب که مثلاً تعداد آرای مورد نیاز برای انتخاب‌شدن افزایش یابد. درخواستهایی به مطرح بود مبنی بر این‌که این نهاد تحت پوشش شورای امنیت ملل متحد قرار گیرد یا این‌که اعضای دائم شورای امنیت به‌طور دائم عضو آن باشند. طبیعی است که بعضی کشورها دارای ۷۳صو خواهند بود. اما، در خصوص مأموریتها، وظائف و اختیارات شورا و ضوابط حاکم بر کار آن، تا آن‌جا که به متن قطعنامهٔ مجمع عمومی برمی‌گردد، به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:
- نظارت بر رعایت و دفاع از تمامی حقوق بشر و آزادهایی بنیادی بدون تبعیض و با رعایت نهایت عدالت و انصاف.
- بررسی موارد نقض و به‌خصوص موارد مشهود و سیستماتیک حقوق بشر و ارائهٔ توصیه‌هایی در این مورد.
- هماهنگی لازم بین کلیهٔ سیستمهای سازمان ملل در جهت نشر ارزشهای حقوق بشر در سطح این سیستمها.
- پایبندی به اصل جهانشمول بودن حقوق بشر، رعایت بی‌طرفی، یعنی‌بودن و غیرگزینشی عمل کردن در بررسی وضعیتها و هم‌چنین برقراری دیالوگ و همکاری سازنده در سطح بین‌المللی به‌گونه‌یی که به ارتقا و دفاع از تمامی حقوق بشر (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، از جمله حق توسعه) کمک نماید.

- ارتقای تعلیم و تربیت در زمینهٔ حقوق بشر و ارائهٔ خدمات مشورتی و کمکهای

فنی و تحکیم توانمندنیا در هماهنگی با دولتهای ذیربط.
- ارائهٔ توصیه‌هایی به مجمع عمومی ملل متحد به‌منظور ادامه دادن به توسعهٔ حقوق بین‌الملل در زمینهٔ حقوق بشر.
- تشویق دولتها به رعایت کامل تعهدات پذیرفته شده در زمینهٔ حقوق بشر به‌منظور تحقق اهداف تعیین شده و هم‌چنین رعایت تکالیف مربوط به ارتقا و دفاع از حقوق بشر که ثمرهٔ نشستهای برگزار شده در سطح سازمان ملل هستند.

- بررسی دوره‌یی رعایت حقوق بشر توسط هر یک از دولتها در سطح جهانی، بر مبنای اطلاعات عینی و معتبر دریافتی و با در نظر گرفتن تعهدات و تکالیف آنها در زمینهٔ حقوق بشر به‌گونه‌یی که متضمن وجود این ایرادات، طرح قطعنامهٔ پیشنهادی آن با تمامی دولتها باشد.

- دیالوگ و همکاری برای پیشگیری از نقض حقوق بشر و اقدام آنی در صورت وجود فوریتر.

- به‌عهده گرفتن نقش و مسئولیتهای کمیسیون حقوق بشر در قبال فعالیتهای کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل، آن‌طور که در قطعنامهٔ شمارهٔ ۴۸/۱۴۱ مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ مجمع عمومی مقرر شده است.

- همیاری و همکاری تنگاتنگ با دولتها، سازمانهای منطقه‌یی، سازمانهای ملی مدافع حقوق بشر و جوامع مدنی در حوزهٔ حقوق بشر.

- ارائهٔ توصیه‌هایی در زمینهٔ ارتقا و دفاع از حقوق بشر.

- ارائهٔ یک گزارش سالانه به مجمع عمومی.

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، این موارد اساساً در برگزیدهٔ خطوط کلی هستند که بایستی در دستور روز شورا و حول محورها و موضوعات کاری مشخص تدقیق شوند. این امری است که به‌عهدهٔ خود شورا باشد.
دولتهای عضوی است که برای اولین‌بار در تاریخ نودهم اردیبهشت آینده توسط مجمع عمومی ملل متحد انتخاب خواهند شد تا اولین نشست شورا را در روز ۲۹ خرداد آینده برگزار کنند.

یو هیچ‌منیم معتقد است که شورا می‌تواند جلالتی علنی را برای طرح سؤال از دولتهای مربوط به نقض حقوق بشر در کشور متوعشان پیش‌بینی نماید. اینها البته ایده‌هایی است که بایستی منتظر ماند و دید که تا کجا عملی خواهند شد.

این‌که تا چه اندازه می‌توان امیدوار بود که شورای حقوق بشر نارساییهای نهاد قبلی یعنی کمیسیون را جبران کند، بستگی به این دارد که تا چه اندازه در تدوین برنامه و ضوابط کار خود موفق عمل کند. واقعیت این است که نهادهای سازمان ملل در نهایت متشکل از دولتها هستند و به همین دلیل هم ارادهٔ آنها برای تحقق قولها و تعهدات امری تعیین کننده است. به قول کمیسرعالی حقوق بشر، هنوز انتظارات ناشی از این تحول برآورده نشده‌اند و راهی نسبتاً طولانی تا رسیدن به پیروزی وجود و در صورتی که یک سوم از اعضای آن درخواست کنند می‌تواند صلاحیت قنالعاده نیز برگزار کند. در کمیسیون حقوق بشر، اعضای دائمی شورای امنیت عملاً به‌طور دائم عضو بودند، اما در شورای حقوق بشر، هیچ کشوری نتواند تئودت بیش از دو دورهٔ سه سالهٔ متوالی یعنی مجموعاً شش سال متوالی عضو باشد و در این حالت بایستی حداقل برای یک دوره کار برود.

● **شما به اختلافاتی اشاره کردید که بر سر ترکیب و اختیارات این شورا میان کشورهای مختلف وجود داشت. این اختلافات از چه قبیل بود و ماهیت آنها را چگونه تحلیل می‌کنید؟**

این اختلافات اساساً ماهیت سیاسی داشتند. به‌عنوان نمونه بعضی کشورها خواهان این بودند که تعداد اعضای شورا محدودتر شده و شرایط انتخاب‌شدن سخت‌تر شوند، به این ترتیب که مثلاً تعداد آرای مورد نیاز برای انتخاب‌شدن افزایش یابد. درخواستهایی به مطرح بود مبنی بر این‌که این نهاد تحت پوشش شورای امنیت ملل متحد قرار گیرد یا این‌که اعضای دائم شورای امنیت به‌طور دائم عضو آن باشند. طبیعی است که بعضی کشورها دارای ۷۳صو خواهند بود. اما، در خصوص مأموریتها، وظائف و اختیارات شورا و ضوابط حاکم بر کار آن، تا آن‌جا که به متن قطعنامهٔ مجمع عمومی برمی‌گردد، به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

- نظارت بر رعایت و دفاع از تمامی حقوق بشر و آزادهایی بنیادی بدون تبعیض و با رعایت نهایت عدالت و انصاف.

- بررسی موارد نقض و به‌خصوص موارد مشهود و سیستماتیک حقوق بشر و ارائهٔ توصیه‌هایی در این مورد.

- هماهنگی لازم بین کلیهٔ سیستمهای سازمان ملل در جهت نشر ارزشهای حقوق بشر در سطح این سیستمها.

- پایبندی به اصل جهانشمول بودن حقوق بشر، رعایت بی‌طرفی، یعنی‌بودن و غیرگزینشی عمل کردن در بررسی وضعیتها و هم‌چنین برقراری دیالوگ و همکاری سازنده در سطح بین‌المللی به‌گونه‌یی که به ارتقا و دفاع از تمامی حقوق بشر (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، از جمله حق توسعه) کمک نماید.

- ارتقای تعلیم و تربیت در زمینهٔ حقوق بشر و ارائهٔ خدمات مشورتی و کمکهای

فنی و تحکیم توانمندنیا در هماهنگی با دولتهای ذیربط.

- ارائهٔ توصیه‌هایی به مجمع عمومی ملل متحد به‌منظور ادامه دادن به توسعهٔ حقوق بین‌الملل در زمینهٔ حقوق بشر.

- تشویق دولتها به رعایت کامل تعهدات پذیرفته شده در زمینهٔ حقوق بشر به‌منظور تحقق اهداف تعیین شده و هم‌چنین رعایت تکالیف مربوط به ارتقا و دفاع از حقوق بشر که ثمرهٔ نشستهای برگزار شده در سطح سازمان ملل هستند.

- بررسی دوره‌یی رعایت حقوق بشر توسط هر یک از دولتها در سطح جهانی، بر مبنای اطلاعات عینی و معتبر دریافتی و با در نظر گرفتن تعهدات و تکالیف آنها در زمینهٔ حقوق بشر به‌گونه‌یی که متضمن وجود این ایرادات، طرح قطعنامهٔ پیشنهادی آن با تمامی دولتها باشد.

- دیالوگ و همکاری برای پیشگیری از نقض حقوق بشر و اقدام آنی در صورت وجود فوریتر.

- به‌عهده گرفتن نقش و مسئولیتهای کمیسیون حقوق بشر در قبال فعالیتهای کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل، آن‌طور که در قطعنامهٔ شمارهٔ ۴۸/۱۴۱ مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ مجمع عمومی مقرر شده است.

- همیاری و همکاری تنگاتنگ با دولتها، سازمانهای منطقه‌یی، سازمانهای ملی مدافع حقوق بشر و جوامع مدنی در حوزهٔ حقوق بشر.

- ارائهٔ توصیه‌هایی در زمینهٔ ارتقا و دفاع از حقوق بشر.

- ارائهٔ یک گزارش سالانه به مجمع عمومی.

همان‌طور که ملاحظه کنید، به‌عنوان نمونه، امروزه همزمان با بحث مربوط به خطرات ناشی از دستیابی رژیم به سلاح اتمی، صحبت از این است که نظام اخوندی به‌خاطر نقض سیستماتیک حقوق بشر بایستی مورد بازخواست قرار گیرد. به بیان دیگر، حتی دست یافتن رژیم به سلاح اتمی وقعی بهتر فهم می‌شود که به ماهیت این رژیم و خصومتها و دستاوردهای جامعهٔ بشری در زمینهٔ حقوق بشر و آزادهایی بنیادی توجه کنیم. در واقع، افشاگرهایی که طی نیم قرن اخیر و به مدد مقاومت ایران علیه جنایات این رژیم و معرفی ماهیت آن صورت گرفته است،

ملاحظه کنید، به‌عنوان نمونه، امروزه همزمان با بحث مربوط به خطرات ناشی از دستیابی رژیم به سلاح اتمی، صحبت از این است که نظام اخوندی به‌خاطر نقض سیستماتیک حقوق بشر بایستی مورد بازخواست قرار گیرد. به بیان دیگر، حتی دست یافتن رژیم به سلاح اتمی وقعی بهتر فهم می‌شود که به ماهیت این رژیم و خصومتها و دستاوردهای جامعهٔ بشری در زمینهٔ حقوق بشر و آزادهایی بنیادی توجه کنیم. در واقع، افشاگرهایی که طی نیم قرن اخیر و به مدد مقاومت ایران علیه جنایات این رژیم و معرفی ماهیت آن صورت گرفته است،

مصاحبه با دکتر حمیدرضا اسحاقی عضو شورای ملی مقاومت

در باره تشکیل شورای جدید حقوق بشر سازمان ملل متحد

جغرافیایی و ثابت اعضای شورا به‌خصوص با در نظر گرفتن این نکته که دو قارهٔ آسیا و آفریقا همواره به تنهایی اکثریت را در این شورا خواهند داشت، توجیه‌کنندهٔ این نگرانی است. این‌که چگونه با حفظ چنین ترکیبی می‌توان مانع ورود کشورهای ناقض حقوق بشر به شورا شد سؤالی است که برای پاسخ به آن بایستی منتظر نتیجهٔ کار و ترکیب اعضای شورا ماند. آن‌چه که مسلم است این‌که نمی‌توان با نگاهی نزه‌طلبانه و منتظر ایجاد ارگانی بود که کلیهٔ اعضای آن دارای کارنامه‌یی مزه در زمینهٔ رعایت حقوق بشر و تحقق آنها در سطح جهانی باشند. قاعدهٔ نسبیت در این‌جا نیز حاکم است و باید امیدوار بود که شورای حقوق بشر بتواند در مسیر ممانعت از نقض حقوق بشر و اعمال قاطعیت در قبال دولتهای ناقض این حقوق موثرانی را پشت سر بگذارد که کمیسیون برای عبور از آنها ناتوان بود.

● **آیا تصویب قطعنامهٔ مربوط به ایجاد شورا توسط مجمع عمومی را بایستی به‌عنوان نقطهٔ پایان اختلافات موجود بر سر شکل، ماهیت و حوزهٔ عمل شورا تلقی نمود یا این‌که بایستی نگران بازتاب این اختلافات بر روی عملکرد و نتیجهٔ کار شورا بود؟**

از آن‌جا که این اختلافات ماهیت سیاسی داشته و گاه منعکس‌کنندهٔ منافع جدی و متعارض هستند، نمی‌توان انتظار داشت که بعد از تصویب قطعنامه و تشکیل شورا به فراموشی سپرده شوند. به‌خصوص این‌که، این قطعنامه نه با اجماع که از طریق رأی‌گیری به تصویب رسیده است و این امری است بر خلاف سنت دو دههٔ فعالیت سازمان ملل، اساساً یک ارگان بین‌المللی وقتی از بیشترین شانس برای موفقیت برخوردار است و با اجماع و در فضای تفاهم عمومی ایجاد شود. بنابراین، منطقی است که این اختلافات حداقل برای یک دوره هر چند امید این است که سیر وقایع خلاف این امر را ثابت کند. اما اگر اخبار مربوط به این موضوع را به دقت دنبال کنید متوجه خواهید شد که این اختلافات هنوز هم دارند عمل می‌کنند به‌طوری که پاره‌یی از کشورها اعلام کرده‌اند که کاندیدای عضویت در اولین ترکیب این شورا نخواهند بود. این نکته از آن جهت اهمیت دارد که اولین ترکیب در واقع نقشی چشمگیر در تدوین ضوابط حاکم بر کار شورا و تعیین موضوعات کاری آن خواهد داشت. بنابراین، چنین برخورد اتفاقی به نوعی منعکس‌کنندهٔ میراثی از بی‌تفاوتی نسبت به سرنوشت این نهاد نوپای ملل متحد است. امری که ریشه در همان اختلافات اولیه دارد.

● **با ایجاد شورای حقوق بشر آیا می‌توان از اتخاذ یک سیاست نوین توسط جامعهٔ بین‌المللی در برخورد با مقولهٔ حقوق بشر و نقض آن صحبت کرد؟**

برای پاسخ دقیق به این سؤال لازم است ابتدا برداشت خود را از «سیاست نوین» مشخص کنیم. با این حال، آن‌چه که مسلم است این است که ارگان جدید قرار است در خدمت برخوردی جدید با مقولهٔحقوق بشر و نقض آن باشد. اگر در نظر سوانیقی سیاه دارند، در این شرایط بایستی در پاسخ به سؤال شما بگویم که به هر حال، تغییر ضوابط در زمینهٔ برخورد با موضوع حقوق بشر، اگر هم محمول اخلاقی با سیاست نوین در این زمینه نباشد بایستی علی‌القاعده زمینه‌ساز بروز چنین امری باشد. معتمد بودیم، بنابراین، می‌توان گفت که مقولهٔ بایستی از فرصتی که در اثر این تحول ایجاد شده است نهایت بهره‌برداری را نموده و برای تبدیل آن به یک پیروزی جدی در زمینهٔ مبارزه علیه نقض حقوق بشر تلاش کنند. ما در گذشته تأثیر افکار عمومی را در تغییر مسیر کمیسیون حقوق بشر شاهد بوده‌ایم، بنابراین، می‌توان گفت که مقولهٔ نقض حقوق بشر دارد بیش از گذشته با مقولهٔ ثبات و امنیت در هم می‌آمیزد و به جنایات این رژیم و معرفی ماهیت آن صورت گرفته است.

ملاحظه کنید، به‌عنوان نمونه، امروزه همزمان با بحث مربوط به خطرات ناشی از دستیابی رژیم به سلاح اتمی، صحبت از این است که نظام اخوندی به‌خاطر نقض سیستماتیک حقوق بشر بایستی مورد بازخواست قرار گیرد. به بیان دیگر، حتی دست یافتن رژیم به سلاح اتمی وقعی بهتر فهم می‌شود که به ماهیت این رژیم و خصومتها و دستاوردهای جامعهٔ بشری در زمینهٔ حقوق بشر و آزادهایی بنیادی توجه کنیم. در واقع، افشاگرهایی که طی نیم قرن اخیر و به مدد مقاومت ایران علیه جنایات این رژیم و معرفی ماهیت آن صورت گرفته است،

چگونگی تولید برق یا بمب اتمی و مراحل اجرایی آن در ایران

گردآوری از احمد ایرانی

۱-استخراج سنگ اورانیوم از معدن ساغند یزد
۲- تهیه کیک زرد در کارگاه اردکان
۳-فرآوری کیک زرد در کارگاه اصفهان
۴غنی سازی اورانیوم درتأسیسات نطنزبرای راکتور هسته‌یی برق
یا برای تولید بمب اورانیومی
راکتور هسته‌یی برق
تهیه پلوتونیوم
بمب پلوتونیومی
بمب اورانیومی



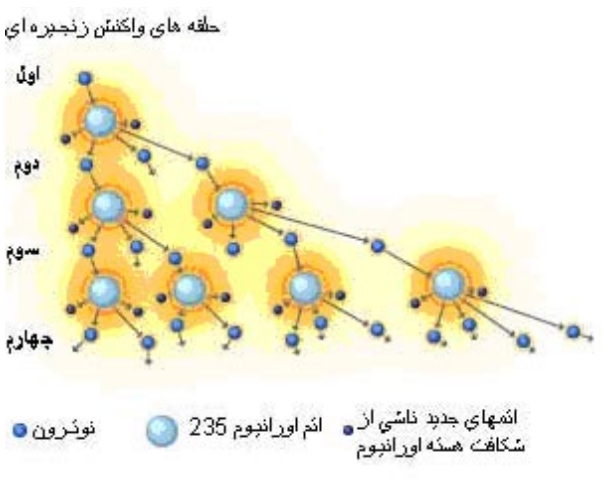
«شکاف هسته‌یی» چه گونه صورت می گیرد؟

اورانیوم که ماده خام اصلی مورد نیاز برای تولید انرژی در برنامه‌های صلح آمیز نظامی هسته‌یی است، از طریق استخراج از معادن زیرزمینی یا سر باز به‌دست می‌آید. اگر چه این عنصر به‌طور طبیعی در سرتاسر جهان یافت می‌شود اما تنها حجم کوچکی از آن به‌صورت متراکم در معادن موجود است.

هنگامی که هسته اتم اورانیوم در یک واکنش زنجیره‌یی شکافته شود مقداری انرژی آزاد خواهد شد.

برای شکافت هسته اتم اورانیوم، یک نوترون به هسته آن شلیک می‌شود و در نتیجه این فرایند، اتم مذکور به دو اتم کوچکتر تجزیه شده و تعدادی نوترون جدید نیز آزاد می‌شود که هر کدام به نوبه خود می‌توانند هسته‌های جدیدی را در یک فرایند زنجیره‌یی تجزیه کنند.

واکنش زنجیره‌یی شکاف هسته



مجموع جرم اتمهای کوچکتری که از تجزیه اتم اورانیوم به‌دست می‌آید از کل جرم اولیه این اتم کمتر است و این بدان معناست که مقداری از جرم اولیه که ظاهراً ناپدید شده در واقع به انرژی تبدیل شده است، و این انرژی با استفاده از رابطه E=MC۲ یعنی رابطه جرم و انرژی که آلبرت اینشتین نخستین‌بار آن‌را کشف کرد قابل محاسبه است.

اورانیوم به صورت دو ایزوتوپ مختلف در طبیعت یافت می‌شود. یعنی اورانیوم U۲۳۵ یا U۲۳۸ که هر دو دارای تعداد پروتون یکسانی بوده و تنها تفاوتشان در سه نوترون اضافه‌یی است که در هسته U۲۳۸ وجود دارد. اعداد ۲۳۵ و ۲۳۸ بیانگر مجموع تعداد پروتونها و نوترونها در هسته هر کدام از این دو ایزوتوپ است.

برای به‌دست آوردن بالاترین بازدهی در فرایند زنجیره‌یی شکافت هسته باید از اورانیوم ۲۳۵ استفاده کرد که هسته آن به سادگی شکافته می‌شود. هنگامی‌که این نوع اورانیوم به اتمهای کوچکتر تجزیه می‌شود علاوه بر آزاد شدن مقداری انرژی حرارتی دو یا سه نوترون جدید نیز رها می‌شود که در صورت برخورد با اتمهای جدید اورانیوم بازهم انرژی حرارتی بیشتر و نوترونهای جدید آزاد می‌شود.

اما به‌دلیل «نیمه عمر» کوتاه اورانیوم ۲۳۵ و فروپاشی سریع آن، این ایزوتوپ در طبیعت بسیار نادر است به‌طوری که از هر ۱۰۰۰ اتم اورانیوم موجود در طبیعت تنها هفت اتم از نوع U۲۳۵ بوده و مابقی از نوع سنگینتر U۲۳۸ است.

تهیه کیک زرد در کارگاه اردکان

سنگ معدن اورانیوم بعد از استخراج از معدن ساغند یزد، درکارگاههای نزدیک شهر اردکان آسیاب شده و به گردی نرم تبدیل می‌شود. گرد به‌دست آمده سپس در یک فرایند شیمیایی به ماده جامد زرد رنگی تبدیل می‌شود که به کیک زرد موسوم است. کیک زرد دارای خاصیت رادیو اکتیوته است و ۶۰ تا ۷۰درصد آن‌را اورانیوم تشکیل می‌دهد.

فرآوری کیک زرد در کارخانه اصفهان

برای دستیابی هرچه بیشتر به ایزوتوپ نادر U۲۳۵ که در تولید انرژی هسته‌یی نقشی کلیدی دارد، از روشی موسوم به غنی‌سازی استفاده می‌کنند. برای این کار، ابتدا کیک زرد را طی فرایندی شیمیایی به ماده جامدی به نام هگزافلورنوراید اورانیوم تبدیل می‌کنند که بعد از حرارت داده شدن در دمای حدود ۶۴ درجه سانتیگراد به گاز تبدیل می‌شود.

«مروری بر تحولات هسته‌یی ایران از ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۷» به روایت کارگزاررژیم در «مرکزاسناد انقلاب»

خبرگزاری رژیم – فارس، ۲۳ فروردین ۸۵:

در ادامه بررسی سیر تحولات هسته‌یی ایران در دوران محمدرضا شاه، در این مقاله به بررسی روند تحولات هسته‌یی ایران بعد از انقلاب، خصوصاً در دوره جنگ تحمیلی و دوره ریاست جمهوری هاشمی‌رفسنجانی پرداخته است. که ذیلا از نظر تان می‌گذرد:

مقدمه

با پیروزی انقلاب و آغاز جنگ، فعالیتهای هسته‌یی ایران به‌رغم دمه قبل از آن که سیری صعودی طی می‌کرد و توجه خاصی به آن مبذول می‌شد، در ابتدا دچار رکود شد و بسیاری از طرح‌های هسته‌یی متوقف شدند و، سیر نزولی فعالیتهای هسته‌یی ایران را تشدید نمود.

در این راستا تا وقوع انقلاب در فوریه ۱۹۷۹ (بهمن ۱۳۵۷)، راکتور شماره یک بوشهر به میزان ۸۵ درصد و احداث رآکتور شماره دو نیز ۶۵ درصد پیشرفت فیزیکی داشتند، اما با پیروزی انقلاب، دولت موقت، عملیات ساختن نیروگاه بوشهر، به عنوان بزرگترین پروژه اجرایی هسته‌یی خاورمیانه در زمان خود را متوقف ساخت و بسیاری از برنامه‌های هسته‌یی دیگر نیز به تعطیلی کشانده شد(۱)

فسخ قرارداد بزرگ ۲ میلیارد دلاری تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم (یورودیف) فرانسه، که منجر به پرداخت خسارت ۹۰۰ میلیون فرانکی از سوی ایران



کیک زرد دارای خاصیت رادیو اکتیوته است و ۶۰ تا ۷۰ درصد آن‌را اورانیوم تشکیل می‌دهد

هگزافلورنوراید اورانیوم که در صنعت با نام ساده هگزر شناخته می‌شود ماده شیمیایی خورنده ایست که باید آن‌را با احتیاط نگهداری و جابه‌جا کرد. به همین دلیل پمپها و لوله‌هایی که برای انتقال این گاز در تأسیسات فراوری اورانیوم به کار می‌روند باید از آلومینیوم و آلیاژهای نیکل ساخته شوند. هم‌چنین به منظور پیشگیری از هر گونه واکنش شیمیایی بر گشت‌ناپذیر باید این گاز را دور از معرض روغن و مواد چرب کننده دیگر نگهداری کرد.

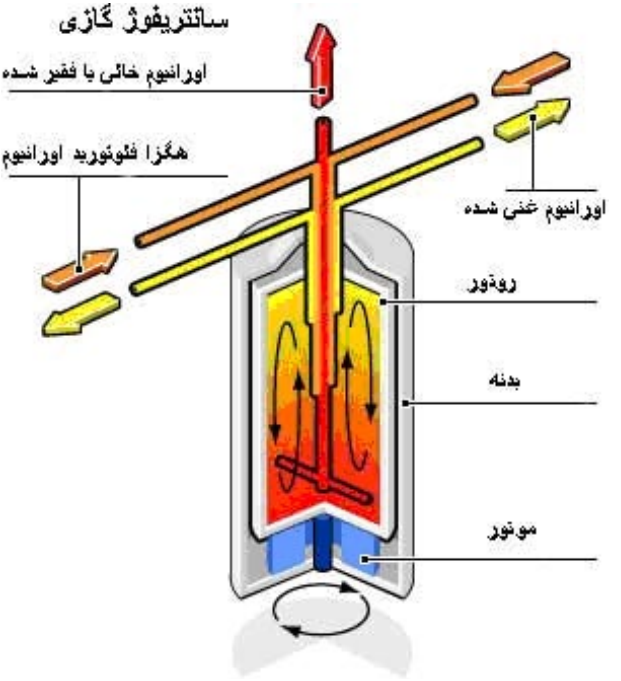
غنی‌سازی اورانیوم در تأسیسات نطنز

هدف از غنی‌سازی تولید اورانیومی‌است‌که دارای درصد بالای از ایزوتوپ U۲۳۵ باشد.

اورانیوم مورد استفاده در راکتورهای اتمی‌باید به حدی غنی شود که حاوی ۲ تا ۳درصد اورانیوم ۲۳۵ باشد، در حالی که اورانیومی که در ساخت بمب اتمی‌به کار می‌رود حداقل باید حاوی ۹۰درصد اورانیوم ۲۳۵ باشد.

یکی از روشهای معمول غنی‌سازی استفاده از دستگاههای سانتریفوژ گاز است. که از آن در تأسیسات نطنز استفاده می‌شود. (یادآور می‌شود که باشیوه لیزری نیز درایران به غنی‌سازی اورانیوم می‌پردازند)

سانتریفوژ از اتاقکی سیلندری شکل تشکیل شده که با سرعت بسیار زیاد (حدود ۶۴ هزار دور درهر دقیقه) حول محور خود می‌چرخد. هنگامی‌که گاز هگزا فلورنرید اورانیوم به داخل این سیلندر دمیده شود نیروی گریز از مرکز ناشی از چرخش آن باعث می‌شود که مولکولهای سبکتری که حاوی اورانیوم ۲۳۵ است در مرکز سیلندر متمر کز شوند و مولکولهای سنگینتری که حاوی اورانیوم ۲۳۸ هستند در پایین سیلندر انباشته شوند.



اورانیوم ۲۳۵ غنی شده‌یی که از این طریق به‌دست می‌آید سپس به داخل سانتریفوژ دیگری دمیده می‌شود تا درجه خلوص آن باز هم بالاتر رود. این عمل بارها و بارها توسط سانتریفوژهای متعددی که به‌طور سری به یکدیگر متصل می‌شوند تکرار می‌شود تا جایی که اورانیوم ۲۳۵ در درصد خلوص مورد نیاز به‌دست آید.بنا به اظهارمعاون سازمان انرژی اتمی ایران، تأسیسات زیر زمینی نطنز (که درعقم ۳۵متری زمین ایجاد شده) به وسعتی ساخته شده که ۵۴هزاردستگاه سانتریفوژ درآن نصب شود و به‌کارافتد. به گفته همین منبع ۳۰۰۰ دستگاه ازاین تعداد سانتریفوژ ها تا دی ماه سال ۸۵ نصب خواهد شد[.

آن‌چه که پس از جداسازی اورانیوم ۲۳۵ باقی می‌ماند به نام اورانیوم خالی یا فقیر شده شناخته می‌شود که اساساً از اورانیوم ۲۳۸ تشکیل یافته است. اورانیوم خالی فلز بسیار سنگینی است که اندکی خاصیت رادیو اکتیوته دارد و از آن برای ساخت گلوله‌های توپ ضد زره پوش و اجزای برخی جنگک افزارهای دیگر از جمله منعکس کننده نوترونی در بمب اتمی استفاده می‌شود.

یک شیوه دیگر غنی‌سازی روشی موسوم به دیفیوژن با روش انتشاری است.

دراین روش گاز هگزافلورنوراید اورانیوم به داخل ستونهایی که جدار آنها از اجسام متخلخل تشکیل شده دمیده می‌شود. سوراخهای موجود در جسم

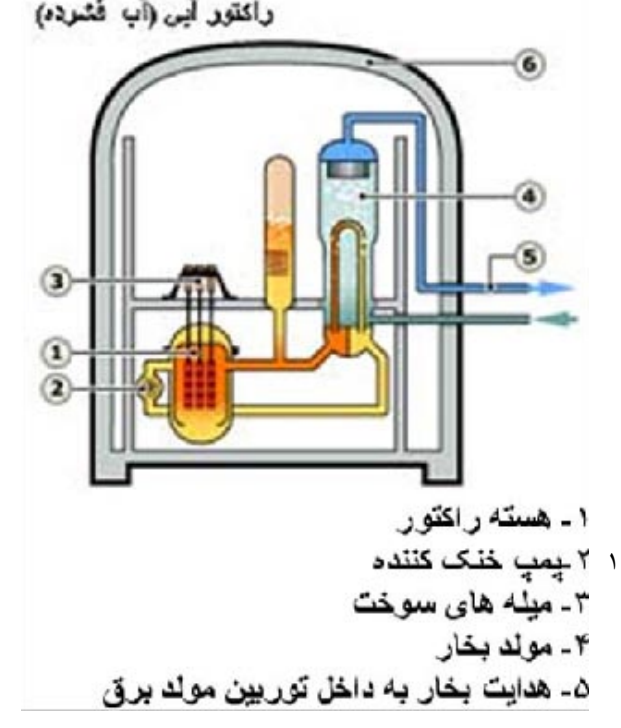
متخلخل باید قدری از قطر مولکول هگزافلورنوراید اورانیوم بزرگتر باشد. در نتیجه این کار مولکولهای سبکتر حاوی اورانیوم ۲۳۵ با سرعت بیشتری در این ستونها منتشر شده و تفکیک می‌شوند. این روش غنی‌سازی نیز باید مانند روش سانتریفوژ بارها و بارها تکرار شود.

اطلاعات کلی در مورد راکتور هسته‌یی

راکتور هسته‌یی وسیله‌یست که در آن فرایند شکافت هسته‌یی به‌صورت کنترل شده انجام می‌گیرد. انرژی حرارتی به‌دست آمده از این طریق را می‌توان برای بخار کردن آب و به گردش درآوردن توربینهای بخار و ژنراتورهای الکتریکی مورد استفاده قرار داد.

اورانیوم غنی شده، معمولاً به صورت قرصهایی که سطح مقطعشان به اندازه یک سکه معمولی و ضخامتشان در حدود دو و نیم سانتیمتر است در راکتورها به مصرف می‌رسند. این قرصها روی هم قرار داده شده و میله‌هایی را تشکیل می‌دهند که به میله سوخت موسوم است. میله‌های سوخت سپس در بسته‌های چندتایی دسته‌بندی شده و تحت فشار و در محیطی عایق‌بندی شده نگهداری می‌شوند.

در بسیاری از نیروگاهها برای جلوگیری از گرم شدن بسته‌های سوخت در داخل راکتور، این بسته‌ها را داخل آب سرد فرو می‌برند. در نیروگاههای دیگر برای خنک نگه داشتن هسته راکتور، یعنی جایی که فرایند شکافت هسته‌یی در آن رخ می‌دهد، از فلز مایع (سدیم) یا گاز دی اکسید کربن استفاده می‌شود.



برای تولید انرژی گرمائی از طریق فرایند شکافت هسته‌یی، اورانیومی که در هسته راکتور قرار داده می‌شود باید از جرم بحرانی بیشتر (فوق بحرانی) باشد. یعنی اورانیوم مورد استفاده باید به حدی غنی‌شده باشد که امکان آغاز یک واکنش زنجیره‌یی مداوم وجود داشته باشد.

برای تنظیم و کنترل فرایند شکافت هسته‌یی در یک راکتور از میله‌های کنترلی که معمولاً از جنس کادمیوم است استفاده می‌شود. این میله‌ها جهت تولید نوترونهای آزاد در داخل راکتور از تسریع واکنشهای زنجیره‌یی جلوگیری می‌کند. زیرا با کاهش تعداد نوترونها، تعداد واکنشهای زنجیره‌یی نیز کاهش می‌یابد.

حدوداً ۴۰۰ نیروگاه هسته‌یی در سرتاسر جهان فعال هستند که تقریباً ۱۷ درصد کل برق مصرفی در جهان را تأمین می‌کنند. از جمله کاربردهای دیگر راکتورهای هسته‌یی، تولید نیروی محرکه لازم برای جابه‌جایی ناوها و زیردریایهای اتمی‌است.

تهیه پلوتونیوم برای تولید بمب

درایران می‌توانند به دو صورت پلوتونیوم تهیه کنند:۱- از راکتور اتمی آب سنگین اراک و هر راکتور مشابهی که داشته باشند و یا ایجاد کنند. ۲- ازطریق باز فرآوری سوخت هسته‌یی مصرف شده در راکتورهای معمولی

نظیر راکتور بوشهر
برای بازیافت اورانیوم از سوخت هسته‌یی مصرف شده در راکتور از عملیات شیمیایی موسوم به بازفرآوری استفاده می‌شود. در این عملیات، ابتدا پوسته فلزی میله‌های سوخت مصرف شده را جدا می‌سازند و سپس آنها را در داخل اسید نیتریک داغ حل می‌کنند.

در نتیجه این عملیات، ۱/ پلوتونیوم، ۳/ مواد زائد به شدت رادیو اکتیو و ۹۶٪ اورانیوم به‌دست می‌آید که دوباره می‌توان آن‌را در راکتور به مصرف رساند.

راکتورهای نظامی این کار را به‌طور بسیار مؤثرتری انجام می‌دهند. راکتور و تأسیسات بازفرآوری مورد نیاز برای تولید پلوتونیوم را می‌توان به‌طور پنهانی در داخل ساختمانهای معمولی جاسازی کرد. به همین دلیل، تولید پلوتونیوم به این طریق، برای هر کشوری که بخواهد به‌طور مخفیانه تسلیحات اتمی تولید کند گزینه جذابی خواهد بود.

ساخت بمب پلوتونیومی

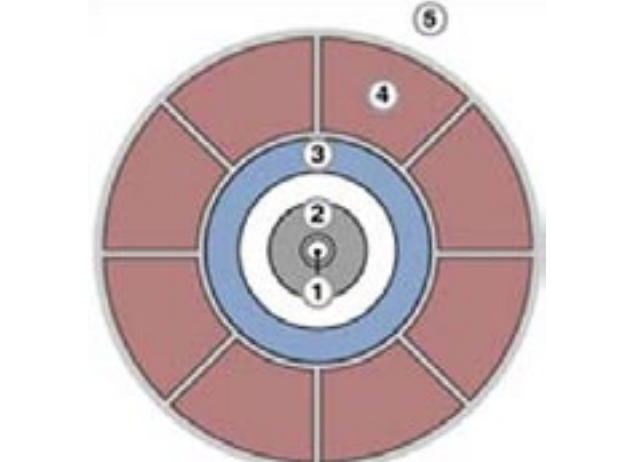
استفاده از پلوتونیوم به جای اورانیوم در ساخت بمب اتمی مزایای بسیاری دارد. تنها چهار کیلو گرم پلوتونیوم برای ساخت بمب اتمی با قدرت انفجار



شمارهٔ۷۹۶ – دوشنبه ۲۸فروردین۱۳۸۵

۲۰کیلو تن کافی است. در عین حال با تأسیسات بازفرآوری نسبتاً کوچکی می‌توان چیزی حدود ۱۲ کیلو گرم پلوتونیوم در سال تولید کرد.

بمب پلوتونیومی



۱- منبع یا مولد نوترونی

۲- هسته پلوتولیومی

۳- پوسته منعکس کننده (بریلوم)

۴- ماده منفجره پر قدرت

۵- چاشنی انفجاری

کلاهک هسته‌یی شامل گوی پلوتونیومی‌است که اطراف آن‌را پوسته‌یی موسوم به منعکس کننده نوترونی فرا گرفته است. این پوسته که معمولاً از ترکیب بریلوم و پلونیوم ساخته می‌شود، نوترونهای آزادی را که از فرایند شکافت هسته‌یی به بیرون می‌گریزند، به داخل این فرایند بازمی‌تاباند.

استفاده از منعکس کننده نوترونی عملاً جرم بحرانی را کاهش می‌دهد و باعث می‌شود که برای ایجاد واکنش زنجیره‌یی مداوم به پلوتونیوم کمتری نیاز باشد.

برای کشور یا گروه تروریستی که بخواهد بمب اتمی‌سازد، تولید پلوتونیوم با کمک راکتورهای هسته‌یی غیر نظامی از تهیه اورانیوم غنی شده آسانتر خواهد بود. کارشناسان معتقدند که دانش و فناوری لازم برای طراحی و ساخت یک بمب پلوتونیومی‌ایندایی، از دانش و فناوری که حمله کنندگان با گاز اعصاب به شبکه متروی توکیو در سال ۱۹۹۵ در اختیار داشتند پیشرفته‌تر نیست.

چنین بمب پلوتونیومی‌می‌تواند با قدرتی معادل ۱۰۰ تن تی ان تی منفجر شود، یعنی ۲۰متر به قوتیر از قدرتمندترین بمب‌گذاری تروریستی که تا کنون در جهان رخ داده است.

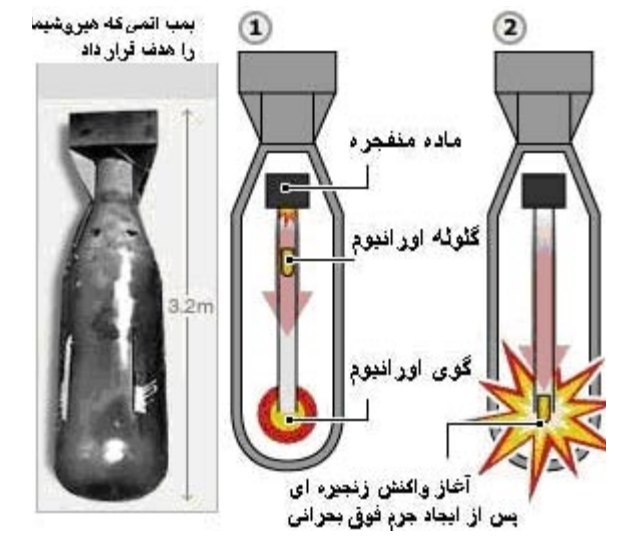
بمب اتمی اورانیومی

هدف طراحان بمبهای اتمی‌ایجاد یک جرم فوق بحرانی (از اورانیوم یا پلوتونیوم) است که بتواند طی یک واکنش زنجیره‌یی مداوم و کنترل نشده، مقادیر متناهی انرژی حرارتی آزاد کند.

یکی از ساده‌ترین شیوه‌های ساخت بمب اتمی استفاده از طرحی موسوم به «فتک» است که در آن گلوله کوچکی از اورانیوم که از جرم بحرانی کمتر بوده به سمت جرم بزرگتری از اورانیوم شلیک می‌شود به گونه‌یی که در اثر برخورد این دو قطعه، جرم کلی فوق بحرانی شده و باعث آغاز واکنش زنجیره‌یی و انفجار هسته‌یی می‌شود.

کل این فرایند در کسر کوچکی از ثانیه رخ می‌دهد.

جهت تولید سوخت مورد نیاز بمب اتمی، هگزا فلورنرید اورانیوم غنی شده را ابتدا به اکسید اورانیوم و سپس به شمش فلزی اورانیوم تبدیل می‌کنند. انجام این کار از طریق فرایندهای شیمیایی امکان پذیر است.



قدرت انفجار یک بمب اتمی معمولی حداکثر ۵۰ کیلو تن است، اما با کمک روش خاصی که متکی بر مهار خصوصیات جوش یا گداز هسته‌یی است می‌توان قدرت بمب را افزایش داد. در فرایند گداز هسته‌یی، هسته‌های ایزوتوپهای هیدروژن به یکدیگر جوش خورده و هسته اتمیوم را ایجاد می‌کنند. این فرایند هنگامی رخ می‌دهد که هسته‌های اتمهای هیدروژن در معرض گرما و فشار شدید قرار بگیرند. انفجار بمب اتمی گرما و فشار شدید مورد نیاز برای آغاز این فرایند را فراهم می‌کند. طی فرایند گداز هسته‌یی نوترونهای بیشتری رها می‌شوند که با تغذیه واکنش زنجیره‌یی، انفجار شدیدتری را به‌دنبال می‌آورند. این گونه بمبهای اتمی تقویت شده به بمبهای هیدروژنی یا بمبهای اتمی حرارتی موسومند.

اعضای باشگاه هسته‌یی

روزنامه شرق ۲۲فروردین۸۵، شرق باشگاه هسته‌یی اصطلاحی است که برای کشورهای دارای توانایی ساخت و تولید سلاح هسته‌یی به کار می‌رود. در جدول نام کشورهای عضو باشگاه هسته‌یی و تعداد بمب هسته‌یی آنها ذکر شده است. البته گفتنی است علاوه بر این ۹ کشور، کشورهای هم‌چون آرژانتین، استرالیا، برزیل، مصر، آلمان، عراق، ژاپن و... در سالهای قبل طرح‌هایی را به منظور ساخت سلاحهای هسته‌یی به اجرا گذاشته بودند و به موفقیتایی هم دست یافتند، اما هم اکنون دارای سلاح هسته‌یی نیستند و طرحی برای ادامه فعالیتهای هسته‌یی خود ندارند. همه این کشورها معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌یی را امضا کردند. با این همه به نظر می‌رسد کشورهای پیشرفته صنعتی هم‌چون کانادا، آلمان، ژاپن، ایتالیا و... توانسته‌اند به فناوری ساخت و تولید سلاح هسته‌یی دست یابند و به‌رغم آن‌که در حال حاضر دارای هیچ گونه سلاحی نیستند، اما در صورتی که لازم باشد و تصمیم به تولید سلاح بگیرند، می‌توانند در مدت زمان کوتاهی (از چند هفته و چند ماه تا یک سال) چند سلاح هسته‌یی قابل استفاده تولید کنند.

کشور	تعداد بمب	تاریخ اولین آزمایش هسته‌یی	تعداد آزمایش هسته‌یی
۱- آمریکا	حداقل ۱۰ هزار بمب	۱۹۴۵	۱۰-۲۰
۲- روسیه	بین ۱۶ هزار	۱۹۴۹	۷۱۵
۳- فرانسه	۴۰۰	۱۹۶۶	۲۵
۴- انگلستان	۲۵۰	۱۹۵۲	۱۱۰
۵- چین	۸۰۰	۱۹۶۵	۲۲
۶- هند	توان تولید ۱۰۰-۱۵۰	۱۹۷۴	-
۷- پاکستان	۱۱۰-۱۵۰	۱۹۹۷	-
۸- پاکستان	۱۱۰-۱۵۰	۱۹۹۸	-
۹- کره شمالی	۱۰-۲۰	-	-
۱۰- ایران	-	-	-

بقیه در صفحه ۷

فضای حاکم بر پرونده اتمی «پاسداران» را دریابیم! (۱)

یزدان حاج حمزه

«رئیس‌جمهور» حکومت ولایت فقیهی ایران، روز ۲۲ فروردین ۸۵ در یک مراسم نمایشی خطاب به جهانی که منتظر پاسخ این حکومت به «شورای امنیت» است اعلام کرد: ۱- «چرخه تولید سوخت هسته‌یی در مقیاس آزمایشی و با غایِ مورد نیاز در خاکِ ایران تکمیل شد و جمهوری اسلامی‌ایران به کشورهای هسته‌یی جهان پیوست. ۲- «من دستور داده‌ام غنی‌سازی اورانیوم در مقیاس صنعتی هرچه سریعتر آغاز شود». ۳- به صورت «برگشت ناپذیر» این کار را ادامه خواهیم داد.

با این حرکت هم «شورای امنیت» جواب خود را از رژیم گرفت، هم «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» و هم کشورهای هم‌چون روسیه که تقلا می‌کردند با قبولاندن تعلیق کار غنی‌سازی اورانیوم در ایران، رژیم را از مختصه درآورند! کارگزاران رژیم اعلام و تبلیغ این چنینی «پیوستن» خود به «کشورهای هسته‌یی جهان» را لازمه به هم زدن تعادل قوای موجود و به رخ کشیدن افزایش قدرت خود تلقی می‌کنند و می‌گویند: «از این پس از موضع یک کشور هسته‌یی با همه قدرتها صحبت می‌کنیم» (احمدی‌نژاد ۲۴ فروردین در مشهد)، یکی ازمنابع دیپلماتیک رژیم برآنست که «این اعلام ایران، ضعف و شکاف را در شورای امنیت تشدید می‌کند، غرب می‌داند کشوری را که به این فناوری دست یابد، نمی‌توان وادار به توقف فعالیتها کرد.

بر هند و پاکستان نیز در آغاز راه دستیابی به فناوری هسته‌یی، تحریمهای زیادی اعمال شد اما بالاخره همه جهان پذیرفت که باید این تحریمها رفع شود و با آنها تعامل کنند. از این پس آمریکا و اروپا مجبور به تعامل با ایران هستند» (خبرگزاری فارس ۲۳ فروردین ۸۵).

این که خطابه‌های خارجی، که شاهد و نگران مجبزشدن «خطرناکترین حکومت تروریستی جهان» به «خطرناکترین ابزار تروریستی جهان» هستند، در مقابل این جواب سربالایی رژیم چه واکنش عملی نشان خواهند داد، البته سؤال مهمی‌است که ذهن را به خود مشغول می‌کند. اما تا آن‌جا که به ما ایرانیان برمی‌گردد، سؤال مهمتر از آن این است که در این دعوای تعیین کننده، با رژیمی که کار ماجراجویی اتمی‌خود را به این‌جا رسانده و می‌خواهد، به هر قیمت، ولو به قیمت تحریم و جنگ، آن‌را به پیش برد چیه می‌توانیم بکنیم و چه باید بکنیم؟ پرداختن به پاسخ این سؤال اساسی، ایجاب می‌کند که ابتدا با سه موضوع دراین رابطه تعیین تکلیف کنیم:

۱- به دور از هر نوع پیشداوری، ادعای پایه‌یی رژیم مبنی بر ضرورت تولید برق در راکتور اتمی در ایران و غنی‌سازی اورانیوم برای سوخت این راکتورها را، یکبار دیگر مورد بازبینی منطقی

قرار دهیم و مطمئن شویم که این ادعا بی‌پایه و پوچ است.

۲- با توجه به هدف سیاسی رژیم ازپیگیری این ماجرا، که همانا رسیدن به تعادل سیاسی جدید با غرب است، در نظر بگیریم که شکست رژیم در این ماجرا، برای ما چه سود کلانی دارد و خدای نا کرده کامیابی او برای ما چه زیان کلانی می‌تواند به بار آورد؟

۳- ما ایرانیها درشکست رژیم تا چه حد می‌توانیم نقش سازنده داشته باشیم؟

چرا در ایران نه تولید برق با راکتور اتمی توجیه اقتصادی دارد و نه تولید سوخت اتمی؟

رئیس سازمان انرژی اتمی‌رژیم در مراسم مذکور بار دیگر اعلام کرد «ما برای دستیابی به ۲۰هزار مگاوات انرژی برق در نیروگاههای اتمی، برنامه‌ریزی کرده‌ایم». با این دستاویز ایجاد مخفیانه تأسیسات مربوط به «چرخه» تولید سوخت اتمی در اردکان، اصفهان، نظنر را توجیه می‌کنند و می‌گویند با این تأسیسات می‌خواهیم سوخت مورد نیاز نیروگاههای برق اتمی‌خود را در ایران تولید کنیم، اما واقعیتهای اقتصادی وقتی زیر این ادعا را نفی می‌کنند.

الف -وجود جایگزین اقتصادی برای تأمین برق مصرفی ایران

افزایش ظرفیت تولید برق ایران از طریق ایجاد نیروگاههای اتمی، در شرایطی دستاویز بازی خطرناک اتمی حکومت پاسداران و آخوندها شده که اولاً بخش عظیمی‌از برق تولیدی کشور در مصرف صنعتی و خانگی برق تلف می‌شود، جلوگیری از این اتلاف ملی امکان پذیراست و می‌توان از آن برای جوابگویی به بخشی از افزایش مصرف استفاده کرد و ثانیاً برای برق، افزایش منطقی و اقتصادی ظرفیت تولید برق، بدون افزایش مصرف سوخت، در ایران راههای سالمتر، کم هزینه‌تر و بی‌درست‌تری از تولید برق درنیروگاههای اتمی‌در دسترس است. در زیر به این واقعیتها اشاره می‌شود:

۱- صرفه جویی در مصرف برق

صرف نظر از اتلاف غیرعادی برق تولیدی ایران در خطوط انتقال و ترانسفورماتورها، مصرف صنعتی و خانگی برق در ایران کنونی نیز با اتلاف شدید و قابل پیشگیری همراه است. «انرژی مصرفی برای تولید یک قطعه صنعتی در ایران ۱۰۰برابر ژاين است». این واقعیت تلخ را رئیس «آژانس همکاری بین‌المللی ژاين» در کنفرانسی پس از آن که وضع مصرف برق در تولید صنعتی ایران را بررسی کرد، به زیان آورده و خبرگزاری ایسنا روز ۱۷ اسفند۸۴ آن‌را نقل کرده است. تولید در ایران فروخت که در سال ۱۹۸۷در راکتور کوچک مکز تحقیقات هسته‌یی امیرآبادمورد استفاده قرار گرفت. یک گروه از شرکت آلمانی (CENA) نیز در اواخر ۱۹۸۷ و اوایل ۱۹۸۸ (۱۳۶۶)، از ایران دیدن کرد و به نظر می‌رسید برای فروش فناوری ضروری برای راندانازی و فعالیتهای راکتور مزبور و ارائه اورانیوم غنی‌شده به میزان ۲۰ درصد به‌عنوان جایگزینی برای مواد غنی‌شده سطح بالای آمریکا و نیز احتمالاً اورانیوم غنی‌شده و فناوری عمل‌آوری مجدد پلوتونیوم موافقت ایران را کسب کرده باشد.

به‌رحال بعد از تغییرات در دولت آرژانتین تمایل این کشور برای حمایت از گسترش سلاجهای هسته‌یی بسیار کاهش یافت. دولت آرژانتین در فوریه ۱۹۹۲ (۱۳۷۱)، اعلام کرد که به دلیل عدم امضای موافقتنامه حفاظتهای هسته‌یی اقدام به لغو قرارداد فروش فناوری هسته‌یی به ارزش ۱۱ میلیون دلار به ایران نموده‌است. منابع معتبراتی آرژانتین به‌رحال مطرح کرده‌اند که آرژانتین همکاری هسته‌یی خود با ایران را به علت فشارهای آمریکای قطع نموده‌است.

انصراف آلمان و عدم قبول سایر دول غربی در همکاری با ایران باعث شد، جمهوری اسلامی‌ایران وارد راینزی با روسها در سال ۱۹۹۸ (۱۳۷۸) شود که در نهایت در دی ماه ۱۳۷۳ منجر به انعقاد قراردادنسکین ۸۰۰میلیون دلاری با روسیه شد، (اگرچه روسها به‌دلیل فشارهای آمریکائییز در سال ۱۳۷۷ به‌طور جدی نتوانستند برنامه‌های خود را عملی‌انند).

یک نشریه اسپانیایی در فوریه ۱۹۹۰ (۱۳۶۸)، گزارش داد که شرکتهای زنجیره‌یی اسپانیا برای تکمیل دو مجتمع نیروی هسته‌یی ایران در بوشهر در حال مذاکره هستند. یک شرکت اسپانیایی دیگر موسوم به ENUSA (شرکتهای اورانیوم ملی) به ایران سوخت غرضه می‌کرد که با شرکت کرافتورک یونیون (Kraftwerk Union) نیز در این زمینه همکاری داشته‌است (۳).

صنایع ایران به مادرید سفر کرد تا با مدیر شرکتهای زنجیره‌یی فوق به‌نام «آدولفو گارسیا رودریگوئز» مذاکره کند. ایران هم‌چنین با اسپانیا برای تعمیر و تکمیل راکتورهایی که شاه ساخت آنها را در بوشهر آغاز کرده بود و نیز با شرکت (Kraftwerke Union) و شرکت CENA) در آلمان در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ (۱۳۶۵)، یک موافقتنامه همکاری هسته‌یی منعقد کرد. ایران تلاش کرد تا قطعات راکتور را در شرکت زیمنس در آلمان و شرکت (Skoda) در چکسلواکی وارد کند.

هیچ‌یک از این تلاشها مشکلات ایران در زمینه بازسازی برنامه راکتوری را رفع نکرد اما به‌رحال این تلاشها حاکی از عزم توجیه ایران به این امور است. در این زمان ایران تصمیم گرفت کارخانه تولید «یک زرد» را در اردکان بزد در سال ۱۳۷۱ تأسیس نماید و راکتور ۵مگاواتی امیرآباد را که از اواخر دهه ۱۹۶۰ غنی مجدداً بطراحی نماید و از سوخت (U۳۰۸۸) غنی

کارخانه‌های ذوب فلز، شیشه‌سازی، کارخانه‌های قند و نساجی ایران با اتلاف شدید انرژی برق همراه است. علاوه بر مصرف صنعتی مصرف خانگی برق نیز با اتلاف شدید همراه است. وسایل تولید شده برقی در ایران بیش از حد متعارف برق مصرف می‌کنند و میلیونها وسیله خانگی برقی نظیر یخچال که در ایران تحت حاکمیت پاسداران با تکنولوژی قدیمی هستند که می‌توان جلو آن را عوامل اتلاف انرژی هستند که می‌توان جلو آن را گرفت. بخش دیگری ازانرژی برق ایران در جریان گرمایش ساختمانهای مسکونی تلف می‌شود که فاقد عایق‌بندی حرارتی هستند.

۲- افزایش ظرفیت تولید برق

– افزایش ظرفیت از طریق نوسازی نیروگاههای قدیمی مطابق آماری که شرکت «توانیر» وابسته به وزارت نیرومنتشر کرده در آغاز سال ۸۴، قدرت نصب شده در ۲۷۵ نیروگاه موجود کشور ۳۷۳۰۰ مگا وات بوده است. (با هر مگاوات نیروی برق می‌توان یک کیلووات برق دراختیار ۱۰۰۰خانواده ایرانی قرارداد تا امکان آن را داشته باشد. به طور هم‌زمان معادل مصرف ۱۰۰ واحد لامپ ۱۰۰ واتی و درجمع معادل ۱۰هزار لامپ ۱۰۰واتی، برق مصرف کنند). مطابق همین گزارش ۷۷درصد از نیرو تولیدی برق ایران (۲۴۹۴۵ مگاوات) در نیروگاههایی متمرکز شده که با توربین بخار و یا توربین گازکامی‌کنند. راندمان و بازده کار توربینهای گازی و یا بخاری حداکشت۳۷/۵ درصد است (یعنی از مصرف یک مترمکعب گاز در این نوع نیروگاه حداکثر می‌توان ۳۷/۵ کیلووات ساعت انرژی برق گرفت) با توجه به آن‌که گرمینی از این توربینها بین ۱۶ تا ۴۷ سال است، در حال حاضر بازدهی کمتر از رقم فوق‌الذکر دارند. حال آن‌که راندمان کار نیروگاههای جدید گازی-بخاری (سیکل ترکیبی) به حدود ۵۵درصد می‌رسد (از مصرف یک مترمکعب گاز دراین نوع نیروگاه می‌توان ۵/۵ کیلووات ساعت یعنی حدود ۵۵درصد بیشتر از نیروگاههای قدیمی برق تولید کرد). با این حساب اگر نیروگاههای بخاری و گازی موجود را که اغلب آنها مستهلک شده‌اند به نیروگاههای مدرن سیکل ترکیبی تبدیل کنند، می‌توانند بدون آن‌که مصرف سوخت در نیروگاههای کشور بالا برود، ظرفیت برق دهی آنها را دست کم ۱۲/۵ هزار مگاوات (معادل ظرفیت ۱۵نیروگاه اتمی درحد نیروگاه بوشهر) افزایش دهند. (برخی منابع برآورد می‌کنند که این نوسازی با ۱میلیارد دلار سرمایه‌گذاری امکان پذیر است).

–افزایش ظرفیت تولید برق ایران با استفاده از انرژیهای طبیعی

در خاک پهناور ایران انرژیهای طبیعی فراوان،

سالم وپایان‌ناپذیری وجود دارد که می‌توان آنها را به انرژی برق تبدیل کرد و مورد استفاده قرارداد. باد، آفتاب، امواج دریا، انرژی حرارتی اعماق زمین، ازجمله این انرژیها هستند. هم اکنون منابع رژیم گزارش می‌دهند که بخش خصوصی ایران برای تولید ۱۰۰۰ مگاوات برق در نیروگاههای بادی منطقه بادخیز منجیل و بینالود قرار نگرفته‌است (خبرگزاری فارس ۲۵ بهمن ۸۴). به نقل از مدیرعامل سازمان انرژیهای نو ایران، تولید این میزان از برق در نیروگاههای ساده و سالم بادی، که سرمایه‌گذار ایرانی داوطلب آن است، معادل میزان برقی است که قرار است در نیروگاه اتمی‌وخطرناک بوشهر تولید شود!

ب- سرمایه گذاری برای تولید برق در نیروگاه اتمی و تولید سوخت اتمی ناموجه است

درباره ناسازگاری فعالیتهای اتمی‌رژیم با منافع ملی ایران(ولو آن که این فعالیتها برای مصارف غیرنظامی‌مثل تولید برق باشد) تا به حال هم استدلال نظری شده و هم اقدامات عملی انجام گرفته‌است. در اوایل انقلاب، موقعی که پاسداران هنوز فضای اختناق را بر کشور حکمفرما نکرده بودند، یک گروه کارشناسی ۳ نفره به بررسی تولید برق در نیروگاه اتمی‌بوشهر و قراردادهای خارجی مربوطه پرداخت و پس از آن‌که بلند پروازی اتمی‌رژیم شاه، با مصالح و منافع ملی در تضاد دیده شد، در دولت موقت این قراردادها لغو شد و ساخت نیروگاه بوشهر تعطیل گردید. حتی پس از جنگ ایران و عراق نیز که پاسداران به صورت مخفی به سراغ فعالیتهای اتمی‌رفتند، در درون رژیم بحث غیر اقتصادی بودن نیروگاه هسته‌یی برق مطرح بوده است. در سال ۱۳۸۲کارشناسان مرکز پژوهش مجلس هفتم به‌خواست این مجلس گزارش محرمانه‌یی را در این باره تهیه کردند که در آن آمده است، نیروگاه اتمی‌برای تولید برق ۲/۴ برابر نیروگاه گازی برای همین منظور سرمایه‌گذاری می‌طلبد و هزینه جاری استفاده از آن حدود ۲/۳ برابر نیروگاههای گازی است. با این اوصاف می‌بینیم اصل مسأله و مبنای فرستادن رژیم، یعنی تولید برق با راکتور اتمی، درایران مشروعیت ملی واقتصادی ندارد. و به تبع آن فرع مسأله، که تولید سوخت اتمی‌برای تأمین سوخت نیروگاههای اتمی‌باشد، نیز نمی‌تواند مشروعیت ملی و اقتصادی داشته باشد. مضافاً بر آن‌که تولید سوخت اتمی، مستقل ازمصرف آن در نیروگاههای اتمی، به خودی خود نیز درایران توجیه اقتصادی ندارد.

فقرايران از نظرسنگا اورانيوم!

کارشناسان رژیم درمرکزپوهش مجلس در پیش از هر زمان دیگر در جستجوی فناوری متمرکز هسته‌یی بوده است. اگر چه بسیاری از تلاشهای ایران هرگز علنی نشده‌اند ولی مقامات کل انگلیس، ۱۱ پیوند فولاد تحت فشار که در جولای ۱۹۹۶(تیرماه ۱۳۷۴) به ایران فرستاده شد و تاوقیفت کرد‌ه‌اند.

بازرسان ای‌تالیایی نیز هشت دستگاه فشار بخار که به‌مقصد ایران ارسال می‌شد و قابلیت استفاده در برنامه نهائی راکتور داشتند را در سال ۱۹۹۳ (۱۳۷۱) توقیف کرده بودند و هم‌چنین هشت دستگاه با فناوری بالا که برای استفاده در آزمایش راکتور مناسب بودند را در بندر (Bari) در ژانویه ۱۹۹۴ (آذرماه ۱۳۷۲) توقیف کردند. هاشمی‌رفسنجانی در ۱۰ سپتامبر ۱۹۹۶ (شهریور ۱۳۷۵)، از یک دیدار کرد و طبق گزارشات موجود مذاکراتی برای خرید یک یا دو راکتور ۳۰ تا ۳۰۰ مگاواتی از چین انجام داد. موافقتنامه اولیه برای خرید یک راکتور مزبور توسط وزیر دفاع ایران در خلال دیدار فوق اعلام شد. جالب این که مورد فوق‌درست درزمانی بود که چین به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌یی پیوست (۶). اما همکاری هسته‌یی بین چین و ایران موجب اعتراض فوری آمریکا به چین شد، لذا ویژگی فروشهای چین به ایران تغییر کرد و بعد از آن تمایلات چین برای فروش لوازم و تجهیزات هسته‌یی به ایران ضمن اثر پذیری از روابط چین- آمریکا دچار نوسان شد.

برخی گزارشات تهیه شده در آمریکا در سپتامبر ۱۹۹۵ (شهریور ۱۳۷۳) مطرح نمود که چین برای توسعه تجهیزات تولید (calutron) در کرچ واقع در ۱۶۰ کیلومتری شمال شرقی تهران به ایران کمک می‌کند و وزارت خارجه آمریکا نیز مطرح کرد که چین در این کمک به ایران برای توسعه تجهیزات (diffusion) واقع در نزدیکی اصفهان در آوریل ۱۹۹۶(فروردین ۱۳۷۴) است. گزارشهای دیگر حاکی از آن بود که چین ممکن است قرارداد خود با ایران در خصوص فروش راکتور را در نوامبر ۱۹۹۶ و اوایل ۱۹۹۷ (۱۳۷۴) تجدید کند و سازمان اطلاعاتی آمریکا (CIA) در همان زمان گزارش داد که ایران خریدهای فراوان و در عین حال ناشخص از چین در خصوص وسایل هسته‌یی داشته‌است. نهایتاً مذاکراتی که چین با آمریکا انجام داد موجب شد چین قول دهد که هیچ نوع مساعدتی به تجهیزات هسته‌یی ایران نخواهد داد که برای اهداف صلح‌آمیز و تجاری مورد استفاده قرار خواهند گرفت. همچنین در سال ۱۳۷۱ ایران قراردادی باچینبرای ساخت تأسیسات یوس‌اف اصفهان به مبلغ ۱۱ میلیون دلار منعقد کرد، با این حساب چین هم مانند سایر کشورها، به‌واسطه فشارهای آمریکا نتوانست به همکاری خود با ایران در زمینه فوق ادامه دهد.

راکتور و تفکیک‌کننده فوق سیستمهای تحقیقی کوچکی بودند وارزش و اثر مستقیم در تولید مواد فسیلی نداشتند. به‌رحال این دو وسیله موجب افزایش دانش ایران در خصوص راکتور و فناوری غنی‌سازی شدند و متخصصین آمریکا معتقدند که چین اطلاعات اضافی در خصوص تفکیک‌شیمیایی و دیگر فناوری‌های غنی‌سازی و نیز طرح تجهیزات مربوط به تبدیل اورانیوم به UF۶ (هگزافلوراید اورانیوم) (که جهت تهیه سوخت راکتور و نیز کمک برای عمل‌آوری کیک زرد (Yellow cake) در اختیار ایران قرار داده‌است. در این تجارت چین سازی اورانیوم و فن‌آوری متمرکز را در دانشگاه صنعتی شریف در تهران به کار گرفت. دانشگاه شریف هم‌چنین وارد عرصه فعالیتهای مربوط به وارد کردن سیلندرهای فلورین (F) که برای عمل‌آوری مواد غنی‌سازی مناسب هستند، شد و از تلاشهای مربوط به وارد کردن مغناطیسهایی تخصصی که می‌توانند برای فعالیتهای متمرکز هسته‌یی مفید باشند، شد.کرد. مغناطیسهایی مزبور در سال ۱۹۹۱ (Thyssen) در آلمان تهیه شد. ویژگیهای واردات ایران به وضوح نشان می‌دهد که ایران استفاده‌قرارگیرد در اختیار ایران قرار ندهد. وزیر خارجه

گزارش محرمانه خود به مجلس هفتم، روی واقعیتی انگشت می‌گذارند که در ایران هرگونه ادعای تولید سوخت اتمی‌برای مصارف اقتصادی را نفی می‌کنند. در این گزارش آمده است که با وجود سرمایه‌گذاری و تلاش پیگیر برای اکتشاف اورانیوم از زمان شاه تا به حال، حتی به اندازه تأمین سوخت اتمی‌نیروگاه بوشهر اورانیوم قابل استحصال در ایران کشف نشده‌است. این واقعیت توسط مراجع بین‌المللی مربوطه نیز مورد تأیید قرار گرفته‌است. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی طبق جدول ضمیمه بر فقر ایران از نظر معادن اورانیوم گواهی می‌دهد. درگزارش «سرویس اطلاع رسانی WISE» به نقل ازگزارش سال ۲۰۰۲ آژانس بین‌المللی انرژی اتمی آمده

پا نویس:

میزان« کیک زرد» معادن اورانیوم درحال بهره برداری و قابل بهره‌برداری دنیا در سال ۲۰۰۴

(به هزار تن)

کشور	هزینه تولید هر مائه تا ۸۰۰ دلار بهرورداری	هزینه تولید هر مائه تا ۱۳۰۰ دلار بهرورداری	هزینه تولید با قابل بهره برداری	مهم هر کشور در کل ذخایر جهان بهرورداری
اسرائیل	۷۱۴	۲۸۷	۷۲۵	۳۳۳
فرانستان	۳۸۵	۲۳۸	۵۳۱	۳۱۷
کانادا	۲۸۷	۸۵	۳۳۵	۹۹
نمیا	۱۳۹	۷۴	۱۷۱	۸۷
افریقای جنوبی	۲۳۲	۷۰	۳۱۵	۸۰
آمریکا	۱۰۲	۴	۳۳۵	۴
برزیل	۸۶	۵۷	۸۶	۵۷
روسیه	۱۲۴	۳۴	۱۴۴	۱۲۱
نجر	۱۰۲	۱۲۶	۱۰۲	۱۲۶
اوپکنستان	۶۲	۲۲	۸۰	۳۹
بقیه کشورها	۲۹۲	۵۶	۳۲۷	۱۶۵
ایران	۰	۰	۰/۹	۰/۵
مجموع در دنیا	۲۵۲۵	۱۰۵۹	۳۱۸۰	۱۶۱۳
دوم با توجه به مصرف کوئی ۶۵- هزار تن	۴۰۴۰	۱۶۰۱۶	۴۰۴۹	۱۰۶۱۰
منبع: سازمان بین‌المللی انرژی هسته‌یی IAEA				

–سنگ معدن اورانیوم پس از آسیاب و تصفیه به پودری موسوم به «کیک زرد» تبدیل می‌شود. در معدن ساغد بزد که بزرگترین معدن اورانیوم در ایران می‌باشد، حدود ۱٫۵ میلیون تن سنگ معدن اورانیوم یافته‌شده که درجه خلوص آن ۵۵۳ گرم در یک تن است، با این درجه از خلوص، می‌توان از معادن ساغد در مجموع حدود ۸۲۹تن کیک زرد در کارگاه رادکان تهیه کرد و به کارخانه فرآوری اصفهان فرستاد تا به گاز هگزافلوراید اورانیوم تبدیل شود .

«مروری بر تحولات هسته‌یی ایران از ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۷» به روایت کار گزار رژیم در «مرکز اسناد انقلاب»

بقیه از صفحه 6

از جمله کشورهایی بودند که ایران به منظور وارد کردن فن‌آوری هسته‌یی و تجهیزات مورد نیاز در این خصوص، وارد گفتگو و راینزی با آنها شد و برای راه اندازی معدن ساغد از کارشناسان کشورهای مختلفی مانند آلمان، چکسلواکی، مجارستان، روسیه استفاده شد.

اما مهمترین طرف قرارداد ایران پیرامون این موضوع و برنامه غنی سازی، کشور چین بود. ایران از اواسط دهه هشتاد میلادی با چینی ها وارد مذاکره شد و در زمینه کشف واستخراج اورانیوم و تأسیسات مربوط به فن‌آوری به توافقات خوبی دست یافت و در سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۳)، یک راکتور تحقیقی فرح‌ساز از جمهوری خلق چین و نیز یک (Calutron) کوچک دریافت کرد که در سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۵) از آن برای تحقیقات غنی‌سازی استفاده شد. این (Calutron) فقط یک ماشین (Milliam) بود که به ایران داده شد و بسیار کوچک بود به طوری که فقط برای اهداف تحقیقاتی و به ویژه آزمایش عایق سازه‌ها (Insulators) و خط هدندها (Liners) و تولید ایزوتوپهای مهمکیم (Zinc) برای اهداف دارویی از آن استفاده می‌شد.

از سال ۱۳۳۳، ایران مجدداً به تفکیک ایزوتوپ لیژی (LIS) علاقه نشان داد و در سپتامبر ۱۹۸۷ (۱۳۶۶) یک کنفرانس در این خصوص برگزار نمود.

هم‌چنین در سال ۱۳۳۷ قرارداد ی بین ایران و آرژانتین جهت انتقال فن‌آوری غنی‌سازی اورانیوم منعقد گردید. در سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۵)، یک موافقتنامه همکاری هسته‌یی بین ایران و پاکستان امضا شد و طی آن متخصصین سازمان انرژی اتمی‌ایران گذراندن دوره‌های آموزشی در پاکستان را آغاز کردند و «دکتر عبدالقادرخان» که بسیاری از تلاشهای پاکستان برای توسعه مواد سلاحي هسته‌یی را مدیریت نموده بود و به لو لقب (پدر بمب اتمی)پاکستان داده بودند، در فوریه ۱۹۸۶ و ژانویه ۱۹۸۷ (۱۳۶۵) از تهران و بوشهر دیدن کرد.

پایان جنگ و ریاست جمهوری هاشمی‌رفسنجانی

با پایان جنگ در سال ۱۳۳۷ و خسارتهای زیادی که تأسیسات فعالیتهای هسته‌یی ایران در این زمان با آن‌مواجه شده بود، با آغاز ریاست جمهوری هاشمی‌رفسنجانی، به فعالیتهای هسته‌یی نیز توجه ویژه‌یی شد. در این زمان واردات فناوریهای هسته‌یی با کاربرد دوگانه و نیز استمرار تلاشهای نهائی ایران برای وارد کردن فناوریهای تحت کنترل از غرب، شایعات زیادی را در ارتباط با تلاش ایران برای دستیابی به تسلیحات هسته‌یی در محافل مختلف جهانی به بار انداخت و گروهک منافقین در این رابطه فعالیت زیادی می‌کردند.

در این دوره آرژانتین موافقت کرد که به متخصصین ایرانی در مؤسسه هسته‌یی خود به‌نام (Jose Balasero) آموزش دهد و بعد از اورانیوم به ارزش ۵/۵ میلیون دلار به



شمارهٔ ۷۹۶ – دوشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۸۵

است «موجودی اثبات شده اورانیوم در معادن ساغد ۴۹۱ تن است و اضافه بر این برآورد می‌شود که ۸۷۶ تن دیگر اورانیوم در این معادن قابل استحصال باشد. قیمت تمام شده هر کیلو گرم ۳ تا ۵ برابر قیمت جاری بازار است». با این اوصاف فوق‌الذکر بسیار بالا و بین ۸۰ تا ۱۳۰ دلار است که در ایران از زمان شاه تا به حال، حتی به اندازه تأمین سوخت اتمی‌نیروگاه بوشهر اورانیوم قابل استحصال در ایران کشف نشده‌است. این واقعیت توسط مراجع بین‌المللی مربوطه نیز مورد تأیید قرار گرفته‌است. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی طبق جدول ضمیمه بر فقر ایران از نظر معادن اورانیوم گواهی می‌دهد. درگزارش «سرویس اطلاع رسانی WISE» به نقل ازگزارش سال ۲۰۰۲ آژانس بین‌المللی انرژی اتمی آمده

است «موجودی اثبات شده اورانیوم در معادن ساغد ۴۹۱ تن است و اضافه بر این برآورد می‌شود که ۸۷۶ تن دیگر اورانیوم در این معادن قابل استحصال باشد. قیمت تمام شده هر کیلو گرم ۳ تا ۵ برابر قیمت جاری بازار است». با این اوصاف فوق‌الذکر بسیار بالا و بین ۸۰ تا ۱۳۰ دلار است که در ایران از زمان شاه تا به حال، حتی به اندازه تأمین سوخت اتمی‌نیروگاه بوشهر اورانیوم قابل استحصال در ایران کشف نشده‌است. این واقعیت توسط مراجع بین‌المللی مربوطه نیز مورد تأیید قرار گرفته‌است. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی طبق جدول ضمیمه بر فقر ایران از نظر معادن اورانیوم گواهی می‌دهد. درگزارش «سرویس اطلاع رسانی WISE» به نقل ازگزارش سال ۲۰۰۲ آژانس بین‌المللی انرژی اتمی آمده

(ادامه دارد)

میزان« کیک زرد» معادن اورانیوم درحال بهره برداری و قابل بهره‌برداری دنیا در سال ۲۰۰۴

(به هزار تن)

کشور	هزینه تولید هر مائه تا ۸۰۰ دلار بهرورداری	هزینه تولید هر مائه تا ۱۳۰۰ دلار بهرورداری	هزینه تولید با قابل بهره برداری	مهم هر کشور در کل ذخایر جهان بهرورداری
اسرائیل	۷۱۴	۲۸۷	۷۲۵	۳۳۳
فرانستان	۳۸۵	۲۳۸	۵۳۱	۳۱۷
کانادا	۲۸۷	۸۵	۳۳۵	۹۹
نمیا	۱۳۹	۷۴	۱۷۱	۸۷
افریقای جنوبی	۲۳۲	۷۰	۳۱۵	۸۰
آمریکا	۱۰۲	۴	۳۳۵	۴
برزیل	۸۶	۵۷	۸۶	۵۷
روسیه	۱۲۴	۳۴	۱۴۴	۱۲۱
نجر	۱۰۲	۱۲۶	۱۰۲	۱۲۶
اوپکنستان	۶۲	۲۲	۸۰	۳۹
بقیه کشورها	۲۹۲	۵۶	۳۲۷	۱۶۵
ایران	۰	۰	۰/۹	۰/۵
مجموع در دنیا	۲۵۲۵	۱۰۵۹	۳۱۸۰	۱۶۱۳
دوم با توجه به مصرف کوئی ۶۵- هزار تن	۴۰۴۰	۱۶۰۱۶	۴۰۴۹	۱۰۶۱۰
منبع: سازمان بین‌المللی انرژی هسته‌یی IAEA				

–سنگ معدن اورانیوم پس از آسیاب و تصفیه به پودری موسوم به «کیک زرد» تبدیل می‌شود. در معدن ساغد بزد که بزرگترین معدن اورانیوم در ایران می‌باشد، حدود ۱٫۵ میلیون تن سنگ معدن اورانیوم یافته‌شده که درجه خلوص آن ۵۵۳ گرم در یک تن است، با این درجه از خلوص، می‌توان از معادن ساغد در مجموع حدود ۸۲۹تن کیک زرد در کارگاه رادکان تهیه کرد و به کارخانه فرآوری اصفهان فرستاد تا به گاز هگزافلوراید اورانیوم تبدیل شود .

تکمیل شود.

جالب این که بر اساس برخی گزارشات، ایران نسبت به این واقعیت که برخی از افراد روسی که دربخش سرمایه‌گذاری بانکی پروژه نیروگاه بوشهر فعالیت داشتند پیگیری بودند معترض بودا

اگرچه (رضا امراللهی) رئیس وقت سازمان انرژی اتمی‌ایران هنوز در جولای ۱۹۹۷ (تیر ۱۳۷۵)، ادعا می‌کرد که راکتور مزبور در سال ۲۰۰۰ فعال خواهد شد، تلاشهای قبلی روسیه برای صدور طرح‌های راکتور زمان‌شاه آغاز کرده بودند موافقت کرده‌است. ایران این موافقتنامه را با رورسیه در ۸ژانویه ۱۹۹۵ (دی ۱۳۷۲)، امضا نمود و در زمان امضا ارزش معامله به ۸۵۰ میلیون دلار افزایش یافت.

ساخت ساختمانهای اصلی و شناورهای فولادی یکی از راکتورها در بوشهر تا زمان سقوط شاه به میزان ۸۵٪ تکمیل شده بود و ساخت راکتور دیگر تقریباً تمام شده (۵۰٪).

روسیه نتوانست سریعاً حدود ۱۵۰ متخصص را بعد از امضای موافقتنامه با ایران جهت تکمیل نیروگاه بوشهر به کار گیردو در این راستا، ارسال لوازم و تجهیزات در زمان شاه آغاز کرد و اعلام نمود که در نظر دارد حداکثر دو هزار نفر روسی را به کار گیرد و به حدود ۵۰۰ متخصص ایرانی آموزش دهد.(شاهان ذکر است که روسیه طبق موافقتنامه موجود باسازمایست امور مربوط به راکتور اول را تا قبل از سال ۲۰۰۰ به پایان می‌رساند).

به‌رحال تاریخ تکمیل و هزینه موافقتنامه سنگینی به این داشت که روسیه از تجهیزات موجود استفاده مطلوب می‌کرد یا این که ازطرز راکتور خودش به‌نام (VVER) برای تکمیل آن استفاده می‌کرد. تجهیزات دو راکتور فوق در خلال جنگ ایران و عراق تخریب شده بودند و راکتور روسی VVER با راکتور ۳۰۰۰ مگاواتی زیمنس تفاوت داشت. مضاف این که شرکت زیمنس هنوز خود را کتورها و مولدهای بخار که برای توربینها بخار تولید می‌کردند را نصب نکرده بود.

کارشناسان و متخصصان روسی دو راکتور را در سپتامبر ۱۹۹۴ (شهریور ۱۳۷۲)، مورد بازرسی قرار داده و به این نتیجه رسیدند که خرابیهای موجود گسترده است و لذا فقدان اسناد فنی آلمانی می‌تواند به کار آنها لطمه و ضرر بزند. لذا اسنباط نهائی آنان این بود که تغییر طرح قدیمی راکتورها که مربوط به دهه ۱۹۷۰ است و طراحی جدید برای ساختمانها برای استفاده از راکتور روسی با ظرفیت ۱۰۰۰ (VVER) که از آب برای خاز مگاوات به‌نام (۱۰۰۰ – VVER) که از آب برای ساختن آن استفاده می‌شد ضروری است.

روسیه در ۱۸ مارس ۱۹۹۶ (اسفند ۱۳۷۳)، اعلام کرد که مشکل کلیدی برای اجرای برنامه بازسازی راکتورها، ساخت فنی تجهیزات ساخت آلمان نصب شده در بوشهر است، که در دسترس نیست و این که روسیه در صورت عدم توانایی ایران برای تهیه اسناد مزبور که آلمان نیز مایل به ارائه آنها نبود می‌یابد تجهیزات جدیدی جایگزین آن می‌تواند در یک برنامه سلاحي هسته‌یی مورد استفاده قرارگیرد در اختیار ایران قرار ندهد. وزیر خارجه

پا نویس:

۱- رگ، شاه و اتم (چگونگی آغاز فعالیتهای هسته‌یی ایران)، از همین نگارنده – مهدی دهخانی

۲- رگ، همان

۳- رگ، همان

۴- Hexafluoride – هگزافلوراید اورانیوم، گازی خنثی است که با اضافه کردن گاز فلوراید F۲، به گاز تترافلوراید اورانیوم به دست می‌آید و به آن به اختصار UF۶ نیز اطلاق می‌شود و همان گازی است که ماشینهای سانتریفیوژ غنی‌سازی می‌شود.

۵- Uranium Fluorine – از همین نگارنده – مهدی دهخانی

نعل وارونه زدن اطلاعات آخوندی در متگنه بحرانها و خوشخدمتی عوامل رژیم در رادیو فردا

مجاهدین خودشان خودشان را می‌کشند و شکنجه می‌کنند

عوامل رژیم آخوندی در رادیو فردا در یک گزارش مسخره و سراپا دروغ که توسط فردی بنام علی سجادی از این رادیو پخش شد، ادعا کردند اسامی یکصد تن از مجاهدین را گردآوری کرده‌اند که در دهه گذشته توسط خود مجاهدین به قتل رسیده‌اند!

رژیم آخوندی که در متگنه میان شورای امنیت ملل متحد و تفر روزافزون مردم عراق و احزاب ملی این کشور، اکنون با انتشار حکم جلب آخوند جانیتکار فلاحیان، وزیر پیشین یک ستاد بین‌المللی و انکارناپذیر تروریسم دولتی، حلقه محاصره را به گونه‌یی فزاینده بر خود تنگ می‌بیند، برای برون‌رفت از این وضعیت فلاکت‌بار، مذبوحانه تلاش کرد از طریق ابادی خود در رادیو فردا با یک فقره نعل وارونه آخوندی، خودمجاهدین را مسئول شهادت و هم‌چنین درگذشت یک‌صد تن از اعضای خود در رادیوی فارسی زبان، محکوم شده است. در بند ۱۸ این قطعنامه آمده است: «پارلمان اروپا از دستگیرهای گسترده اخیر و شکنجه زندانیان عقیدتی و از پخش اعترافهای اسیران سیاسی از طریق رادیوهای فارسی‌زبان، که ناقض کنوانسیونهای بین‌المللی می‌باشد، ابراز انزجار می‌کند».

دیکته‌های وزارت جاسوسی و آدمکش‌های آخوندها به رادیو فردا عباس داوری، مسئول کمیسیون کار شورای ملی مقاومت، طی پیامی از شهر اشرف با اشاره به تلاش رژیم آخوندی برای سرویش گذاشتن بر جنایات بی‌سابقه تروریستی آخوندها در شرایط انتشار حکم جلب فلاحیان تأکید کرد:

اولاً- مردم ایران و همه وجدانهای بی‌طرف و منصف به خوبی می‌دانند که خبرهای منتشر شده از سوی رادیو فردا تحت عنوان اعضای سابق مجاهدین یا جانشان‌گان از مجاهدین، ۳ سال گذشته، تماماً و بدون استثناء دیکته وزارت بندام تروریسم و آدمکشی ملایان بوده و پشتیب ازرش ندارد. کما این‌که تروریسم مزبور از جمله کرم حقی و مزدور محمدحسین سبحانی بارها از طریق ابادی و رابطین رژیم در رادیو فردا ادعا کردند که نام یک شکنجه روانی است. خانواده‌های شاغلین در این محکمات تروریستی آخوندها در شرایط انتشار حکم جلب فلاحیان نیز در برابر فرافکنی مسئولیت ترور قربانیان تروریسم رژیم آخوندی به جانب خود مجاهدین دیگر جز رسوایی بیشتر، هیچ اثری ندارد.

ثالثاً آخوندهای جلاد باید حساب جنایتهای خود علیه بشریت را تا آخرین قطره خونی که ریخته‌اند، پس بدهند و این ترقندهای حقیر و لایزال نمی‌تواند سر سرکردگان رژیم آخوندی را از محاکمه به درببرد. به خصوص باید از مجاهد قهرمان علی زکشی، جاشین پیشین مسئول اول سازمان مجاهدین خود ایران در سالهای ۶۱ تا ۶۴ که نام او از ۱۸ سال پیش در شمار برجسته‌ترین شهیدای عملیات بزرگ فروغ جاویدان به ثبت رسیده است، نام ببرم که اطلاعات آخوندها مدعی است مجاهدین او را هم خودشان کشته‌اند! به‌نظر می‌رسد دزد ناشی، از فرط استیصال در برابر حکم جلب سردزخم خورش، شروع نموده پاسدار تروریست مذکور در تربت جام اعلام کرد که:

«خواهان خلع سلاح هسته‌یی قدرتهای فاسد هستیم» واقعاً به این می‌گویند «صلح‌آمیز بودن تکنولوژی هسته‌یی» در دست آخوندها، که هنوز ادعای دستیابی به اورانیوم غنی‌شده آزمایشگاهی دارند، قصد اصلی خود را در جنگ تمام عیار جهانی است، رو کردند. وقتی بمب اتمی دستشان باشد چه خواهند کرد؟ از طرفی چرا این «فتح تروریستی» به‌جای وحدت در درون نظام، نشان از اوچکیری تضادها و سگ‌دعواهای ذاتی درون باندهای آخوندی دارد! و چرا خانه‌ای سکوت کرده؟ به‌نظر می‌آید که در آینده نزدیک ما شاهد یک تیغ کشی و صفر صفر درونی نظام فاشیسم مذهبی خواهیم بود! برای رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، پیش از رئیس‌جمهور این خبر را اعلام کرد» (سایت نیوه و نخواهد بود!

«فتح تروریستی»

عبور استبداد آخوندی از مرز سرخ، شتاب‌گیری در مسیر سقوط است!

بیزار سردمی

چرا خبری از «رهبر معظم» در این «خبرخوش» نیست! نکند که اصلاً «خبری» نیست! و یا قیمت آن سنگین است! در حالی‌که تمام اطلاعات فاشیسم مذهبی از سر تا پا، حرف لورفته احمدی‌نژاد را با ادبیات شائز و تهدید حلوأ حلوا می‌کنند و آنرا از «فتح خرمشهر» حلوأ حلوا می‌کنند «فروزم ملی» آنها «عود مقبول» نموده است، هیچ خبر و پیامی از ولی‌قیه و رهبر معظم نیست، انکار بعد از دادن به مذاکره با «شیطان بزرگ» حیاسی دچار «افسردگی» و «شیطان‌زدگی» شده و توان ابراز خوشحالی از این «فتح بزرگ» را هم ندارد. تعداد مشخصی از سران رژیم هم سکوت نموده‌اند! و فقط رفسنجانی توست «خبر خوش» احمدی‌نژاد را لو داده و حسابی او را دست دومی معرفی کند که گویا کارش توضیح و تشریح خبری است که رفسنجانی را دربارۀ اتمام اخبار خوش هسته‌یی در آینده نزدیک نادان می‌داند! هاشمی رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، پیش از رئیس‌جمهور این خبر را اعلام کرد» (سایت



سوزش از شادی اشرفیان

داشته است و آثار و نتایج خود را در قدمهای بعدی نبرد سرنوشت‌ساز کنونی بازترت خواهد کرد. جهت اطلاع و وحشت بیشتر سران رژیم آخوندی و مأموران خودفروخته وزارت اطلاعات باید بگویم که اکنون کل مقاومت ایران و مجاهدین، بسا قدرتمندتر، منسجمتر و رهاتر از سه سال پیش هستند، باش تا صبح دولت بدمد، کاین هنوز از نتایج سحر است.

الحق که باید درودی دیگر بار به اشرف و اشرفیان فرستاد که قلب ارتجاع و بنیادگرایی را نشانه رفته‌اند، مجاهدین بی‌سلاح امسال، در مراسم و جشنهای مختلف، پیام شادی‌آفرین و امیدبخش خود را به مصداق نوری برای دوستان و دودی به چشم دشمنان به اقصی نقاط دنیا فرستادند و دشمن ضدبشری را به جزع و فرع انداختند. و به سلاحی دست یافتند که برای آخوندها به راستی مرگبارتر از سلاحهای قبلی است. سلاح اشرفیان اکنون قلبهای تسخیر شده همه ایرانیان شریف و آزاده در سراسر مهین و جهان است.

اگر مجاهدین و مقاومت ایران، در حال فروپاشی و بی‌روحه ریزش کرده بودند، در شرایطی که رژیم در محاصره بحرانهای داخلی و بین‌المللی است، چرا وزارت اطلاعات این همه سایت و نشریه و کتاب و بنگاه لجن‌پراکنی، مأمور و مزدور، و هزینه‌های نجومی را در کارزار شیطان‌سازی و جنگ روانی برای ضربه زدن به شهر اشرف به کار گرفته ؟ است؟

سؤال اساسی از وزارت بدنامی که اکنون فرمان بین‌المللی برای دستگیری وزیر سابقش به جرم ترور و جنایت صادر شده، این است که اگر مجاهدین و زمندگان شهر اشرف در حال نابودی هستند و دچار ریزش نیرو شده و در وضعیت نامعلومی به سر می‌برند، چرا هیچ مذاکره و معامله‌یی بدون درپوزگی و التماس برای محدود کردن مجاهدین تمام نمی‌شود؟ چرا همین چند روز پیش محمد جواد ظریف سفیر رژیم در سازمان ملل به سوز و گداز از توانمندیها و فعالیتهای مجاهدین پرداخت و گفت:

«شما شاهد نیستید که تروریستها در ایران کنفرانس مطبوعاتی برگزار کنند، اما ما شاهد هستیم گروههای تروریستی که توسط آمریکا و اروپا هم به عنوان تروریست سرانده‌اند! آنها تضاد اصلی هستند و هیچ کوتاه نمی‌آیند یعنی نه می‌خواهند و نه می‌توانند. از نوع دردی هستند که تا وجود دارند، خطرناک می‌باشند و برای کشتار بقیه تلاش می‌کنند. آنها و ویروس خود را طوری پخش می‌کنند که تعداد بیشتری را به کشتن بدهد، آخوندهای دجای جایی وارد نمی‌شوند و حرفی برای گفتن ندارند، الا این که بخواجه‌ها باز از مغز جوانان ارتزاق کرده و باج برای ادامه بقای خود بگیرند. هرگونه کوتاه آمدن در برابر آنها فقط به گسترش مرگ منتهی می‌شود. راستی از لحظه و از روزی که فاشیسم آخوندی را به عنوان تضاد و درد و دشمن اصلی مردم ایران تشخیص دهم، می‌شوم عضوی از خانواده جهانی مقاومت برای نیل و جلدانی خود را کسب نموده و حفظ و حراست کرده‌اند.

رژیم که مغز حمار تاول نکرده‌اند که بی‌حساب و کتاب این همه هزینه و انرژی را روی موضوعی صرف کنند که موضوعی ناشسته و در حال نابودی و فروپاشی است، مگر این که وزارت اطلاعات و گردانندگان سایتهای تابعه، بر اساس اطلاعات پشت پرده بگویند که که ولی‌قیه و سران رژیم چنین چیزی تاول کرده‌اند!

پرتوی از نبرد انسان در مسیر انسانیت(۱)

تشخیص درد اصلی و درمان اصلی، رمز همبستگی و وحدت ماست!

طلوع کرده است. باز هم باید درد را بیشتر فریاد زد تا راه برای درمان بهتر باز شود و تشخیص داده شود. آخوندها با ترویج ویروس بنیادگرایی و ضدیت با انسان و آزادی، نه قابل مماشات هستند و نه می‌توانند عقب بزنند، آنها وجود خود را بناودی انسانها می‌دانند، به این علت درد اصلی و خطر عاجل شده‌اند، خودبختوری و دردتانگان سایتها تابعه، از آخوندها متفر هستیم نیست. آنها خودشان سمبل تفر و دشمنیها و خونریزیها هستند و بر هیچ کس نیز رحمی ندارند! آنها تضاد اصلی هستند و هیچ کوتاه نمی‌آیند یعنی نه می‌خواهند و نه می‌توانند. از نوع دردی هستند که تا وجود دارند، خطرناک می‌باشند و برای کشتار بقیه تلاش می‌کنند. آنها و ویروس خود را طوری پخش می‌کنند که تعداد بیشتری را به کشتن بدهد، آخوندهای دجای جایی وارد نمی‌شوند و حرفی برای گفتن ندارند، الا این که بخواجه‌ها باز از مغز جوانان ارتزاق کرده و باج برای ادامه بقای خود بگیرند. هرگونه کوتاه آمدن در برابر آنها فقط به گسترش مرگ منتهی می‌شود. راستی از لحظه و از روزی که فاشیسم آخوندی را به عنوان تضاد و درد و دشمن اصلی مردم ایران تشخیص دهم، می‌شوم عضوی از خانواده جهانی مقاومت برای نیل و جلدانی خود را کسب نموده و حفظ و حراست کرده‌اند.

در هر جمع غیرایرانی که وارد می‌شوند شروع می‌کنند به رو کردن دست آخوندها و این که حساب مردم ایران را از آخوندها باید جدا دانست و ایرانیان اولین قربانی این درد و...

هستند. به این خاطر هم اشرف را درست کردند تا از وجوه خدایی و انسانی خود و دیگران دفاع نمایند. باید کمی بیشتر به نیمه پر لیوان توجه کرد و نقشه آخوندها را به هم زد.

کردن چهره تکیده و درهم‌شکسته تشکیلات خود برای نمایش بیرونی است، به نحای گوناگون می‌کوشد نیروها

را به پای مصاحبه‌های اجباری بکشاند و با ساز و دهل زدن وانمود کند که نیروهای سرخورده و بی‌روحه، با میل و انگیزه خود در اردوگاه اشرف مانده‌اند.

سایتهای زنجیره‌یی وزارت اطلاعات سال گذشته نیز، وضعیت قرارگاه اشرف را بحرانی توصیف کرده و نوشتند:

«مجاهدین در قرارگاه اشرف در بحران شدید و در نقطه سقوط به سر می‌برند، و این که قرارگاه فقط با یک فضای رعب و سرکوب توسط رهبران مجاهدین حفظ شده است. آخرین گزارشها حکایت دارند که اگر پرچم صلیب سرخ کشن عتق به مبارزه و امید به سرنگونی را به وجود اشرف به طور استراتژیک نابودی قطعی خویش را هم نظاره می‌کند و هنگامی که در شهر اشرف، مراسم جشن و پایکوبی برگزار شود، دیگر به گونه‌یی مضاعف، برایش قابل تحمل نیست. از همین رو، سه سال است به طور شانه‌رویز بر روی ضربه زدن به همین روجه و نشاط زمندگان اشرف سرمایه‌گذاری کرده است. سه سال است که کشتن عتق به مبارزه و امید به سرنگونی را در رأس همه فعالیتها و برنامه‌های خود قرار داده است. به نحای طرق تخم یأس و ناامیدی را پاشیده و اکنون با توانای از عتق و انگیزه و نشاط مواجه شده، طبیعی است که به واکنشهای هیستریک و دیوانه‌وار دست خواهد زد.

سایت ایران دیدبان در واکنش به مطلبی که با عنوان «خیزش چهارشنبه‌سوری، جشنهای نوروزی در اشرف و هراس آخوندها» نوشته بودم، به شکست طرحهای رژیم برای ضربه زدن از درون شهر اشرف اعتراف کرده و سوزش خود را از سرزندگی و روحیه اشرفیان چنین بیان کرده است:

«می‌توان به برگزاری جشنها و مراسمه‌ای مختلف، به‌عنوان اصلیتربن تمهیدی که بقایای رجوی در این مسیر برگزیدند، اشاره کرد. مثلاً به بهانه چهارشنبه‌سوری و وصل کردن آن به جشنهای سال نو و وارد کردن کلیه نیروها در آماده‌سازی و شرکت در این مراسم و تهیه فیلم و سریال از آنها برای پخش بیرونی که وانمود کنند آنها نیروهایی سرزنده و با روحیه هستند!»

در جای دیگری سوزش خود را از رقص و آواز زمندگان بیان کرده و می‌نویسد:

«یک سقوط صدام، خلع سلاح و خصوصاً وضعیت بی‌آینده و نامعلوم گره در عراق و ریزش نیروها که متعاقب تحولات جدید روی داده، باعث گردید تا مهار این درهم‌شکستگی به اصلیتربن اولویت تشکیلاتی مجاهدین بدل گردد... و احساس می‌کنند که با نشان دادن نیروهای در حال رقص و آواز، بحران را فرو نشاندند».

وزارت اطلاعات آخوندی در سایتهای زنجیره‌یی‌اش، علاوه بر سوزش شدید از برنامه‌های شاد نوروزی زمندگان اشرف، هم‌چنین هراس خود را از پایداری زمندگان که در سلسله مصاحبه‌های بسیار زیبا و با محتوایی که در پیام نوروز پخش گردید، نشان داده و با زبان خاص آخوندی یعنی وقاحت و دجالتی به قدرت و توان زمندگان اعتراف کرد:

«مدهای مدیدی است که رهبری مجاهدین به دنبال بزک خود را به پیشانی فریاد می‌زنند. یکی می‌گوید زنده باد صلح، آن یکی می‌گوید، باینده ایران، باز کسی می‌آید و فریاد می‌زند، نه به بنیادگرایی زنده باد آزادی، دیگری

علیمراد اشرفی

دشمنی و کینه رژیم ولایت‌فقیه نسبت به هر گونه جشن و شادی و روح زندگی، البته بر کسی پوشیده نیست، رژیم

که رسالت تاریخی‌اش از جمله ترویج فرهنگ ماتم و عزا و مرگ در مهین ماست، با تمام قوا در این ۲۷ سال تلاش کرده هر گونه عتق و امید به زندگی را در نقطه نابود کند. پاسداران و نیروهای سرکوبگرش به هرگونه جشن و نشاط را در اشرف می‌بیند، افسار پاره می‌کند، چرا که او در وجود اشرف به طور استراتژیک نابودی قطعی خویش را هم نظاره می‌کند و هنگامی که در شهر اشرف، مراسم جشن و پایکوبی برگزار شود، دیگر به گونه‌یی مضاعف، برایش قابل تحمل نیست. از همین رو، سه سال است به طور شانه‌رویز بر روی ضربه زدن به همین روجه و نشاط زمندگان اشرف سرمایه‌گذاری کرده است. سه سال است که کشتن عتق به مبارزه و امید به سرنگونی را در رأس همه فعالیتها و برنامه‌های خود قرار داده است. به نحای طرق تخم یأس و ناامیدی را پاشیده و اکنون با توانای از عتق و انگیزه و نشاط مواجه شده، طبیعی است که به واکنشهای هیستریک و دیوانه‌وار دست خواهد زد.

سایت ایران دیدبان در واکنش به مطلبی که با عنوان «خیزش چهارشنبه‌سوری، جشنهای نوروزی در اشرف و هراس آخوندها» نوشته بودم، به شکست طرحهای رژیم برای ضربه زدن از درون شهر اشرف اعتراف کرده و سوزش خود را از سرزندگی و روحیه اشرفیان چنین بیان کرده است:

«می‌توان به برگزاری جشنها و مراسمه‌ای مختلف، به‌عنوان اصلیتربن تمهیدی که بقایای رجوی در این مسیر برگزیدند، اشاره کرد. مثلاً به بهانه چهارشنبه‌سوری و وصل کردن آن به جشنهای سال نو و وارد کردن کلیه نیروها در آماده‌سازی و شرکت در این مراسم و تهیه فیلم و سریال از آنها برای پخش بیرونی که وانمود کنند آنها نیروهایی سرزنده و با روحیه هستند!»

در جای دیگری سوزش خود را از رقص و آواز زمندگان بیان کرده و می‌نویسد:

«یک سقوط صدام، خلع سلاح و خصوصاً وضعیت بی‌آینده و نامعلوم گره در عراق و ریزش نیروها که متعاقب تحولات جدید روی داده، باعث گردید تا مهار این درهم‌شکستگی به اصلیتربن اولویت تشکیلاتی مجاهدین بدل گردد... و احساس می‌کنند که با نشان دادن نیروهای در حال رقص و آواز، بحران را فرو نشاندند».

وزارت اطلاعات آخوندی در سایتهای زنجیره‌یی‌اش، علاوه بر سوزش شدید از برنامه‌های شاد نوروزی زمندگان اشرف، هم‌چنین هراس خود را از پایداری زمندگان که در سلسله مصاحبه‌های بسیار زیبا و با محتوایی که در پیام نوروز پخش گردید، نشان داده و با زبان خاص آخوندی یعنی وقاحت و دجالتی به قدرت و توان زمندگان اعتراف کرد:

«مدهای مدیدی است که رهبری مجاهدین به دنبال بزک خود را به پیشانی فریاد می‌زنند. یکی می‌گوید زنده باد صلح، آن یکی می‌گوید، باینده ایران، باز کسی می‌آید و فریاد می‌زند، نه به بنیادگرایی زنده باد آزادی، دیگری

مهیار برومند

اگر طی این سالها به کرات می‌بینیم که ایرانیان و یا حتی انسانهای شریف و نمایندگان آنها در کشورهای مختلف که نه ایرانی هستند و نه مسلمان، نه مجاهدند و نه خود را انقلابی و مبارز و مدعی می‌دانند، به حمایت از مجاهدین و ارحل ارانه شده توسط خاتم رجوی، روی آورده و هر روز نیز بر عزم جزم آنها در این کار افزوده می‌شود و یا از حلقه طیف سیاسی نیز با فراتر گذاشته و به یک جوش و خروش جهانی و انسانی دار تبدیل می‌شود. در قدم اول دلیل بر آنست که خود را با مردم و مقاومت ایران همدرد و شریک آن می‌دانند. یعنی دریافته‌اند که درد مشترک جامعه جهانی همانا فاشیسم مذهبی تروریستی حاکم بر ایران است. و آن را اصلیتربن خطر و تهدید بالفعل برای آزادی و کرامت انسانی می‌دانند که ماورای هر نوع نگرش فلسفی و فرهنگی و ملی و اقتصادی و.. در مخرج مشترک نیاز حیاتی انسان که آزادی است به هم گره می‌خورد. بنابراین سنگ بنایی که لینک یک جبهه از انسانهای آگاه و با وجدان با قلبی آکنده از عتق به زیستن برای خود و دیگران را در سراسر دنیا به یکدیگر نزدیک نموده و در آن می‌توان رنگین کمانی از انسانیت، شرافت و پاکی ذات بشری را مشاهده نمود، چیزی جز داشتن درد مشترک و تشخیص درد اصلی نیست! اتفاقاً به دلیل همین درد مشترک و تشخیص آنست که راه درمان اصلی را نیز تثبیت و همه‌گیر می‌کند و به‌ویژه که حالا همه این راه درمان را به زبان و به بیانی فریاد می‌زنند. یکی می‌گوید زنده باد صلح، آن یکی می‌گوید، باینده ایران، باز کسی می‌آید و فریاد می‌زند، نه به بنیادگرایی زنده باد آزادی، دیگری

خون عشاق نخفته‌ست

و نخسبد به جهان



شمارهٔ ۷۹۶ – دوشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۸۵



افزوده می‌شود. به خاطر آوریم که فلاحیان در اوت ۱۹۹۲ در پرتو زد و بندهای کثیف سیاسی آخوندها با دولتهای ماشاتگر اروایی در مصاحبه علنی تلویزیونی مرزهای وقاحت را یکی پس از دیگری درمی‌نوردید و نه تنها مسئولیت ترور دکتر کاظم را به عهده می‌گرفت که با صراحت، تمامی‌پناهجویانی را که از ظلم آخوندی به خارج گریخته اند تهدید می‌کرد و عریده می‌کشید که: «آنها مجبور به فرار از کشور شدند، اما ما به کار خود ادامه می‌دهیم و آنها را در خارج دنبال می‌کنیم ... ما موفق شده‌ایم که به خیلی از این گروه‌ها در خارج ضربه بزنیم». و حال به عاقبت همین قاتل جانی‌کار پیندیشیم که قاضی سونبسی دستور جلب و بردش به زندان کانون وود را داده است. و بنگردی که اکنون پس از ۱۶سال، استfan فرزند دکتر کاظم چگونه از آغاز پایان «رنج عظیم» ۱۵ساله خود می‌گرید و مژدهٔ تشکیل دادگاهی برای قاتلان را چه در حضور و به غیبتشان، می‌دهد. در این دادگاه تمامی‌قاتلان، که قاتلان هزاران ایرانی آزاده هستند، و کلیه عاملان و آمران نقض حقوق بشر در میهنمان باید حاضر شوند.

تروریستهای چون هادی نجف آبادی (سفیر وقت ایران در امارات عربی) محمدمهدی آخوندزاده بسطی (مدیرکل روابط سیاسی و بین‌المللی وقت وزارت خارجه) و سیروس ناصری رشوه‌گیر بنام و رسوا، که دکتر کاظم را علناً تهدید به قتل کرد، تا پاسداران پیشانی سیاهی چون احمد وحیدی(معاونت وقت اطلاعات سپاه) و تا تروریستهای «فرنگی کارای چون کاظم دارابی و محمد آزادی تا درهم کشندگان خانگی چون سعید شامسوندی و اکنون آنها در ذلتی گریزناپذیر ملعون همهٔ وجدانههای آگاه بشری شده‌اند. حکم قاضی ژاک آنتن سونبسی مبنی بر دستگیری فلاحیان به خاطر ترور دکتر کاظم یکی از اولین جرقه‌هایی است که شعله‌های بسیاری را به دنبال دارد. مطلوبیت خون دادخواه خون شهیدان مقاومت ایران به قدری خیره کننده است که در تمام این ایام، که به اندازهٔ قرنی فراز و نشیب طی کرده ایم، نه تنها در گذر زمان مخدوش نشده که اتفاقاً روز به روز شعله کشیده است

به دشمنانش بنگریم که خوار و حقیر روز به روز بر وسوایشان

حمید اسدیان

«تو مگو دفع که این دعوی خون کهن است خون عشاق نخفته‌ست و نخسبد به جهان هم در این کوی کسی یافت ز ناگه اثرش جامه پر خون شُدهٔ اوست، ببینید نشان»

۱۶سال از چهارم اردیبهشت ۶۹ می‌گذرد. در ساعت ۱۱ و ۵۰دقیقهٔ این روز مردی در خون خویش تپید که زندگی‌اش را وقف دادخواهی شهیدان و زندانیان ایران کرده بود. مردی که گفته بود «تاریخ حقوق بشر را با خون خود خواهد نوشت». در این ساعت خونین وقتی رگبار یوزی تروریستها در کوچه‌های خلوت شهر کوچک «کویه» باریدن گرفت، دست دکتر کاظم رجوی روی بوق ماشینش قرار داشت و صدایش تا دقایق بعد از پایان جنایت، وقتی اهالی شریف منطقه برس او حاضر شدند، به گوش می‌رسید. و امسال، ۱۶سال پس از آن جنایت هولناک و هنوز صدای آن بوق در تمام جهان طنین افکن شده است و گوشه‌های بسیاری آن را می‌شنود.

ترور دکتر کاظم، آن هم در مقر سازمان ملل، بسیار تکان دهنده و قاتلان و عاملان آن بسیار شناخته شده بودند. به طوری که از بسیاری از مقامات قضایی که دست اندر کار پیگیری مسأله بودند و وضوح دست سرویس اطلاعاتی ایران را در پشت قضایا می‌دیدند، قاضی شاتلن که سالهای گذشته این پرونده را پیگیری می‌کرد بارها اعلام کرد: «من فکر می‌کنم فرمان سوء‌قصد توسط

یادآوری: آن‌چه که ذیلاً ملاحظه می‌کنید بخش چهارم

از سلسله افشاگرهای کمسیون آمیت و ضدتروریسم شورای ملی مقاومت در بارهٔ نحوه ترور شهید بزرگ حقوق‌بشر، دکتر کاظم رجوی و عاملان اجرایی آن است.

این افشاگری در ۲۳ بهمن ۸۰ در شمارهٔ ۵۷۲ نشریه مجاهد به چاپ رسیده است.

ترور جانی‌کارانه دکتر کاظم رجوی شهید بزرگ حقوق بشر

خبیثی فتوای قتل دکتر کاظم رجوی را در سال ۶۵ صادر کرده بود کمیتهٔ امور ویژه مرکب از خامنه‌ای، رفسنجانی، ولایتی، ریشه‌ری، فلاحیان و پاسدار محسن رضایی طرح ترور را تصویب کرد و بودجه کلانی به آن اختصاص داد قاضی سونبسی مسئول تحقیق در سال ۱۳۷۶ رسماً یک مقام بلندپایهٔ دولت ایران» را در پشت این عملیات تروریستی معرفی کرد دوام بعداز ترور، پلیس سونبیس در یک گزارش ۲۲صفحه‌یی پیرامون این جنایت اعلام کرد: «ما عمیقاً یقین داریم که یک یا چند سرویس رسمی ایران مستقیماً در قتل آقا کاظم رجوی دست داشته‌اند، در پی ترور جانی‌کارانهٔ دکتر کاظم رجوی، رهبر مقاومت ایران در تلگرافی به رئیس جمهور و مقامات بلندپایهٔ سونبسی، با استناد به اطلاعاتی که مقاومت ایران به‌دست آورده بود، بر نقش مستقیم سران رژیم آخوندی و شخص رفسنجانی، رئیس جمهور وقت، در این جنایت نتگین انگشت گذاشت. دیکتاتوری تروریستی حاکم که از بازتاب وسیع افشاگرهای مقاومت و به‌ویژه افشای نقش رفسنجانی در این ترور به وحشت افتاده بود، تلاش کرد با شکایت از یک خبرنگار سونبسی که تلگرام افشاگرانهٔ مسئول شورای ملی مقاومت را منعکس کرده بود، از بازتابهای هرچه بیشتر این افشاگرهای ممانعت به‌عمل آورد. اما دادگاه ژنو در پی بررسی مسرط پرونده و استماع شهود و اظهارات طرفین دعوا، خبرنگار را تبرئه و رژیم آخوندی را محکوم نمود در اردیبهشت۶۸ اکپ ویزه‌یی از تروریستها به سونبیس آمدند و مرحلهٔ اول شناسایی را انجام دادند. اما به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

چندی به تعویق افتاد. چند هفته پس از مرگ خمینی طرح ترور دکتر کاظم با جدیت بیشتری در دستور کار رژیم قرار گرفت. چرا که خامنه‌ای و رفسنجانی برای پرکردن خلأ خمینی نیاز به قدرت‌نمایی بیشتری داشتند رژیم آخوندی و شخص خمینی لایال زیادی برای دشمنی و انتقام گرفتن از پروفوسور کاظم رجوی شهید بزرگ حقوق بشر داشت.

قبل از هر چیز کاظم رجوی کسی بود که با کارزار بی‌سابقهٔ سیاسی و تبلیغی خود در سطح بین‌المللی، باعث نجات جان مسعود شد و شاه را در اوج اقتدار اهرمینی‌اش مجبور کرد تا حکم اعدام او را به حبس ابد تبدیل کند.

علاوه بر این مبارزهٔ پیگیر و خستگی‌ناپذیر دکتر کاظم در زمینهٔ افشای نقض حقوق بشر توسط رژیم خمینی از اولین سالهای حکومت آخوندها، هم‌چنان آتش پشش و کینهٔ ملایان خونخوار را نسبت به او بیش از پیش شعله‌ور می‌کرد. کمتر کسی بود که در سازمان ملل در ژنو و در نیویورک و در دیگر مجامع حقوق بشری در این سو و آن سوی دنیا، که کاظم رجوی او را در جنایت رژیم آخوندی مطلع نکرده باشد. هنوز بعد از نزدیک به ۱۵سال پس از شهادت دکتر، وقتی خواهران و برادران ما در ژنو و نیویورک علیه رژیم آخوندی افشاگری می‌کنند، دوستان و همکاران و شاگردان دکتر کاظم بیشترین مشوق و کمک‌کار آنها هستند. در پی ترور جانی‌کارانهٔ دکتر کاظم رجوی، رهبر مقاومت ایران در تلگرافی به رئیس جمهور و مقامات بلندپایهٔ سونبسی، با استناد به اطلاعاتی که مقاومت ایران به‌دست آورده بود، بر نقش مستقیم سران رژیم آخوندی و شخص رفسنجانی، رئیس جمهور وقت، در این جنایت نتگین انگشت گذاشت. دیکتاتور تروریستی حاکم که با بازتاب وسیع افشاگرهای مقاومت و به‌ویژه افشای نقش رفسنجانی در این ترور به وحشت افتاده بود، تلاش کرد با شکایت

از یک خبرنگار سونبسی که تلگرام افشاگرانهٔ مسئول شورای ملی مقاومت را منعکس کرده بود، از بازتابهای هرچه بیشتر این افشاگرهای ممانعت به‌عمل آورد. اما دادگاه ژنو در پی بررسی مسرط پرونده و استماع شهود و اظهارات طرفین دعوا، خبرنگار را تبرئه و رژیم آخوندی را محکوم نمود. به‌این ترتیب افشاگرهای مقاومت ایران در مورد نقش سران رژیم آخوندی در این جنایت پلید از تأیید قضایی دادگستری سونبیس نیز برخوردار گردید.

خمینی فتوای ترور را صادر می‌کند

به این ترتیب بود که خمینی در سال۶۵ فتوا و دستور قتل دکتر کاظم را صادر کرد. تصویب اولین قطعنامهٔ محکومیت نقض حقوق بشر توسط رژیم آخوندی در مجمع عمومی ملل متحد در پاییز۶۴، که دکتر کاظم نقش تعیین‌کننده‌یی در آن ایفا کرد، خشم و کین خمینی را نسبت به او شعله‌ورتر کرده بود. از اوایل سال۱۳۶۶ اجرای این ترور در دستور ارگانههای تروریستی رژیم قرار گرفت. ابتدا اجرای این ترور در دستور کار واحد اطلاعات سپاه به ریاست پاسدار احمد وحیدی قرار داشت. اما از اواسط سال۶۷ به پیشنهاد ریشه‌ری وزیر اطلاعات وقت و موافقت رفسنجانی، این مسئولیت به وزارت اطلاعات سپرده شد.

تروریستها دست‌چین و آموزش داده می‌شوند

ریشه‌ری به‌سرعت دست به‌کار شد و گروهی از زبده‌ترین عوامل خود را برای این جنایت دزدیانهٔ دست‌چین نمود. ریشه‌ری در اسفند ۶۷ طی نامه‌یی ۱۲فر از تروریستها را که جهت این عملیات جانی‌کارانه در نظر گرفته بود، برای تکمیل آموزش سر هسنگ مسعود مزینی‌راد» مربی آموزشی مدرسهٔ ضدجاسوسی واقع در پادگان لویزان معرفی نمود. ریشه‌ری طی این نامه نوشته بود که: به آقایان دانش، عراقی، فاضلی، کمالی، سجادیان و... آموزش کامل بدهید! در نظر داشته باشید که این ۱۲تن پس از آموزش باید به آقای عمادالدین طاهرپور ۴۱، مراجعه کنند، لذا نهایت همکاری را با این افراد بکنید...

عمادالدین طاهرپور ۴۱ کیست؟

در دفترچهٔ کد مدرسهٔ لویزان، ۴۱، به‌معنای دوسلدورف آلمان است. طاهرپور یک عامل وزارت اطلاعات است که در ظاهر یک استراحتگاه را در شهر دوسلدورف آلمان اداره می‌کند. اما این استراحتگاه در واقع سرپل تروریستهای اعزامی وزارت اطلاعات است. در مواقعی که وزارت اطلاعات نمی‌خواهد ردی از خودش در تردها به‌جا بگذارد از هتلا استفاده نمی‌کند و از یکسری سرپلها برای این کار استفاده می‌نماید که یکی از این مراکز استراحتگاهی است که توسط عمادالدین طاهرپور در شهر دوسلدورف آلمان دایر شده است. ریل استفاده از این استراحتگاه این‌است که از سفارت و یا کنسولگرهای رژیم در آلمان (و بعضی وقتها از ایران با سفارتخانهٔ کشورهای دیگر) با طاهرپور تماس گرفته و اطلاع می‌دهند که میهمان داریم و او از افراد معرفی شده کارت شناسایی نمی‌خواهد. آدرس این سرپل ارتباطی به‌شرح زیر می‌باشد:

SCHITZEN STR35 DUSSULDORF GERMANY دفتر کار عمادالدین طاهرپور در طبقهٔ پایین این ساختمان است. این مرکز هیچ تابلو و علامت مشخصه‌یی ندارد. در طبقهٔ دوم این ساختمان نیز دفتری وجود داشت که کارهای پشتیبانی و استقرار میهمانان را برنامهریزی می‌کرد و مسئول آن فردی به‌نام بنی‌جاهد بود. مزدوران وزارت اطلاعات که به این استراحتگاه مراجعه می‌کردند، توسط بنی‌جاهد در یک خانهٔ مسکونی مخفی اسکان داده می‌شدند. آدرس یکی از این منازل مخفی به‌شرح زیر است:

FRIENSGEGRG STR 87 DUSSULDORF GERMANY

آموزش تروریستها در مدرسهٔ ضدجاسوسی در پادگان لویزان و مرکز آموزشی آپیک

در مدرسهٔ لویزان آموزش تنوریک اطلاعات و ضداطلاعات توسط سرکردگان ارتش به جاسوسان و

تروریستها داده می‌شود. دورهٔ کامل آموزشی جاسوسی - ترورستی مدرسهٔ ضدجاسوسی واقع در پادگان لویزان شامل تقسیم می‌باشد که سومین قسمت آن مربوط به کاربُرد دقیق سلاح در عملیات تروروستی است. این ۷۸ نفر آموزشهای تنوریک را همراه سایر شاگردان این مدرسه به‌مدت دو ماه زیر نظر مستقیم سرهنگ مسعود مزینی گذرانند. اما مراحل پراتیک را به‌طور مستقل در «مرکز آموزش آپیک» واقع در جادهٔ قدیم کرج- قزوین، نرسیده به نیروگاه برق رجایی، طی کردند. در آپیک قزوین یادگانی تأسیس شده که مانند یک شهر نیمه‌ساخته دارای مغازه، منزل و... می‌باشد. خانه‌ها و ساختمانهای این شهر کاذب‌اند و فقط نمای ظاهری یک شهر در آن پادگان وجود دارد. در این شهر، مرحلهٔ نهایی انجام یک ترور مانور می‌شود. در این مانورها، سوژهٔ موردنظر از اجساد بی‌صاحب انتخاب می‌شود و شلیک به‌طور واقعی روی سوژه انجام می‌گیرد. در مانور، عیناً صحنهٔ ترور، چندین‌بار به اجرا گذارده می‌شود. مثلاً اگر شرایط منطبقهٔ اصلی ترور، بارانی یا یخبندان یا... تشخیص داده شود، مانور نیز در همان شرایط انجام می‌شود. به این ترتیب تمام مراحل، مانند رفتن به‌داخل منازل و مغازه‌ها، نحوهٔ نزدیک شدن و سوزده، فرار و... تماماً مانور می‌شود.

۱۲نفر معرفی شده به مزینی‌راد در این مرکز برای تمرینات ۳تیم تقسیم شده بودند. در دو هفتهٔ اول تمرینات این ۱۲نفر با موتور انجام می‌شد ولی بعداً موتور از ریل تمرینات حذف و به‌جای آن به‌وسیلهٔ خودرو تمرینات را ادامه دادند. هر کدام از تیمها در یک خودرو سازماندهی شد. این ۳ماشین روزانه ۱۲ساعت به‌طور فشرده با سلاح یوزی در خیابانهای این پادگان با آرایش مشخصی حرکت می‌شدند. نحوهٔ آرایش بدین شکل بوده که ابتدا یک گروه و هدف تعیین‌شده‌یی را به رگبار بسته و متواری ماشین آفغره از پی سوژه می‌آمد و بعد از رسیدن به سوژه آن‌را به رگبار می‌ست و عبور می‌کرد. سپس ماشین دوم با یک ترکیب دوفره از کنار سوژه عبور کرده و موقعیت عمل را چک و از انجام موفقیت‌آمیز عمل مطمئن می‌شد و تیر خلاص شلیک می‌کرد. با اندکی فاصله، ماشین سوم از این دو ماشین حرکت می‌کرد و از صحنهٔ عملیات فیلم می‌گرفت.

با توجه به فضای بارندگی در اروپا تمرینات تروریستها زیر باران و بر روی جادهٔ لغزندهٔ انجام می‌شد. تمرینات دوامه به طول انجامید و در این مدت ۴جسد به عنوان دوسلدورف آلمان اداره می‌کند. اما این استراحتگاه در واقع سرپل تروریستهای اعزامی وزارت اطلاعات است.

در مواقعی که وزارت اطلاعات نمی‌خواهد ردی از خودش در تردها به‌جا بگذارد از هتلا استفاده نمی‌کند و از یکسری سرپلها برای این کار استفاده می‌نماید که یکی از این مراکز استراحتگاهی است که توسط عمادالدین طاهرپور در شهر دوسلدورف آلمان دایر شده است. ریل استفاده از این استراحتگاه این‌است که از سفارت و یا کنسولگرهای رژیم در آلمان (و بعضی وقتها از ایران با سفارتخانهٔ کشورهای دیگر) با طاهرپور تماس گرفته و اطلاع می‌دهند که میهمان داریم و او از افراد معرفی شده کارت شناسایی نمی‌خواهد. آدرس این سرپل ارتباطی به‌شرح زیر می‌باشد:

SCHITZEN STR35 DUSSULDORF GERMANY دفتر کار عمادالدین طاهرپور در طبقهٔ پایین این ساختمان است. این مرکز هیچ تابلو و علامت مشخصه‌یی ندارد. در طبقهٔ دوم این ساختمان نیز دفتری وجود داشت که کارهای پشتیبانی و استقرار میهمانان را برنامهریزی می‌کرد و مسئول آن فردی به‌نام بنی‌جاهد بود. مزدوران وزارت اطلاعات که به این استراحتگاه مراجعه می‌کردند، توسط بنی‌جاهد در یک خانهٔ مسکونی مخفی اسکان داده می‌شدند. آدرس یکی از این منازل مخفی به‌شرح زیر است:

FRIENSGEGRG STR 87 DUSSULDORF GERMANY

که بعداً در طرح ترور شرکتندی شرکت کرد) - محسن شریفیان از تروریستهای باسابقهٔ رژیم - سمدی (از مسئولان وزارت اطلاعات و معاونت امنیت وزارت اطلاعات در دورهٔ وزارت مرتضی‌انجادی بود) در این جلسه براساس شناساییهای اولیه سه طرح اولیه برای ترور پروفوسور کاظم رجوی مورد بحث قرار گرفت. طرح اول: دکتر رجوی را با تمام اعضای خانواده در خانه قتل‌عام کنند. طرح دوم: نصب بمب به خودرو دکتر رجوی. این بمب با بالارفتن سرعت ماشین (در سرعت بیش از ۴۰ کیلومتر) منفجر می‌شد. طبق این طرح بمب با یک ترمز و یا به سوچج ماشین وصل می‌شد. طرح سوم: ترور دکتر در حین تردد به خانه و یا از خانه.

تصمیم‌گیری نهایی و تخصیص بودجه

پس از برگزاری جلسه فوق، طرح‌های اولیهٔ ترور در کمیتهٔ امور ویژه با ترکیبی از خامنه‌ای (ولی فقیه)، رفسنجانی (رئیس‌جمهور)، ولایتی (وزیر خارجه) و ریشه‌ری (وزیر سابق اطلاعات) و فلاحیان (وزیر جدید اطلاعات که به‌تازگی به این سمت منصوب شده بود) و محسن رضایی فرمانده سپاه پاسداران مورد‌رسی قرار گرفت و تصویب شد. برای اجرای این طرح بودجهٔ کلان اختصاص یافت. متعاقباً در ۸شهرپور سال۶۸ یک آپیک به‌ریاست محمد مهدی آخوندزاده بسطی دیپلمات تروریست با پاسپورت دیپلماتیک به‌همراه سعید همتی (یکی از قاتلین پروفوسور کاظم) برای بررسی عملی طرح به ژنو رفتند. براساس ارزیابی این آپیک طرح دوم متشفی شد و قرار شد روی طرح اول و سوم کار کنند. از این به بعد طرح ترور وارد مراحل مشخص عملی شد.

اعزام تیمهای ترور

پس از بازگشت آپیک آخوندزاده بسطی تا ترور جانی‌کارانهٔ دکتر کاظم، جمعا سه بار تیمهای تروریستی به ژنو اعزام شدند. که در دو نوبت اول دست خالی و ناموفق به تهران بازگشتند. اولین تیم ترور در ۲۶مهر۶۸ وارد ژنو شد. این تیم از جمله شامل پیدالله صمدی، صادق بابایی، محمود سجادیان و علی کمالی بود. این تیم قصد اجرای طرح اول یعنی قتل‌عام تمام اعضای خانوادهٔ پروفوسور کاظم را داشت، اما این طرح سوم با سفر دکتر کاظم رجوی به پاریس در روز ۲۰مهر ناکام ماند و تروریستها مجبور شدند به تهران بازگردند. دومین تیم ترور (۱بهمن۶۸) وارد ژنو شدند و تا ۱۵بهمن در ژنو بودند. این تیم نیز جمله شامل صمدی، بابایی، محمود سجادیان، محمدرضا جزایری و هادی می‌شد که با پاسپورت خدمت به ژنو آمده بودند. آنها اقدام به شناسایی و ارزیابی مجدد کردند. این تیم در قلم اول به ارزیابی این شناسایی را انجام دادند. اما به‌دلیل با سوم کدام بیشتر است. بین اعضای این تیم اختلاف پیش آمد و دست آخر مجبور شدند قبل از این که عمل کنند به تهران بازگردند.

سومین تیم ترور

روز ۲۱فروردین ۱۳۶۹، شش نفر از تروریستها با نامهای پاسپورتنی محمد سعید رضوانی، پیدالله صمدی، ناصر همتی، محسن پورشیفنی، علیرضا پیاپی همدانی، ناصر پورمیرزایی و سعید دانش با پرواز تهران -ژنو ایران ایر با پاسپورت خدمت وارد ژنو شدند - محمدعلی هادی نجف‌آبادی سفیر ایران در امارات عربی با پاسپورت دیپلماتیک ایرانی شماره۰۰۶۶۶۶۰۰، در ۲۸فروردین۶۹ به ژنو رفت و در هتل انترکنتینتال اتاق۶۲۵ مستقر شد - محمدمهدی آخوندزاده بسطی ۲۸فروردین با پرواز ایران ایر به ژنو رفت و در همان هتل مستقر شد. آخوندزاده و هادی نجف‌آبادی نظارت بر عملیات را به‌عهده داشتند و در طول اقامتشان در ارتباط مستمر با تهران بودند و چگونگی پیشرفت طرح را به‌ترتیب از تهران در میان می‌گذاشتند و مواردی که نیاز به تصمیم‌گیری داشت با تهران مشورت می‌کردند. هادی نجف‌آبادی بعداز هر بار تماس با تهران با سیروس ناصری (نمایندهٔ وقت رژیم در دفتر نمایندگان کی سازمان ملل در ژنو) تماس می‌گرفت. - تروریستهای دیگری به‌نامهای دارابی، علی کمالی، محمود سجادیان، علی

هادوی، علی مصلحی‌عراقی، محمدرضا جزایری با پروازهای دیگر وارد ژنو شدند. و بالاخره در روز ۴اردیبهشت۱۳۶۹ ساعت۱۱ و ۵۰دقیقه پروفوسور کاظم رجوی در حالی که جهت کارهای بانکی از منزل خارج شده بود مورد تهاجم تروریستها واقع شد و به شهادت می‌رسد. عصر همان روز آخوندزاده و هادی نجف‌آبادی و شکاری دیگر از تروریستها با پرواز ایران ایر به تهران بازگشتند.

گزارش به رفسنجانی

تروریستها بعداز بازگشت به تهران یک گزارش ۴۰صفحه‌یی از این جنایت فبیع برای رفسنجانی تهیه کردند. طبق این گزارش فرماندهٔ نظامی عملیات از ابتدا دارابی و معاون او علی مصلحی عراقی بود. ابتدا آنها می‌خواستند براساس طرح اول یعنی تهاجم به خانه عمل کنند. اما در عمل در بین آنها اختلاف بروز کرد و دارابی در نامه‌یی به تهران نوشت: «به‌علت اصولی نبودن طرح و سوختن طرح شخصاً حاضر به انجام کار نمی‌باشم، آقای عراقی به‌هیچ‌وجه رعایت اصول اطلاعاتی را نمی‌نماید و با افراد بومی رابطه برقرار می‌کند...». وی در این نامه خواهان بازگشت تیم به تهران می‌شود. هم‌زمان علی مصلحی به تهران اعلام می‌کند از نظر او طرح بدون اشکال است و می‌گوید: «گویا آقای دارابی فکر می‌کنند با بنود ایشان کار انجام نمی‌شود». عراقی در گزارشی که به مسئول برون مرزی وزارت اطلاعات در مورد اشکالی که دارابی به از تباطات او با افراد محلی گرفته بود نوشته:

«طرح دوستی من با خانم مسئول کرایهٔ وسایل نقلیه و خروج کردن ۱۰هزار دلار اجاری بوده است». به‌دنبال کسئل کردن طرح توسط دارابی، آخوندزاده بسطی با تهران‌برای تعیین تکلیف تماس می‌گیرد. مسئولین وزارت اطلاعات در تهران تأکید می‌کنند که رفسنجانی خواهان اجرای این طرح است و روی انجام آن تأکید می‌کند. آخوندزاده بسطی، دارابی را از دور عملیاتی خارج کرده

^[1] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[2] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[3] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[4] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[5] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[6] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[7] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[8] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[9] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[10] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[11] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[12] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[13] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[14] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[15] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[16] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[17] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[18] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[19] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[20] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[21] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[22] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[23] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[24] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[25] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[26] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[27] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[28] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[29] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[30] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[31] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[32] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[33] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[34] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[35] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[36] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[37] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[38] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[39] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[40] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[41] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[42] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[43] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[44] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[45] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[46] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[47] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[48] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[49] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[50] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[51] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[52] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[53] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[54] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[55] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[56] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[57] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[58] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[59] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[60] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[61] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[62] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[63] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[64] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[65] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[66] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[67] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[68] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[69] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[70] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[71] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[72] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[73] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[74] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[75] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[76] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

^[77] به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح

مرزهای اسلام با بنیادگرایی تروریست (۱۷)

حبران تأخیر

با احترام به عزیزانی که محبت امرزهای اسلام با بنیاد گرایی تروریست را دنبال می کنند، و با مذررت از تأخیر دو ماهه میان قسمت۱۶ تااین بخش، به یادآوری فشرده‌یی از گذشته که در ۱۶قسمت گذشته آورده بودیم، می‌پردازیم:

الف: پس از اشاره به ضرورت بحث، به تعریف «بنیادگرایی تروریست اسلامی» پرداخته و توضیح دادیم که این یک نخله مذهبی در کنار دیگر مذاهب اسلامی بوده و تنها حرکتی است که خواهان قدرت حکومتی با نام اسلام می‌باشد و کسب و نگهداری چنین قدرتی را شرط اجرای احکام الهی (شریعت با فقه) دانسته و «فریضه» قلمداد می‌کند. و با اتکا به همین، ارزشهای دینی را تابع تروریست، از دیگر گرایشهای «ارتجاع دینی» متمایز است که به دلایل مختلف، جوابی «اجباری کردن شریعت» و یا دستیابی به «قدرت» نیستند. (قسمت۳).

ب: بنیادگرایی تروریست با وجود «ارژیم ملایان ایران» از یک الگوی مطابق تعریف برخورددار است که –برخلاف دیگر حاکمیتهای موسوم به «اسلامی» در منطقه و جهان، به واقع یک «قدرت سیاسی برای اجرای شریعت» است. با وجود این نمونه که تا کنون ماندگار است، بنیادگرایی تروریست برای تبلیغ خود و سربازگیری در مشی ترور و جنایت به این الگو اتکا دارد و در صحنه عمل نیز از حمایتهای گوناگون رژیم ایران برخوردار است(قسمت۴)، چنان‌که به اقتضای «آزادگرنگی دین در خدمت قدرت»، رژیم خمینی هم به طور متقابل، از زمان تأسیس در ۱۳۵۷، به نوبه خود و تحت عنوان «صدور انقلاب» به طور جدی و همه‌جانبه به تقویت و تکثیر این نوع تروریسم کوشیده و بدین منظور بود که خواسته‌ای انقلاب مردمی ایران و نیروهای آن را به مسلخ فرستاد. (قسمت۵).

ج: این کارکرد خمینی تحت عنوان «سیاست بسط» و یا ایجاد «اتحاد جماهیر اسلامی» که لاجرم به معنی افروختن «جنگهای محیبی» است که به‌هدف نابودکردن ۵۷کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی» و جایگزینی با یک «امپراتوری اسلامی» ناگزیر خواهد بود، از یک‌سو درایران به‌بهایی سرکوب فبیج نیروها و مسلمانان دگراندیش دنبال شد و از سوی دیگر به جنگهای جنایتکارانه اساله برای «صدور» این مدل حکومتی به «عراق همسایه» انجامید. سیاسی که هم‌چنان در دستور این رژیم به رهبری خامنه‌ای و احمدی‌نژاد قرار دارد (قسمت‌های۷و۸).

د: در آئینه کارکردهای رژیم ملایان ایران، خواه سرکوب دگراندیشانه و به طور عمده سرکوب مسلمانان دگراندیش، و چه در صحنه واقعیات جنگ ۸ساله، به روشنی می‌توان ماهیت «جهانخوا» بنیادگرایی تروریست اسلامی را مشاهده کرد (قسمت‌های۹و۸). چنان که مشاهده می‌کنیم که شکست در جنگ جهانی برای تصرف عراق، بی‌کشمک و بی‌رحمی را هرچه بیشتر متکی به شیوه تروریستی و ایجاد سازمانهای وسیع و متمدد لازمه برای نیل به این هدف نمود (قسمت‌های۱۰و۱۱).

ه: تروریسم جنایتکارانه بنیادگرایی که طبق وصیتنامه

معروف خمینی، معرف ماهیت رژیم ملایان ایران است، به غایت متفاوت است با مبارزه مشروع آزادبخش. تفاوتی که هم در اهداف و هم مشی مبارزاتی و هم رعایت حقوق دیگران، میان جهانخوا‌ری بنیادگرایی و احیای حقوق یک ملت در جنگهای مشروع آزادبخش وجود دارد (قسمت‌های۱۲و۱۳).

و: سیاست بنیادگرایی تروریست، از جمله شخص و رژیم خمینی در «تکفیر» مسلمانان دگراندیش (ادامه قسمت۱۳)، و تناقض آن با رعایت حقوقشان و هم‌چنین ناسازگاری با اصل شناخته‌شده اسلامی در جواز و لزوم «اجتهاد» (قسمت۱۴).

ز: یادآوری سابقهٔ دیرین «مشئ تکفیری» که خوارخ نهروان (قاتلان حضرت علی(ع) در سال ۴۰هجری علم کرده و جدا از این جنایت عظمی و بسی جنایات تروریستی، در استدلال به اصطلاح دینی هم عین بیان و مستندات بنیادگرایان تروریست کنونی را مطرح می‌کردند. همان که خمینی نیز در تکفیر و قتل مجاهدین خلق مرکب‌شد (قسمت۱۵).

ح: فلسفه محوری «قدرت»، بنیادگرایی تروریست را به تکفیر مسلمانان و به طور کلی به فتلهای ضدبشری سوق می‌دهد. جنابانی که به‌بهایی نقض موازین «شریعت» و «فقه» خودشان، از آن رویگردان نیستند. رویکردی که از ترس باختن «قدرت» مایه می‌گیرد. (قسمت۱۶). بررسی ریزتر حکم خمینی در تکفیر مجاهدین خلق به بخش بعدی(۱۷) محول شد که در نوشته حاضر به آن وارد می‌شویم.

تأملی بر متن فتوای تکفیر خمینی

چنان‌که در قسمت قبلی(۱۶)، اشاره کردیم، اینک نوبت برسی متن فتوای تکفیر خمینی در باره مجاهدین خلق ایران و حکم به قتل عام آنان است تا بتوان جنبه‌های ضداسلامی این حکم را دریافت. در این متن، خمینی عناوین جرم متعددی را به مجاهدین نسبت داده است، اما حکم قتل دست‌جمعی زندانیان مجاهد را بر پایه «مহারب» دانستن آنان صادر کرده و اعلام داشته: «کسانی که در زندانهای سراسر کشور بر سر موضع نفاق خود پافشاری کرده و می‌کنند، محارب و محکوم به اعدام می‌باشند». متن این حکم از روی دستخط خمینی را در پانوشت ملحوظه می‌فرمایید(۱).

عناوین جرم و چگونگی احراز آنها

خمینی دراین حکم که طی آن تنها در نقطه تابستان۱۳۶۸، حکم قتل ۳۰هزار نفر از زندانیان مجاهد را به طور «دستجمعی» صادر کرد، نخست عناوین جرم متعددی برای مجاهدین را به شرح زیر تصریح کرد:

یکم، بی‌اعتقادی به اسلام در عین ظاهر به مسلمان.
چون می‌گردد که تنها به ادعای کذب خودش مستند بوده که: «سران آنها (مجاهدین) از اسلام ارتداد پیدا کرده‌اند». چنین بی‌اعتقادی نه‌تنها توسط هیچ‌یک از مجاهدین، رهبران یا اعضای عادی سازمان، مطرح نشده بود، بلکه خلاف آن، یعنی اعتقاد قلبی و عملی به بانی (اصول و فروع) اسلام را همواره و به طور علنی و در کلیه اعمال و مناسبات دینی، ابراز داشته و می‌داشته‌اند و مایه اعتماد مردمی اتیوه به این سازمان، صداقت و جدیت عملی مجاهدین را به این اصول و مبانی بود. آن قدر که جدا از خمینی یاند مربوطه، هیچ‌یک از بزرگترین سانسور (تصویری) در تاریخ خود اقدام نمود و از انعکاس حمایت ایرانیان حاضر در استادیوم «ژولاند» به نفع مقاومت ایران تا حد امکان و توانش مناعت نمود (هرچند که پاره‌یی اوقات امکناپذیر نبود). اما فردای مشابه، مطبوعات لیون و فرانسه با درج هزاران عکس و خبر، ضمن افشای توطئه «خبری»، یک‌صدای پیروزی ایرانیان مخالف رژیم تروریستی آخوندها را منتشر کردند(که پاره‌یی از آنها در نشریات مقاومت به ویژه در نشریه مجاهد چاپ شد).

پس از خاتمه جام جهانی ۱۹۹۸ کتابهای بسیاری از طرف مؤسسه‌های انتشاراتی کشورهای مختلف چاپ و منتشر شد که راقم این سطور به دلیل پیگیری مسائل فوتبال، تعداد زیادی از این کتابها را در آلمان و سایر کشورها دیدم. به ویژه در آلمان که تقریباً تمامی آنها به درج نتیجه بازی ایران و آمریکا و ویژگی‌های آن اشاره‌یی کرده و به چاپ تصویری از مشابه قناعت نمودند(با توجه به این که تیم فوتبال آلمان و یوگسلاوی نیز هم گروه تیمهای ایران و آمریکا بودند). و حساب شده و سیستماتیک به دلیل روابط اقتصادی با حکومت ملاهه، از اعتراض بزرگ و درخشان مقاومت ایران مناعت نمودند.

در خردادماه سال جاری، آلمان میزبان جام جهانی ۲۰۰۶فوتبال خواهد بود و به همین مناسبت روزنامه سراسری و معتبر «آزودووچه»سایتونگ» از نوامبر سال گذشته میلادی به تدریج اقدام به انتشار پانزده جلد تاریخ جام جهانی از اولین دوره، یعنی ۱۹۳۰ تا دوره هفدهم در سال ۲۰۰۶ (جلد پانزدهم در حدود ۱۷زوییه۲۰۰۶منتشر خواهد شد)، نموده است که در فوریه سال جاری میلادی کتاب جام جهانی ۱۹۹۸فرانسه منتشر شد. در این

از منتقدان و مخالفان مجاهدین، هرگز آنها را منکر اسلام ندانسته و مخالفت بسیاری تنها به خاطر جدیت مجاهدین در مسلمانی است. بی‌شک، خمینی در توجه این اتهام به مجاهدین، کمترین تائیدی در پیشگاه خداوند و در دادگاه تاریخ نخواهد داشت.

دوم، نسبت «مহারب» بودن به کل مجاهدین، به شمول زندانیان مجاهد، به‌بهانه آن‌چه خمینی «جنگهای کلاسیک» نامید. جنگهایی که از یک‌سوی تحمیل کرده خودش بود که با مسدودکردن هرگونه دگراندیشی مسالمت‌آمیز، راه دیگری برای نقد و مبارزه باقی نگذاشت. به‌خصوص که زندانیان مجاهد، امکان کمترین دخالتی در این جنگها را نداشتند.

سوم، اتهام «ارتباط آنان با استیکار جهانی» بدون تعیین چگونگی این ارتباط تا چه‌رسد به مجرمانه بودن آن. در این مورد نیز، هر ارتباطی به‌فرض نامشروع که در میان بوده، مجاهدان زندانی از آن بدور بوده‌اند.

چهارم، استناد به «موضع» زندانی که به سازمان مجاهدین وفادار و به تعبیر خمینی «سر موضع» باشد. این یعنی که نفس اندیشه و صرف احساسات نسبت به سازمان و رهبرانش، توسط خمینی مصداق «مহারبه» و مستوجب «اعدام» شناخته می‌شود.

پنجم، در متن فتوای تکفیر خمینی، نقش مقامها و عوامل این اعدامها، مانند «نیری»، «اشراقی» و… احراز «سر موضع» بودن و «وفادار» ماندن به مجاهدین اعلام شده است. این یعنی که اینان بیش از دژخیمان مجری قتل نبوده‌اند. نه در این ماجرا به عنوان «قاضی» یا «حاکم شرع» دخیل بودند که نظر به بنیات و شهود کافی به وقوع جرمی معین –این‌جا جرم محارب- رسیدگی کنند و نه «گواه» یا «شاهد شرعی» بودند که در محکمه و نزد «قاضی» یا «حاکم شرع» مستقل به ادای شهادت اقدام نمایند. این بدین معنی است که حتی یک دادگاه فرمایشی نیز برای کسانی که محکومیت حبس محدود داشتند، هرگز برپا نشد. بلکه، اشخاص یادشده از طرف ارباب جنایتکار خوش برای اجرای قتلهای مورد نظر، بدون هر گونه مجوز قضایی و شرعی، دست به چنان جنایات وسیعی زدند.

ششم، اتهامهای خمینی، مندرج در متن و فتوای تکفیر در باره مجاهدین، هرگز بر موازین قضایی و قضاوت شرعی و با رسیدگی و تأیید یک «قاضی دادگاه» یا «حاکم شرعی» صورت نگرفته و مبتنی بر بینه شرعی، یعنی «گواه» و «شاهد شرعی» صورت نگرفت و بنابراین، تمامی این اعدامها که بدون رسیدگی قضایی و شرعی صورت گرفته، جز ابوهی «قتل» جنایتکارانه نبوده است که آمر آنها شخص روح‌الله خمینی و مجری این جنایتها امثال نیری و اشراقی و غیره بودند.

شریعت ضدشرعی خمینی

بسیار قابل توجه است که در شریعت متناقض و واژگونه خمینی که بدان عمل می‌کرده، درست معکوس و خلاف آن‌چه اجرا می‌شده که در شریعت رسمی و کتابهای فقهی، از جمله در کتاب خودش، «تحریرالوسیله»(۲)، آمده است. از این روی، این حکم قتل دستجمعی دهها هزار زندانی بی‌دفاع، تحت عنوان «مহারب» از اساس دروغین و ساختگی بوده و صدور آگاهانه چنین احکام غلط و خلاف، نافی عدالت حکم‌دهنده است تا چه رسد به صلاحیتش در مسند «حکومت شرعی» و یا «مرجع تقلید»

که مدعی آن هستند.

و همه این فقدان عدالت و صلاحیت شرعی و دینی، با نفس صدور چنین حکمی توسط خمینی ثابت و آشکار است. یعنی جدا از روش وارونه گماشتگان یادشده جهت «تشخیص» زندانی «مহারب» و مستوجب «اعدام» بر طبق حکم خمینی. گماشتگان جلادی که تنها به صرف آن‌که یک زندانی در خلال گفتگویی ۳-۴دقیقه‌یی از لفظ «مجاهد» برای نامیدن «سازمان مجاهدین» و یا شخص خودش استفاده می‌کرد، به صرف همین، وی را «مহারب» تشخیص می‌دادند. چیزی که البته هرچند بدون صراحت کافی، در نامه آقای منتظری به خمینی، مورخ ۹مرداد۶۷، منعکس شده است. منتظری از جمله می‌نویسد: «...ثالثاً بسیاری از آنها (زندانیان اعدامی) «سر موضع» نیستند ولی بعضی مسئولین تند با آنان معامله «سرموضع» می‌کنند...

فردا در محکوم به اعدام شده‌اند، اعدام کردن آنان بدون مقدمه و بدون فعالیت تازویی برخلاف موازین و احکام قضاات است... سادساً، دادستانی و اطلاعات ما در سطح مقدس اردبیلی نیستند و اشتباهات و تأثیر از جو بسیار و فراوان است و با حکم اخیر حضرت تعالی، بسای بی گناهای و یا کم گناهای هم اعدام می‌شوند...»(۳).

پنجم، این حکم خمینی، تجربه‌یی هر چند غیر منحصر به فرد است که عریان می‌دارد، چگونه بنیادگرایی تروریست برای قدرت و حاکمیت خویش، تا کجا از دیانت فاصله گرفته و در منجلاب جنایت و خونخوا‌ری غرقه می‌شود.

(ادامه دارد)

پانویس

۱- متن: «ز آن‌جا که منافقین خائن به هیچ‌وجه به اسلام معتقد نبوده و هرچه می‌گویند از روی حيله و نفاق انهناس و به افکار سران آنها از اسلام ارتداد پیدا کرده‌اند و باتوجه به محارب بودن آنها و جنگهای کلاسیک آنها در شمال و غرب و جنوب کشور با همکارهای حزب بعث عراق و نیز جاسوسی آنان برای صدام علیه ملت مسلمان ما با توجه به ارتباط آنان با استیکار جهانی و ضریات ناجوانمرانه آنان از ابتدای تشکیل نظام جمهوری اسلامی تا کنون، کسانی که در زندانهای محارب و کشور بر سر موضع نفاق خود پافشاری کرده و می‌کنند، محارب و محکوم به اعدام می‌باشند و تشخیص موضوع نیز در تهران را برای اکثریت آقایان حجتالاسلام نیری دامت افاضاته و جناب آقای اشراقی و نماینده‌یی از وزارت اطلاعات می‌باشد. اگر چه احتیاط در اجماع است، و به همین طور درزندانهای مراکز استان کشور رای اکثریت آقایان قاضی شرع، دادستان انقلاب و یا دادیار و نماینده وزارت اطلاعات ملزم‌الاتباع می‌باشند. رجم بر مجاربین ساده‌اندیشی اسلام، قاطعیت اسلام در برابر دشمنان خدا از اصول تردیندپذیر نظام است. اسامی افراد با خشم و کینه انقلابی خود نسبت به دشمنان اسلام رضایت خلوند متعال را جلب نمایند. آقایانی که تشخیص موضوع به عهده آننست وسوسه وشک و تردید نکنند و سعی کنند «شهادت علی الکفارة» باشند. تردید در مسائل قضایی اسلام انقلابی نایدید گرفتن خون پاک ومطهر شهدا می‌باشد. والسلام. روح‌الله الموسوی‌التحینی».

۲- تحریرالوسیله خمینی، کتاب حدود. فصل ششم در حد محارب: «مسأله ۱- مجارب به کسی گویند که اسلحه خود را به منظور تهدید و ترساندن مردم از غلاف در آورد و یا آن را مجهر سازد...». کارهایی که از یک زندانی اسیر مطلقاً بر نمی‌آید.

۳- خاطرات منتظری، انتشار اتحاد ناشرین اروپا. چاپ. ۲. دی۱۳۹۹. بخش بیوسته‌ا. ص. ۵۲۰.



تاریخ ایران زمین

دوران کهن

(از پیشدادیان تا پایان دوران ساسانی)
(۱۷)

عبداللهی معصومی

جنگهای ایران و روم

در دوره اشکانیان رومیها برای چیرگی بر ایران و هند، چندبار به ایران لشکر کشی کردند، اما، با شکست روبه رو شدند.

-نخستین جنگ در خرداد سال ۵۴ ق.م، در زمان پادشاهی آرداول، یکی از شاهان قدرتمند اشکانی، رخ داد که از سال ۵۶ تا ۲۷ ق.م، سلطنت کرد. این جنگ سرآغاز جنگهای طولانی ایران و یونان بود که تا پایان دوره ساسانی، بارها تکرار شد. در نخستین جنگ سه کنسول معروف روم (ژولیوس سزار، کراسوس و پومپه)، از سوی سنای روم زمام حکومت را به دست داشتند.

سنای روم در سال ۵۵ ق.م، فرماندهی لشکریان روم در شرق را به کراسوس سپرد و او را به حکومت سوریه منصوب کرد. کراسوس پیش از این تاریخ فرماندهی سرکوب قیام «گلادیا‌تور»های رومی به رهبری «اسپارتا کوس» را به عهده داشته و آن قیام را به نحو وحشیانه‌یی سرکوب کرده بود.

«سورنا»، سپهسالار دلیر ایرانی، فرماندهی لشکریان اشکانی در رویارویی با لشکریان روم را به عهده داشت. جنگ در حوالی شهر «خرزان» در کناره شرق رود فرات، در میانه شهرهای رُها و نصیبین رخ داد.

در نخستین روز جنگ سپاه بسیار مجهز روم از چابک‌سواران اشکانی که جز تیر و کمان سلاح دیگری نداشتند، اما در تیراندازی و تَک‌تازی بی‌مانند بودند، به سختی شکست خوردند و بیست هزار کشته و بیش از ده هزار اسیر به جا گذاشتند. پسر کراسوس، از فرماندهان دلیر سپاه روم، نیز در شمار کشته‌شدگان بود. سپاهیان رومی که به شدت روحیه خود را باخته بودند، شانه از میدان جنگ گریختند. فرای آن روز، سپاه اشکانی به تعقیب فراریان پرداختند و کراسوس در درگیری با دسته‌یی از سپاهیان اشکانی کشته شد.

-یکی دیگر از جنگهای ایران و روم در سال ۶۳ ق.م، در دوران پادشاهی «فرهاد چهارم» رخ داد که در سال ۳۷ ق.م، به سلطنت می‌رسیده بود. فرهاد چهارم‌بادر گریهای خانوادگی بر سر تصاحب تخت پادشاهی روبه‌رو شد و برای استوار کردن قدرت خود تمام برادرانش را، که ۱۷تن بودند، کشت تا در فرمانروایی بی‌رقیب باشد.

مار کوس آنتونیوس، از کنسولهای روم که مصر را به تصرف درآورده و شهر کهن «تیس صد دروازه» تختگاه آن را به ویرانه‌یی تبدیل کرده بود، بر آن شد با استفاده از کشمکشهای خانگی خاندان اشکانی، ایران را مانند مصر به تصرف در آورد. از این رو، شاه ارمنستان را به وعده فریفت و در سال ۶۳ ق.م، از راه ارمنستان به آذربایجان لشکر کشی کرد و با ویران کردن و تاراج روستاها و شهرهای میانه راه، خود را به مرکز آذربایجان رساند.

فرهاد چهارم در آذربایجان با سپاه نیروه روم روبه رو شد و شکست سختی بر آنها وارد کرد. در این جنگ که فرماندهی سپاهیان رومی را آنتونیوس به عهده داشت، با به‌جا گذاشتن تلفات بسیار ناچار به گریز از خاک ایران شد. شکست رومیها در این جنگ، کشمکشهای درونی میان ستا و کنسولهای روم را دامن زد و باعث شد که دولت کنسولی در روم برپه‌شده شود. امپراتور بعدی روم (اوکتابیوس اگوست) که خود شاهد تا کامیهای روم در این جنگها و پیامدهای ویرانگر آن بود، از هر گونه جنگی با ایران جلوگیری کرد و برای پایان‌دادن به این گونه جنگها رود فرات را رمز ایران و روم شناخت و به رومیان وصیت کرد که حرمت این مرز را نشکنند. از این تاریخ به مدت صدسال هیچ جنگی میان ایران و روم رخ نداد.

«مَهستان» و آزاداندیشی اشکانیان

در دوره اشکانیان شاه بر گزیده شورایی از سران و سرداران هفت خاندان قدرتمند پارسی (پهلوی) بود که «مَهستان» نامیده می‌شد. طبقه مهستان بر گزیدن شاه و نظارت بر کارهای دستگاه حکومت بود. این شورا هر گاه لازم می‌دید شاه را عزل می‌کرد و فرد دیگری را به جای او می‌نشانَد. البته، این فرد می‌بایست از خاندان «اشک» باشد که باور بر این بود که این خاندان دارای «قدّس» است و «فر» یا «زِد» دارد و افراد خاندانهای دیگر از این ویژگی بی‌بهره‌اند.

اشکانیان باورهای دینی خود را بر دیگران تحمیل نمی‌کردند. در دوره فرمانروایی اشکانی، آیینهای مختلف در داشتن پرستشگاهها و اجرای مراسم آیینی خود آزاد بودند و آزادی دینی برقرار بود. با این که آیین زردشت دین مسلط بر جامعه بود، مهرپرستان آزادانه مراسم مذهبی خود را انجام می‌دادند. در شرق ایران به ویژه در کابل، آیین بودا پیروان بسیاری داشت. برخی عقیده دارند بهای بزرگ بودا در میان (خنک‌بُت و سُرخ‌بِت) از یادگارهای دوره اشکانیان است. خاندان اشکانیان پیرو آیین میترا بودند، اما، تلاشی برای تحمیل این آیین به دیگران نداشتند و مردم هر منطقه از آیین آبابی خود پیروی می‌کردند.

آثار به جامانده از شهر اشکانی «هاترا»

شهر باستانی هاترا که آمیزه‌یی از سه تمدن ایرانی، یونانی و رومی است، مهمترین محوطه باستانی دوره اشکانیان است. این شهر در ۲۹۰ کیلومتری شمال بغداد، در مرز میان امپراتوریهای اشکانی و روم قرار داشت و کاروانهاییه که از شرق به سوریه و شهر ایترا» (اردن) و بعلبک (لبنان) یا به روم می‌رفتند، از این شهر می‌گذشتند. هاترا یکی از هجده ایالت امپراتوری اشکانیان بود. این ایالتها هر یک به صورت ملوک‌الطوایفی اداره می‌شدند و حاکم هر یک از آنها خود را شاه می‌خواند و فرمانبر شاه اشکانی بود که شاه شاهان (شاهنشاه) خوانده می‌شد. لوح رونق شهر «هاترا» تا پایان قرن دوم میلادی بود. وقتی ساسانیان روی کار آمدند، خاندان «آراساس» که بر شهر حکومت داشتند، با رومیان علیه دولت ساسانی متحد شدند و در سال ۲۴۰ میلادی لشکریان گری‌دانوس سوم (امپراتور روم از سال ۲۳۸ تا ۲۴۴ میلادی) در این شهر مستقر شدند. این ساله شاپور اول ساسانی را به یورش به این شهر برانگیخت. وی در سال ۲۴۱ میلادی، در نخستین سال تاجگذاریش، به این شهر یورش برد و آن را به تصرف درآورد. این ضربه ویرانگر چنان کمرشکن بود که شهر هاترا نتوانست آن را جبران کند. این شهر زیرِ نه تنها از رونق پیشین افتاد، بلکه دیری نپایید که از سکنه خالی شد. یکی از تاریخ‌نگاران رومی که در سال ۱۶۴ میلادی از ویرانه‌های این شهر دیدار کرده بود، می‌نویسد: «هاترا از سالها قبل ویران و متروک مانده است».

یک نمونه از آثار به‌جامانده از شهر «هاترا» معبد بزرگ شمس (خدای خورشید)،



«سَدّ سکندر»

اشکانیان برای جلوگیری از نفوذ قبایلی مانند قبایل سکایی، که گهگاه به شرق و جنوب شرقی دریای خزر، به قصد غارتگری، یورش می‌بردند، یک دیوار دفاعی مانند دیوار چین برپا کردند. به این دیوار (که یکی از آثار تاریخی معروف استان گلستان است)، سدّسکندر یا «قَرل آران» (مار سرخ) می‌گویند. این دیوار از شرق دریای خزر در منطقه گیشگان شروع می‌شود و پس از گذشتن از شمال گنبد کاووس به سوی شرق می‌رود و به کوه‌های «پیش کمر» و «صل می‌شود. در ازای این دیوار که ویرانه‌های آن هنوز باقی است، حدود ۱۷۰ کیلومتر و پهنای آن حدود ۱۰ متر بود. ادامه دارد

تصادف دو قطار در اندونزی ۱۳گشته بر جای گذاشت

در اندونزی بخش عمده‌یی از جابه‌جایی مسافر با قطار صورت می‌گیرد



امدادگران برای جمع‌آوری قربانیان تصادف قطار در نزدیکی ایستگاه گدیوک درزندیکی شهر پوربودادی در مرکز شبه‌جزیرهٔ جاوا در اندونزی در روز شنبه ۲۶ فروردین (۱۵ آوریل) آماده می‌شوند. به‌گفتهٔ وزیر ترابری اندونزی، گزارشات اولیه حاکی از این است که رانندهٔ قطاری که در حرکت بود، متوجه فرمان ایست نشده بود. به‌طور متوسط، دهها نفر سالانه در حوادث مشابه در اندونزی کشته می‌شوند.

تصاویر از تصادف دو قطار در نزدیکی ایستگاه گدیوک در نزدیکی شهر پوربودادی در مرکز شبه‌جزیرهٔ جاوا در اندونزی در روز شنبه ۲۶ فروردین (۱۵ آوریل) آماده می‌شوند. به‌گفتهٔ وزیر ترابری اندونزی، گزارشات اولیه حاکی از این است که رانندهٔ قطاری که در حرکت بود، متوجه فرمان ایست نشده بود. به‌طور متوسط، دهها نفر سالانه در حوادث مشابه در اندونزی کشته می‌شوند.

۴۱ نفر در درگیریهای افغانستان کشته شدند

۶ پلیس کشته و ۹ پلیس در این درگیریها زخمی شدند

به‌گزارش خبرگزاری رویتر ۲۷ فروردین، به‌نقل از پلیس قندهار، در نبرد بزرگی در جنوب افغانستان در صورت می‌گیرد و پلی‌ک از رهبران طالبان زندگی می‌ک‌ر‌د، ۴۱ مقلون طالبان و شش پلیس کشته شدند. در این نبرد که در جنوب غربی شهر قندهار رخ داد و تقریباً سراسر روز جمعه ادامه داشت، هلیکوپترهایی از

اعتصاب سراسری کارگران شهرداری یونان

این اعتصاب ده روز است که شروع شده است و کارگران اعتصابی درخواست دولت را برای گفتگو رد کرده‌اند

کارگران شهرداری خواستار حقوق بیشتر و شرایط بهتر کاری هستند. آنها درخواست دولت برای ورود به‌مذاکرات را رد کرده‌اند. کارگران اعتصابی گفتند بدون تعیین هر گونه محدودۀ زمانی به‌اعتصاب خود ادامه خواهند داد و هشدار دادند که این مسأله فضای نامساعدی را در ایام تعطیلات عید پاک در هفتهٔ آینده، به‌وجود خواهد آورد.

اهود اولمرت رسماً جانشین آریل شارون نخست‌وزیر اسرائیل شد

به‌گزارش خبرگزاری رویتر ۲۶ فروردین، اهود اولمرت رسماً جانشین آریل شارون نخست‌وزیر اسرائیل شد. ساعت ۱۲انیمه شب جمعه به‌وقت محلی، اهود اولمرت کفیل نخست‌وزیری اسرائیل، رسماً به‌عنوان نخست‌وزیر اسرائیل اعلام شد.

محمود عباس اوضاع اقتصادی در مناطق فلسطینی را انفجار آمیز توصیف کرد

نیروهای پلیس فلسطینی در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود پارلمان را به‌مدت کوتاهی اشغال کردند

در پی ناتوانی دولت فلسطینی به‌رهبری حماس از پرداخت حقوق بیش از ۱۴۰هزار کارمند خود، محمود عباس رهبر فلسطین، اوضاع اقتصادی در مناطق فلسطینی را انفجار آمیز توصیف کرد. این در حالی است که عمرو موسی دبیر کل اتحادیهٔ عرب، خواستار کمک مستقیم مردم کشورهای عربی به‌دولت فلسطینی شده‌است.

به‌گزارش خبرگزاری فرانسه ۲۶ فروردین، ۵۰ تن از نیروهای امنیتی فلسطین ساختمان پارلمان فلسطین را در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود، به اشغال در آوردند.

به گفتهٔ منابع فلسطینی، مردان مسلح وابسته به جنبش فتح تحت رهبری محمود عباس موفق شدند که بدون شلیک وارد ساختمان پارلمان در خان یونس شده و آن‌را به اشغال خود درآوردند. آنان کمی بعد ساختمان

ادامۀ مذاکرات بین دولت سریلانکا و شورشیان تامیل در پرده‌یی از ابهام قرار گرفت

به‌گزارش خبرگزاری فرانسه ۲۷ فروردین (۱۶ آوریل)، شورشیان برهاری تامیل شرکت خود در مذاکراتی که قرار بود برای حفظ آتش‌بس شکندۀ آنان با دولت سریلانکا در ژنو انجام شود را معلق کردند.

برهاری تامیل در نامه‌یی به دولت نروژ که میانجی مذاکرات است، اعلام کردند که تا زمانی که دولت کلمبو محدودیت جابجایی کادرهای آنان را لغو نکند، در مذاکرات شرکت نخواهند کرد. این مذاکرات قرار بود هفتهٔ آینده تشکیل شود. فرماندهان سازمان برهاری آزادبیش تامیل برای

انفجار دو بمب در بزرگترین مسجد هند

انفجار دو بمب در مسجد اصلی دهلی نو در روز جمعه ۲۵ فروردین، کمی قبل از این که نمازگزاران برای نماز مغرب گرد آیند، ساختمان مسجد تاریخی مربوط به ۳ قرن پیش را لرزاند. در این انفجارها در بزرگترین مسجد هند، دست کم ۱۳ نفر مجروح شدند.

انفجار در مسجد دهلی نو در همان روزی روی داد که یک رشته حملات با نارنجک توسط شورشیان جدایی طلب در شهر سری‌نگار در شمال هند، باعث مرگ ۵ تن و زخمی شدن ۳۰ تن دیگر شد.

پلیس گفت بمبهای کارگذاشته شده در مسجد، کم قدرت بودند. تا کنون کسی مسئولیت انفجار را به‌عهده نگرفته است.

بلافاصله پس از انفجار، مسجد تخلیه شد. کارشناسان پلیس به جستجوی بصب های بیشتری پرداختند و مأموران محل را محاصره کردند. اما ظرف ۲ ساعت پلیس اجازه در مراسم نماز ادامه پیدا کند، دقایقی پس از انفجار، کانالهای تلویزیونی محلی،



صدها دانشجو و کارگر در خیابانهای شهر تولوز در جنوب غربی فرانسه، علیه قانون کار موسوم به CNE تظاهرات می کنند. دانشجویان فرانسه روز جدیدی برای اعتراض اعلام کردند و متعهد شدند که دولت را برای کوتاه آمدنهای بیشتر پس از کنار گذاشتن این قانون مورد اعتراض، تحت فشار قرار دهند.

می‌آید، کارگران را به سهولت استخدام و اخراج کند. اما تنها برای مؤسسات کوچک کاربرد دارد. در نقطهٔ مقابل احساس پیروزی در میان نظامر کنندگان، رئیس مدف، اتحادیهٔ صاحبان صنایع فرانسه، گفت که رد CPE اطمینان اقتصادی را به لرزه در آورده است. لورنس پارسو، رئیس مدف، دوولپن را به‌خاطر شجاعت وی در ربط دادن عدم تعطف بازار کار با میزان بیکاری ستود و گفت که اتحادیه‌ها اشتباه می‌کنند که این را پیروزی می‌بینند. پس از پیروزیهایی مانند این، همهٔ ما بازنده خواهیم بود.



ندارد، به این‌بست مواجهه است. برلوسکونی که روز جمعه با خبرنگاران سخن می‌گفت، اظهار نظر کرد که: منطق حکم می‌کند که ما یک لحظه بر اساس منافع همه بیندیشیم. اگر این یک لحظه وجود ندارد، ما در پارلمان به‌عنوان اپوزیسیونی که قطعاً سخت‌سر خواهد بود، حضور خواهیم یافت. این نزدیکترین اظهار نظر برلوسکونی به قبول شکست است و پیشنهاد مهم او به پرودی برای تقسیم قدرت، ظاهراً آخرین تلاش ممکن می‌باشد. پیشنهاد تقسیم قدرت، پس از این مطرح شد که وزارت کشور اعلام کرد که در تخمین تعداد آرای مورد اختلاف دچار اشتباه شده و رقم ۵۲۶۶ را به‌جای ۸۲۸۵۰ که در ابتدا گفته بود، اعلام کرد. در نتیجه آخرین امیدهای نخست‌وزیر به پیروزی در انتخابات، به یأس گرایید.



یک تظاهرکنندۀ هوادار احزاب مخالف شعار «زننده باد دموکراسی» را در تظاهراتی که در روز یکشنبه ۲۷ فروردین بالا می‌برد. پلیس نپال به‌دست تظاهرکنندگان در حومهٔ کاتماندو، گلوله‌های لاسیتیکی شلیک کرده و حداقل ۶ نفر را زخمی کرد.

دولت سلطنتی قصد داشتند که در مرکز پایتخت جمع شده و بزرگترین تظاهرات هفته را برگزار کنند. اما حضور سنگین پلیس و ارتش در خیابانهای پایتخت و دستگیری ۲۰ معترض، مانع این برنامه شد. ساکنان سراسر کاتماندو، به خیابانها آمدند تا دنبال کار، خرید یا گردش بزنند. گویال شرستا به دکه کنار خیابان خودش که در آنجا عینکهای آفتابی می‌فروخت، برگشت و از این که می‌توانست به سر کار برگردد خوشحال بود. او گفت: مردم در داخل خانه‌هایشان نیاز به عینک آفتابی ندارند.

به نقل از رادیو آلمان ۲۳ فروردین

۱۳۰ هزار اتومبیل اکل سوز در سوئد مورد استفاده قرار می‌گیرند و ۵۰۰ پمپ اتانول در این کشور ایجاد شده است

است.
مهمترین نمونه، سوئد است که بر اساس یک برنامهٔ تازه می‌خواهد تا سال ۲۰۲۰ خود را به طور کلی از نفت بی‌نیاز کند.
یوران پرسون، نخست‌وزیر سوئد، این هفته، شخصاً ریاست کمیسیونی را به عهده گرفت که برای تحقق این هدف برنامه‌ریزی می‌کند.
سه‌م نفت، در تأمین انرژی سوئد، هم اکنون نیز، از بیشتر کشورهای صنعتی جهان کمتر است. در زمینهٔ تولید اتومبیلهایی با سوخت غیر فسیلی نیز، سوئدبها سرآمد رقبای غربی خود هستند. آنها از مدتها پیش ساخت اتومبیلهایی را آغاز کرده‌اند که می‌توانند هم با بنزین و هم با ترکیبی از ۸۵ درصد اتانول و ۱۵ درصد بنزین به‌حرکت در آیند. گروه خودروسازی فورد، در این امر پیشتقدم بود. اما اکنون، ولوو و ساب نیز به این جنبش پیوسته‌اند. بر اساس آمار رسمی، هم اکنون ۳۰ هزار اتومبیل الککل سوز در سوئد مورد استفاده قرار می‌گیرند و ۵۰۰ پمپ اتانول در این کشور ایجاد شده است.
سوئدبها، در واقع پس از بحران نفتی سال ۱۹۷۳ میلادی، برای کاهش نیازهای نفتی خود برنامه ریزی کردند و در این زمینه تا امروز بسیار موفق بوده‌اند. در این کشور، مصرف گازوئیل برای کارخانه‌های ساختمانی‌ها، نسبت به سال ۱۹۷۳ هفتاد و پنج درصد کاهش یافته است. علاوه بر این، صنایع کشتی و هوشه‌اند مصرف نفت خود را از سال ۱۹۹۴ تاکنون ثابت نگه دارند. در حالی‌که ظرف همین مدت ۷۰ درصد بر حجم تولید خود افزوده‌اند.

فرانسه، عقب نشینی دولت و ادامهٔ اعتراضات

اتحادیه‌ها از اعلام اعتصابات جدید خودداری کردند و بعضی از دانشگاهها، از جمله در شهر «رن» در غرب فرانسه که از مراکز اعتراض بود، در حالی‌که تعطیلات عید پاک و امتحانات بهاره در راه بود، رأی به بازگشایی کلاسها دادند.

۴۴۰۰دستگیری

وزیر کشور نیکلا سارکوزی، که بعد از این که رقیبش، نخست وزیر دومینیک دوویلبن مجبور به پس گرفتن قانون کار شد، قویتر ظاهر شده، استدلال کرد که بالا و پائین شدن دولت به‌معنای این نیست که در گذراندن قوانین مورد نیاز ولو این که فاقد محبوبیت باشند، ناتوان است. او به رادیو اروپا ۱ گفت: من فکر نمی‌کنم که فرانسویها فرم را رد می‌کنند. فرانسویها تفرامی را بدین‌دما همه‌مشه می‌خواهند مطمئن شوند که منصفانه باشد. آنها این پیشنهادات را غیر منصفانه یافتند.

اما او گفت که بعد از ۱۲ سال ریاست‌جمهوری شیراک، فضای چندانی برای رفرم باقی نمانده است. او گفت: در اواخر دورهٔ یک دولت، مثل آغاز آن نمی‌توان رفرم کرد. آن‌روز نفر در ۵۰روز اعتراضات سراسری علیه قانون کار که طی دو ماه روی داد، دستگیر شدند.

برنارد تیبول، رهبر اتحادیهٔ کارگری س.ژ.ت گفت که می‌خواهد روی قانون کار دیگری موسوم به CNE متمرکز شود. این قانون به کارفرما اجازه می‌دهد که طی دو سال نخست استخدام که دورهٔ آزمایشی به‌حساب

تعليق اعلام نتیجهٔ انتخابات ایتالیا در دورهٔ تعطیلات عید پاک

رم (خبرگزاری فرانسه) — درحالی‌که به چالش کشیدن نتیجهٔ انتخابات ایتالیا توسط سیلیویو برلوسکونی، نخست‌وزیر فعلی، توان خود را از دست می‌دهد، این کشور منتظر تأیید نهایی برد ضعیف رومانو پرودی، رهبر چپ میانه است.

پرودی روز شنبه درخواست برلوسکونی برای تشکیل یک دولت کوتاه‌مدت مبتنی بر تقسیم قدرت را که در نامه‌یی به روزنامهٔ کوریره دلاسر مطرح کرده بود، رد کرد. در عوض رهبر ۶۶ سالهٔ چپ میانه، خواستار معذرت‌خواهی از جانب نخست‌وزیر محافظه‌کار شد. پرودی گفت: پس از آن‌چه که وی (برلوسکونی) در مورد تقلب انتخاباتی گفته است، باید طلب بخشش کند. او اواخر روز جمعه گفته بود که زمان آن رسیده است که ما این کمندی عجیب را به پایان برده و پیش برویم. برلوسکونی پیشنهاد کرده بود که اختلافهای رقیب، ائتلافی موقتی برای «باسخگویی» به زمانبندی فوری نهادهی، اقتصادی و بین‌المللی کشور» تشکیل دهند.

روز جمعه زمانی که مشخص شد که میزان آرای مورد اختلاف، کمتر از آن است که نتیجهٔ انتخابات را که با اکثریت ناچیزی به‌نفع ائتلاف چپ

احزاب سیاسی نپال خواستار تظاهرات بزرگ و توقف پرداخت مالیات می‌شوند

به‌گزارش خبرگزاری فرانسه، احزاب سیاسی کنار زده شدهٔ نپال، طی اعلامیه‌یی که روز یکشنبه منتشر شد، خواستار برگزاری یک تظاهرات بزرگ در پایتخت نپال در روز پنجشنبه ۲۰ آوریل (۳۱ فروردین) شدند و شهروندان را تشویق کردند که از پرداخت مالیات و قبوض برق و آب خودداری کنند تا از این طریق سرنگونی دولت سلطنتی تسرع شود. این درخواست در یازدهمین روز اعتصاب و اعتراض متوالی علیه غضب قدرت مطلقه توسط پادشاه گیانتندرا در ۱۴ ماه قبل، انتشار یافت. اعتصابات اخیر باعث کمبود مواد غذایی و سوختی و افزایش شدید قیمتها در کاتماندو شده است. روز جمعهٔ پادشاه نپال به مناسبت سال نو در نپال، سخنرانی کوتاهی ایراد کرد. به گزارش بی‌بی‌سی، سخنان شاه کوتاه بود و حاوی هیچ ابتکار عمل تازه‌یی نبود. حاکم نپال تنها به‌این نکته اشاره کرد که او از همهٔ احزاب سیاسی می‌خواهد وارد گفتگو شوند و افزود که این چیزی است که او همواره خواستار آن بوده است. جلیتر آن‌که در این سخنان شاه گیانتندرا به‌طور مستقیم به اعتراضات یک هفته گذشته و هم‌چنین شورش مائونیستها اشاره‌یی نکرد.

به‌گزارش آسوشیتدپرس در زمانی که پادشاه نپال به‌خاطر ادامهٔ تظاهرات خشونت‌آمیز اجباراً با انتخاب بین در پیش گرفتن مسیر سخت‌سرنانه یا دادن امتیاز مواجه است، روز چهارشنبه پلیس، یک تظاهر کنندهٔ خواستار استقرار مجدد دموکراسی را کشت.

به گفتهٔ یک مقام رسمی که به‌شرط ناشناس ماندن به‌این دلیل که اجازه صحبت با خبرنگاران را نداشته، سخن می‌گفت، صدها تن از تظاهر کنندگان در شهر پراسی، در ۱۲۵ مایلی جنوب غربی پایتخت، به‌دست پلیس سنگ و آجر پرتاب کردند. پلیس به‌دست تظاهر کنندگان آتش گشود که منجر به کشته‌شدن یک نفر و مجروح شدن ۵ تن دیگر شد.

تظاهرات، شهر ها و شهر کهای سراسر نپال را فراگرفت، اما مقامات از برگزاری تظاهرات بزرگ در کاتماندو جلوگیری کردند. دست کم ۲۹ کخبرنگار معترض به سرکوب رسانه‌ها توسط حکومت از زمان غضب قدرت مطلقه توسط پادشاه گیانتندرا، در کاتماندو دستگیر شده‌اند.

گیانتندرا که طی مدت بحران، سکوت تنبی را حفظ کرده و روز های خود را در شهر ساحلی پورخامی گذراند، تنها به دادن یک بیانیه که بدون اشاره مستقیم به خواستههای تظاهر کنندگان، دعوت به آرامش می‌کند،

افزایش قیمت نفت سبب روی آوردن روز افزون به سایر انواع انرژی می‌شود

۱۳۰ هزار اتومبیل اکل سوز در سوئد مورد استفاده قرار می‌گیرند و ۵۰۰ پمپ اتانول در این کشور ایجاد شده است

است.
مهمترین نمونه، سوئد است که بر اساس یک برنامهٔ تازه می‌خواهد تا سال ۲۰۲۰ خود را به طور کلی از نفت بی‌نیاز کند.
یوران پرسون، نخست‌وزیر سوئد، این هفته، شخصاً ریاست کمیسیونی را به عهده گرفت که برای تحقق این هدف برنامه‌ریزی می‌کند.
سه‌م نفت، در تأمین انرژی سوئد، هم اکنون نیز، از بیشتر کشورهای صنعتی جهان کمتر است. در زمینهٔ تولید اتومبیلهایی با سوخت غیر فسیلی نیز، سوئدبها سرآمد رقبای غربی خود هستند. آنها از مدتها پیش ساخت اتومبیلهایی را آغاز کرده‌اند که می‌توانند هم با بنزین و هم با ترکیبی از ۸۵ درصد اتانول و ۱۵ درصد بنزین به‌حرکت در آیند. گروه خودروسازی فورد، در این امر پیشتقدم بود. اما اکنون، ولوو و ساب نیز به این جنبش پیوسته‌اند. بر اساس آمار رسمی، هم اکنون ۳۰ هزار اتومبیل الککل سوز در سوئد مورد استفاده قرار می‌گیرند و ۵۰۰ پمپ اتانول در این کشور ایجاد شده است.
سوئدبها، در واقع پس از بحران نفتی سال ۱۹۷۳ میلادی، برای کاهش نیازهای نفتی خود برنامه ریزی کردند و در این زمینه تا امروز بسیار موفق بوده‌اند. در این کشور، مصرف گازوئیل برای کارخانه‌های ساختمانی‌ها، نسبت به سال ۱۹۷۳ هفتاد و پنج درصد کاهش یافته است. علاوه بر این، صنایع کشتی و هوشه‌اند مصرف نفت خود را از سال ۱۹۹۴ تاکنون ثابت نگه دارند. در حالی‌که ظرف همین مدت ۷۰ درصد بر حجم تولید خود افزوده‌اند.

بهای نفت خام، بار دیگر سیر صعودی پیمود و به بالاترین سطح در سال جدید رسید. کارشناسان، اوج‌گیری تنش اتمی ایران، حمله‌های شورشیان نیجر به به‌خطوط لولهٔ نفت، و کاهش ذخائر استراتژیک آمریکا را دلایل عمدهٔ افزایش نرخ نفت تشخیص دادند.

براساس پیش بینی کارشناسان، روند افزایش بهای نفت خام، در دورهٔ آینده ادامه خواهد یافت و نرخ انواع نفت تگزاس و برنت مرز ۷۰ دلار را نیز پشت سر خواهد نهاد. در این میان، عربستان سعودی اعلام کرد که برای کمک به تثبیت بهای نفت، تصمیم دارد ۴۱ میلیارد دلار در تاسیسات نفتی خود سرمایه گذاری کند. با این اقدام، محدودیت عضو اوپک، خواهد توانست ظرفیت تولید خود را ۹ میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه، به ۱۲ میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه در روز افزایش دهد.

نوعیهٔ فوری بالا رفتن بهای نفت، کاهش ارزش سهام بورس در غرب و افزایش نرخ فلزات قیمتی مثل طلا، نقره و هم‌چنین مس بود. نرخ هر اونس طلا، برای نخستین بار ظرف ۲۶ سال گذشته، ۶۰۰ دلار رسید و بهای نقره نیز، در بورسهای جهانی رکورد ۲۳ سال گذشته را شکست.

نوسانات شدید نرخ نفت و گاز، اکنون کشورهای صنعتی جهان را وادار به تلاش بیشتر در راه استفاده از انرژیهای غیر فسیلی کرده

خاطره پیشوایان رهایی خلق، شهیدان ۳۰فروردین ۱۳۵۱ و ۱۳۵۴ گرامی باد

سروهای سرافراز فروردین

به مناسبت سی‌وچهارمین سال شهادت اولین دسته از اعضای مرکزیت سازمان مجاهدین خلق ایران در ۳۰فروردین ۱۳۵۱

به یاد ۹ شقایق سرخ تپه‌های اوین



بیژن چرنی

در ۳۰فروردین ۱۳۵۴دژخیمان ساواک اربامهری، به جنایت هولناکی دست زدند. و در یک عمل شقاوت‌بار، خونهای پاک ۹انقلابی اسیر را بر فراز تپه‌های اوین بر زمین ریختند. خلق قهرمان ایران خاطره جانبازی و قهرمانیهای ۹شقایق سرخ تپه‌های اوین را که ناجوانمردانه پرپر شدند، هرگز فراموش نخواهد کرد و به حافظه تاریخی خویش خواهد سپرد.



کاظم ذوالانوار



مصطفی جوان خوشدل



ناصر صادق



علی میهندوست



محمد بازر گانی



علی باکری

مسعود در دادگاه فریاد زد:

«ما را اعدام کنید، این بالاترین افتخار ماست، منطق ما با جانبازی و از خودگذشتگی شروع می‌شود... پیروزی نزدیک است، ما قیمت آن را پذیرا هستیم و این شعله خاموش نخواهد شد».

مجاهد شهید علی میهندوست:

وظیفه هر انقلابی این است که در هر لحظه موقعیت و محل دقیق خود را در صفحه مختصات نبرد و در میدان مبارزه تعیین کرده و از آن طریق درجه صلاحیت و قدرت خود را در قبال مسئولیتها تعیین کرده و سپس با تمام نیرو و امکانات خود به انجام مسئولیت بپردازد و بداند که فقط در حین عمل و کار جمعی است که جنبه‌های مثبت فرد رشد یافته و جنبه‌های منفی

قامت چهار سر و سرفراز ما، ناصر صادق، علی

میهندوست، محمدبازرگانی و علی باکری، در ۳۰فروردین سال ۱۳۵۱ و کاظم ذوالانوار و مصطفی جوان خوشدل، دو شقایقی که چهار سال بعد همراه با هفت تن از یاران فدایی «شان در تپه‌های اوین به خون تپیدند، چنان «مرگ را سرودی کردند»، که بهار/چون آواری/ بر رگ دوزخ خزید». البته با خون این شهیدان والامقام، دیکتاتوری شاه نتوانست، بهار آن سال را برای مردم ایران زخمی و خزان کند، اما دیکتاتور مست قدرت، نمی‌دانست نه تنها آن‌طور که هدفش بود، بلوغ بهار جنبشی که جوانه زده بود عقیم نخواهد شد، بلکه، لاله‌هایی که از خونشان برآمد، هم‌چون آینه‌یی در برابر مردم قرار گرفت و سیمای تابان آن قهرمانان را تا ابد در ذهن و ضمیر مردم حک نمود.

می‌گویند در طی طریق، «عشق» مهیبت‌رین وادی است که هر سالکی در برابر خود دارد. شاید به همین دلیل است که عطار در منطق‌الطیر خود، «عشق» را پس از «طلب» دومین وادی قرار داده

است. طلب، یعنی خواستن. جستن. چیزی که سالک یا جستجوگر می‌خواهدش. که همان حقیقت ناب است. عطار سخت‌ترین وادی یعنی «عشق» را در همان آغاز کار قرار داده تا «طلب» کننده از همان ابتدا امتحانش را پس دهد و بتواند به سلوک عشق ورزیدن برای رسیدن به غایت مقصود دست یابد. همان عشقی که البته «عقل» تاجرپیشه هیچ‌گاه به خاک در گاهش هم راه نمی‌برد و به قول مولانا:

عقل در شرحش چو خر در گل بخت

شرح عشق و عاشقی هم عشق گفت

تعبیری که از عشق عطار ارائه می‌دهند، این است که رسیدن به چنین مرتبه از عشق، تنها با

گذشتن از «عشق دوپایه» میسر است. آیا، چنین تعبیر پاک و تمیزی از عشق، جز این است که در وجود این سالکان عاشق ما فوران می‌کرد؟ چنان‌که چون شراره‌یی از وادیش گذشتند و پاکیازانه در وادی «توحید» خفتند. مجاهد والامقام، علی باکری، از جمله گوهران تابناک همین جمله عاشقان بود. او هم از استعداد سرشار و خلاق برخوردار بود و هم در عرصه کار و تلاش زندگی خصوصی به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته بود. و از نگاه یک جامعه عادی از جاذبه‌های بسیاری برخوردار بود و در یک کلام هیچ کم نداشت. ولی همه آنها را برای پرش به افق بلندی که در ذهن بی‌تابش ترسیم کرده بود، زیر پا نهاد و چنان شخصیتی انقلابی از خود ساخت که الگویی جاویدان برای نسل خود و نسلهای بعد از خود گردید.

این سر که نشان سرپرستی است

وین گونه رها ز قید هستی است

کدام نیرویی جز عشق به مردم محروم و تحت ستم دیکتاتوری و عشق به آزادی می‌توانست چنان شجاعت و بی‌باکی را برانگیزد که در برابر آن دادستانی که نشاندار «تاج و ستاره» قدر و قدرتی نظامی بود که خاکک تحت سلطه‌اش را جزیره ثباتش می‌نامید، فریاد برآورد: «ما به انهم کوشش برای سرنگونی رژیم محاکمه می‌شویم، با کمال افتخار این اتهام را قبول می‌کنیم، ما می‌دانیم که نهضت قربانی می‌طلبد و حاضریم خودمان اولین قربانیان آن باشیم».

همین عشق بود که چنان ایمانی به وجود آورده بود که با وجود آن ضربه کمرشکن شهروبر سال ۵۰، که بنیانگذاران و همه اعضای مرکزیت

را به بند کشید، اما سرسوزنی از ایمان راسخشان

نسبت به افق بالابلندی که در اندیشه داشتند کم نکرد و در آستان «میدان‌گاه جادوانگی» نیز چشم از «طلوع آفتاب» بر نمی‌گرداندند و در طنین صدای ناصر خطاب به مردمش می‌پیچید که: «ما به شما نوید می‌دهیم، ما دماغه کشتی

پیروزی را در افق اقیانوس توده‌ها می‌بینیم. ما پیروزی خلق را می‌بینیم. ما پیروزی توحید را می‌بینیم، ما طلوع صبح را می‌بینیم».

ما صحنه‌هایی که کاظم آن کرد سرفراز آفریده بود که از فراسوی طاق‌ت انسان نیز می‌گذرد، حاصل کدام نیرو و توان است؟ آن‌جا که وقتی با تنی خون‌آلود و گلوله‌یی در ناحیه فک، با برانکارده تخت شکنجه‌اش بررند. درحالی‌که همه پزشکان تحت امر ساواک گواهی می‌دادند که او بی‌هوش نیست، ولی شکنجه‌گران در بهت و حیرت بودند که چگونه است با این همه شکنجه و تحریک زخم تازه گلو و جراحات بدنش با چاقو و دیگر اشیاء، اما حسرت یک آه را هم بر دل جلالان گذاشته بود و هرگز

لب نگشود. اما فراتر از قهرمانیهاش در زیر شکنجه، فروتنی و تواضع در برابر دیگران و شخصیت و اخلاق والای انقلابی او بود که بر تمام محیط زندان تأثیر گذاشته بود و بسیاری از همبندان غیرمجاهدش را نیز شیفته خود کرده بود. به راستی که تمامیت یک مجاهد خلق، در قامت و سلوک کاظم متجلی بود.

هر بامداد

کبوتری سبید از قلبش آب می‌خورد

و در تمام روز

دو ببر سیاه در چشمانش می‌دوید

کبوتران تشنه!

بر به بند کشید، اما سرسوزنی از ایمان راسخشان نسبت به افق بالابلندی که در اندیشه داشتند کم نکرد و در آستان «میدان‌گاه جادوانگی» نیز چشم از «طلوع آفتاب» بر نمی‌گرداندند و در طنین صدای ناصر خطاب به مردمش می‌پیچید که: «ما به شما نوید می‌دهیم، ما دماغه کشتی

پیروزی را در افق اقیانوس توده‌ها می‌بینیم.

ما پیروزی خلق را می‌بینیم.

ما طلوع صبح را می‌بینیم».

ما صحنه‌هایی که کاظم آن کرد سرفراز آفریده بود که از فراسوی طاق‌ت انسان نیز می‌گذرد، حاصل کدام نیرو و توان است؟ آن‌جا که وقتی با تنی خون‌آلود و گلوله‌یی در ناحیه فک، با برانکارده تخت شکنجه‌اش بررند. درحالی‌که همه پزشکان تحت امر ساواک گواهی می‌دادند که او بی‌هوش نیست، ولی شکنجه‌گران در بهت و حیرت بودند که چگونه است با این همه شکنجه و تحریک زخم تازه گلو و جراحات بدنش با چاقو و دیگر اشیاء، اما حسرت یک آه را هم بر دل جلالان گذاشته بود و هرگز

لب نگشود.

اما فراتر از قهرمانیهاش در زیر شکنجه، فروتنی و تواضع در برابر دیگران و شخصیت و اخلاق والای انقلابی او بود که بر تمام محیط زندان تأثیر گذاشته بود و بسیاری از همبندان غیرمجاهدش را نیز شیفته خود کرده بود. به راستی که تمامیت یک مجاهد خلق، در قامت و سلوک کاظم متجلی بود.

هر بامداد

کبوتری سبید از قلبش آب می‌خورد

و در تمام روز

دو ببر سیاه در چشمانش می‌دوید

کبوتران تشنه!

درباره بند کشید، اما سرسوزنی از ایمان راسخشان نسبت به افق بالابلندی که در اندیشه داشتند کم نکرد و در آستان «میدان‌گاه جادوانگی» نیز چشم از «طلوع آفتاب» بر نمی‌گرداندند و در طنین صدای ناصر خطاب به مردمش می‌پیچید که: «ما به شما نوید می‌دهیم، ما دماغه کشتی پیروزی را در افق اقیانوس توده‌ها می‌بینیم. ما پیروزی خلق را می‌بینیم. ما طلوع صبح را می‌بینیم».

ما صحنه‌هایی که کاظم آن کرد سرفراز آفریده بود که از فراسوی طاق‌ت انسان نیز می‌گذرد، حاصل کدام نیرو و توان است؟ آن‌جا که وقتی با تنی خون‌آلود و گلوله‌یی در ناحیه فک، با برانکارده تخت شکنجه‌اش بررند. درحالی‌که همه پزشکان تحت امر ساواک گواهی می‌دادند که او بی‌هوش نیست، ولی شکنجه‌گران در بهت و حیرت بودند که چگونه است با این همه شکنجه و تحریک زخم تازه گلو و جراحات بدنش با چاقو و دیگر اشیاء، اما حسرت یک آه را هم بر دل جلالان گذاشته بود و هرگز

لب نگشود. اما فراتر از قهرمانیهاش در زیر شکنجه، فروتنی و تواضع در برابر دیگران و شخصیت و اخلاق والای انقلابی او بود که بر تمام محیط زندان تأثیر گذاشته بود و بسیاری از همبندان غیرمجاهدش را نیز شیفته خود کرده بود. به راستی که تمامیت یک مجاهد خلق، در قامت و سلوک کاظم متجلی بود.



شماره ۷۹۶ – دوشنبه ۲۸فروردین ۱۳۸۵



یکی از تنگین‌ترین جنایتی که دیکتاتوری محمدرضاشاه به آن دست یازید، کشتار مظلومانه وحشیانه ۹تن از بهترین فرزندان مردم ایران در تپه‌های اوین بود. دیکتاتوری شاه که در آخرین سالهای حکومتش همواره در وحشت و اضطراب از اوچگیری و گسترش مبارزه مردم متأثر از مبارزه اقدام کثیف و شقاوت‌بار و با طراحی و اجرای ساواک شاه، در تاریخ ۳۰ فروردین ۱۳۵۴ خون ۹ انقلابی اسیر را بر تپه‌های اوین بر زمین ریخت. این قهرمانان عبارت بودند از: فداییان شهید، بیژن جزنی، حسن ضیاطربقی، عزیز سمدی، سعید مشعوف کلانتری، محمد چوپان‌زاده، عباس سورکی، احمد جلیل‌افشار و دو مجاهد خلق؛ کاظم ذوالانوار و مصطفی جوان خوشدل.

بعد، روزنامه‌های شامگاهی تحت سلطه دیکتاتوری شاه، مطابق داستانی که ساواک از پیش طراحی کرده بود نوشتند: «۹ زندانی به‌هنگام فرار کشته شدند». دژخیمان ساواک در خبر دست‌ساز خود تلاش کرده بودند برای مردم چنین صحنه‌پردازی کنند که گویا قهرمانان در زنجیر قصد فرار از زندان اوین را داشته اما در تپه‌های پایوه‌های مسخره را باور نکردند، بلکه انتشار خبر این جنایت سبعمه تا اعماق جامعه و به‌خصوص افشار روشنفکر را تکان داد و کینه و نفرت عمومی هرچه بیشتر را علیه دیکتاتوری شاه و عمال جانی‌کارس برانگیخت.

هم‌چنان‌که برخی دژخیمان ساواک بعداز سقوط رژیم شاه اعتراف کردند، بر اساس توطئه از پیش طراحی‌شده‌یی مزدوران ساواک ۹انقلابی اسیر را با چشمان بسته به‌سمت تپه‌های اوین بردند و برفراز تپه‌های اوین آنها را روی زمین نشانادند، سپس با مسلسلی که جلالان دست به‌دست می‌گرداندند، فرزندان دلیر مردم ایران را به‌خاک و خون

کشیدند. فردای آن‌شب، ساواک در رسانه‌های رژیم خبر داد که ۹ زندانی سیاسی که درحین انتقال به‌زندان دیگری بودند، درحال فرار کشته شدند. همه می‌دانستند که این خبر را ساواک برای پوشاندن ضعف و زبونی خود درقبال انقلابیون جعل کرده‌است. ساواک برای این جنایت از مدتها قبل آماده بود و انتقال این زندانیان از چندماه پیش انجام شده بود و به‌دروغ از فرارشان سخن می‌گفت. درحالی‌که از آنها نمانده بود. روز بعد از این جنایت، خشم و سکوتی سنگین در زندانهای سیاسی سایه افکنده بود. در آن روز انقلابیون اسیر در زندانها به یاد همرزمان شهیدشان، هنگام نرمش صبحگاهی، در یک جهت صف کشیدند و حرکات نرمش را با بار تکرار کردند و هر بار عدده را فریاد زدند و

این سنت را تا روز بازگشایی در زندانها در قیام ضدسلطنتی ادامه دادند. در میان این شهیدان چریکهای فدایی خلق، بیژن جزنی، پیش‌قراول‌شان بود. او در شمار نخستین انقلابیونی بود که با درس گرفتن از تجارب خونبار مبارزات گذشته مردم ایران، به تشکیل گروهی با اعتقاد به استراتژی مبارزه مسلحانه همت گماشته بود. بیژن و یاران شهیدش در سال۴۶ به اسارت ساواک درآمدند. این انقلابیون اسیر که در زندانهای شاه به گروه جزنی معروف شدند، هریک به زندانهای طولانی محکوم شده بودند. جزنی و یارانش در دفاع از جنبش مسلحانه انقلابی با سازشکاری و رفرمیسم مرزبندهای روشن و قاطعی داشتند و عافیت‌جویان و تسلیم‌طلبان همنوا با ساواک و همدست دیکتاتوری را افشا می‌نمودند. از بیژن جزنی کتاب تاریخ ۳۰ساله و چندین مقاله و جزوه ارزشمند درباره تاریخ معاصر ایران و استراتژی مبارزه مسلحانه باقی مانده که محصول تلاشهای نظری او و یارانش در زندان است. یاد و نام این ۹ شقایق سرخ تپه‌های اوین همواره در قلب مردم ایران زنده است.

موج اعتراضات علیه حکم اعدام زندانی مجاهد ولی‌الله فیض مهدوی



جوانان و زنان، در تظاهرات شهر بیرمنگام، فعالیتهای مقاومت ایران را به رهبری خانم مریم رجوی ستود و گفت: من اعتقاد کامل دارم که این پشتیبار و فعالیتهای گستردهٔ شما در آینده‌یی نزدیک به‌ثمر خواهد نشست.

■ **مالکم فالولر، عضو کمیته حقوق بشر کانون وکلای انگلستان**

مالکوم فالولر، صحت‌های خود را با اعلام یک دقیقه سکوت به پاس و یادبود شهدای مقاومت و پایداری قهرمانانه زندانیان قهرمان مجاهد و مبارز به‌خصوص مجاهد قهرمان حجت زمانی آغاز کرده و خواهان دخالت هر چه سریعتر دولت انگلستان و سازمانهای حقوق بشری برای نجات جان زندانی مجاهد ولی‌الله فیض مهدوی که حکم اعدام او توسط ملایان جنایتکار صادر شده است گردید.

■ **دولت نوروژی، نماینده شورای ملی مقاومت در انگلستان**

خانم دولت نوروژی در سخنانی ضمن تشکر از نمایندگان پارلمان لرد کوریت، استیون مک کیپ و لرد کینگ و سایر همکارانشان در دو مجلس انگلستان، که سال‌های متمادی از مقاومت ایران به رهبری خانم مریم رجوی برای تحقق دموکراسی و حقوق بشر حمایت نموده‌اند، تأکید کرد که شرایط ایران و منطقه بسیار بحرانی و خطرناک است و مردم و مقاومت ایران با برگزاری بیش از ۴۱۰۰ رشته تظاهرات و اعتصاب و حرکات اعتراضی عزم جزم خود را برای سرنگونی و تغییر دموکراتیک در ایران نشان داده‌اند.

■ **حسین عابدینی، عضو کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت**

حسین عابدینی در صحنه‌های خود ضمن شرح توطئهٔ جنایتکارانه رژیم برای قتل‌عام زندانیان مجاهد، اعدام مجاهد قهرمان حجت زمانی و حکم اعدام قریب‌الوقوع زندانی مجاهد ولی‌الله فیض مهدوی را به‌شدت محکوم کرده و خواهان نجات جان ایشان شد. آقای عابدینی در ادامهٔ صحنه‌های خود با اشاره به مداخلات فزاینده رژیم در عراق و هم‌چنین تلاشهای گستردهٔ آن برای کسب سلاح هسته‌یی، راه‌حل سوم رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت را تنها خواست ایرانیان در داخل و خارج ایران معرفی کرد.



■ **کلن – آلمان**

سازمانهای حقوق‌بشری برای نجات جان آقای ولی‌الله فیض مهدود و همبستگی خود را با این گردهمایی اعلام‌نمود.
در شروع آکسیون اعتراضی کلن که با حضور چشمگیر حامیان مقاومت همراه بود، اطلاعیهٔ شورای ایرانیان این شهر قرائت گردید.
خانم زبیله اشتار طی سخنانی ضمن محکوم نمودن این اقدام ضدبشری حکومت آخوندی خواستار دخالت



■ **ونتکو – کانادا**

این آکسیون مورد توجه رسانه‌های محلی قرار گرفت که از آن فیلم و گزارش خبری تهیه کردند.
که از آنجا، نامهٔ حمایت خانم هدی فرای نمایندهٔ دولت فدرال کانادا قرائت گردید.
خانم فرای در نامه خود از مبارزات مردم و مقاومت ایران حمایت‌کرده و خواستار لغو حکم اعدام ولی‌الله فیض مهدوی شدند.



■ **سن خوزه – آمریکا**

این آکسیون مورد توجه و استقبال شهروندان آمریکایی قرارگرفت.
آنها با پیوستن به تجمع، حکم جنایتکارانه دژخیمان رژیم ایران را محکوم کردند.
این مراسم با اجرای جمعی سرود «ایران ای مرز پرگهر» پایان‌یافت.



■ **مونترال – کانادا**

جنایت‌های رژیم آخوندی و هم‌چنین خارج نمودن نام آکسیون مونترال که به‌دعوت انجمن ایرانیان دموکرات ترتیب داده‌شده بود باوجود باران شدید و سرمای غیرمنتظره با شعارهای کوبنده تظاهرکنندگان مینی بر درخواست آزادی زندانیان سیاسی و محکومیت



صبح روز شنبه ۱۹فروردین صداهاتن از هواداران مقاومت ایران و ایرانیان شریف و آزاده در میدان چمبرلین در مرکز شهر بیرمنگام دومین شهر بزرگ انگلستان یک تظاهرات بزرگ اعتراضی در حمایت از راه‌حل دموکراتیک ارائه شده توسط رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت خانم مریم رجوی و محکومیت اعدام زندانیان سیاسی مجاهد و مبارز به‌خصوص حکم اعدام زندانی مجاهد ولی‌الله فیض مهدوی برگزار کردند.

در این تظاهرات که از ساعت ۱۱صبح شروع شد و برای چند ساعت ادامه داشت، چند تن از نمایندگان برجستهٔ پارلمان انگلستان و شخصیت‌های سیاسی و نمایندگان مقاومت ایران و جوامع ایرانی شهرهای سراسر انگلستان به‌خصوص جوامع بیرمنگام و سایر شهرهای شمال انگلستان به سخنرانی پرداختند.
رؤسای جوامع مختلف ایرانی از جمله آقای مسعود ضابطی نمایندهٔ جامعه وکلای ایرانی در انگلستان، دکتر کورش جلالی نمایندهٔ جامعهٔ ایرانیان در شهرهای بیرمنگام و منچستر انگلستان، خانم زاکم صفدری نمایندهٔ انجمن معلمین ایرانی در انگلستان،

موج اعتراضات جهانی علیه حکم اعدام زندانی مجاهد

ولی‌الله فیض مهدوی این هفته نیز ادامه داشت و شهرهای بزرگ جهان در اروپا و آمریکا شاهد آکسیونهای اعتراضی حامیان مقاومت، در محکومیت این اقدام شنیع رژیم آخوندی بود.

دژخیمان رژیم آخوندی چندی پیش طی حکمی ولی‌الله فیض مهدوی را که اکنون به‌دلیل فشارهای وارده، در بدترین شرایط جسمی بهسر می‌برد، به اعدام محکوم نمودند.

در این آکسیونهای اعتراضی شرکت‌کنندگان ضمن تقبیح این عمل جنایتکارانهٔ رژیم، نسبت به تکرار فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷، هشدار دادند و از مجامع بین‌المللی و حقوق‌بشری و نیز ارگانهای سازمان ملل متحد خواستند تا با اقدامات فوری بر روی رژیم فشار وارد آورده و جان زندانی مجاهد ولی‌الله فیض مهدوی را نجات‌دهند.
آنها هم‌چنین خواستار بررسی پرونده نقض حقوق بشر



■ **برکلی – آمریکا**

آکسیون برکلی باوجود باران شدید، در مرکز این شهر برگزار گردید. شرکت‌کنندگان با مشتهای گره‌کرده شعار می‌دادند: «اعدام زندانیان سیاسی در ایران را متوقف کنید»، «زندانی سیاسی آزاد باید گردد» و... در خلال برنامه بروشوری در افشای جنایات رژیم و



■ **وین – اتریش**

وین در مجاورت پارلمان اتریش، ۱۹فروردین: آکسیون وین در حمایت از راه‌حل دموکراتیک ارائه‌شده توسط رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت خانم مریم رجوی و در اعتراض به حکم اعدام زندانی مجاهد ولی‌الله فیض مهدوی برگزار شد.

نامه سازمان «به قایبل دست نزنید» علیه صدور حکم اعدام ولی‌الله فیض مهدوی

ایران: زندانی سیاسی در معرض خطر اعدام

آژانس خبری رادیکال – ایتالیا، ۱۸فروردین:

سایت خبری ایران فوکوس در تاریخ ۹فروردین ۸۵، خبری مبنی بر قرار اعدام زندانی سیاسی ولی‌الله فیض مهدوی، ۲۸ساله و از اعضای مجاهدین خلق، در تاریخ ۱۲۷دیماه، منتشر ساخت.

خانواده زندانی می‌گویند که حکم اعدام در تاریخ ۴فروردین به او ابلاغ شده‌است مهدوی درسال ۲۰۰۱ به‌خاطر عضویتش درسازمان مجاهدین خلق، گروه اصلی اپوزیسیون ایرانی، دستگیر و به زندان گوهردشت کرج منتقل شد. سازمان او و دیگر سازمانهای مدافع حقوق بشر چنین عنوان می‌کنند که او در زندان

نیویورک – آمریکا



■ **نیویورک مقابل مقر سازمان ملل، ۲۲فروردین:**

در آکسیون اعتراضی نیویورک که به‌دعوت جامعه ایرانیان نیویورک – هواداران مقاومت، برگزار شده‌بود، شرکت‌کنندگان با شعارهای کوبنده خود توجه هیأت‌های سازمان ملل و شهروندان آمریکایی را به این جنایت رژیم آخوندی معطوف نموده و خواستار قاطعیت و



■ **اسلو – نروژ**

در ادامه پیام انجمن دانشجویان ایرانی مقیم نروژ توسط آقای احسان توتونچی خوانده شد. سپس قطعنامه تظاهرات قرائت گردید.
پایان بخش برنامه، همخوانی سرود قسم بود.
این برنامه با استقبال و ابراز همبستگی شهروندان نروژی ولی‌الله فیض مهدوی و سایر زندانیان سیاسی گردیدند.



■ **لس آنجلس – آمریکا**

این آکسیون که به مدت چند ساعت ادامه‌داشت، مورد استقبال شهروندان اتریشی قرارگرفت.
آنها با مراجعه به نفرات شرکت‌کننده در آکسیون و نیز میزکنایی که برپا شده‌بود، انزجار خود را از رژیم جنایتکار آخوندی ابراز می‌داشتند.



■ **تروندهایم – نروژ**

تجمع اعتراضی تروندهایم با خواندن سرود «ایران مرز پرگهر» آغاز شد و قطعنامه تظاهرات قرائت گردید.
در خلال برنامه اعلامیه‌های سازمان عفو بین‌الملل و شورای ملی مقاومت در اعتراض به این حکم